ما شاء الله لا قوة الا بالله

الحمد لله والمنہ کہ مصنفہ جناب مولوی حکیم ناصر علی صاحب غیاپوری مسمی بہ

مفردات ناصری

مع

تکملۂ ناصری

حسب فرمایش جناب مرزا عنایت علی بیگ صاحب عنایت لکھنوی

مطبع [illegible] واقع لکھنؤ مطبوع گردید

[illegible]

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ الحکیم الآمر العلی العلیم القادر المولی الذی جعل الصحۃ وسیلۃ لحصول الخیرات والطاعات وام
تریاقا لسموم الشہوات والشقیات فتعالی شانہ علوا جزیلا انزل الفرقان قانون شفاء الکل وابرز خلق لکل
مرض دواء واودع فیہ خصائص متضادۃ وکیفیات متخالفۃ لا یعلمہا الا ہو حکیما جلیلا اللہم نق قلوبنا من اخلاط
النہم والہوی وفرحہا بالمفرحات الباقوتیۃ من الزہد والتقوی واغثنا قبل موتنا واحینا بعد فوتنا واسقنا
شرابا کان مزاجہ زنجبیلا لنکون اقوم طریقا واہدی سبیلا ونصلی علی الطبیب الحاذق عدیم البدل والحکیم
الفائق دافع العلل بکرۃ واصیلا الذی احیاؤہ اموات ماتۃ عام الذی ہو اعظم معجزات عیسی علیہ السلام ومعجزۃ
من نسخ قرابادین حکمتہ البالغۃ وابراء الاکمہ والابرص والاجذم ہو اخس کرامات لقمان الحکیم الاعظم الصوحب
من جیوب دار شفاء کرامتہ الکاملۃ تکفی بہا دیا ودلیلا وشحقا شحقا لمن لم یؤمن بہ واتخذ ہواہ خلیلا وعلی آلہ
وصحبہ الذین منہم الصدیق الرفیق فی الغار وعمر الفاروق الاشد علی الکفار وعثمان ذو الحیاء والوقار و
اسد اللہ الواحد القہار الشاب والنبع الحیدر علی الکرار وسید الشباب اہل الجنۃ وریحانا الرسول
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وسلمہا فاطمۃ الزہراء البتول والسائر المہاجرین والانصار الذی ہو بیج
سالک ابتہم حصار الکفر ہباء منثورا ولاسلام منشورا نقارا وافئدۃ احیاء وانقذوا المسلمین بمارستان
الکفر ... شفاء الاسلام کل مریض علیلا اما بعد میگوید ہیچمدان تارازلی فقیر محمد ناصر علی ابن

مستغرق بحار انوار حضرت مسبب الاسباب والمبادی شیخ حیدر علی غیاث پوری ثم منیری عظیم آبادی تقبل الله اخراتها خیرا من اولاها که همی کثیر از اصحاب واثق و جمی غفیر از احباب صادق دست اقتراح بدین امر زدند و باستبداد و الحاح پیش آمدند که چنانکه کتاب ناصر المعالجین کر بکمر بست زرنگار بکوزه کشیده و معه فهرست پر از جواهر آبدار بدرجی بر آورده باعث نفع عام و فائده تام شد و مقبول طبایع انام همچنین اگر مختصری محتوی بر ادویه ضروریه مفرده روزمره دانموده جی از اشیای ماکوله مروجه بعبارات ترتیب مع بعضی از اصطلاحات طبیه که حفظش اولا طالب فن را ضروریست بل فرض عین ولابدی تالیف نموده آید و زنگ جهالت از آئینه اذهان طالبان زدوده گر از احتیاج طرف مطولات که اولا بهم رسیدن نسخ خیلی دشوار و ثانیا چند رسیدنش عمری در کار دارد رهیم و از حفظش و مراد نمودها رسیم لاجرم تراکم افکار و هجوم و تلاطم امواج غموم و نبودن فرصت عقا صفت ادویه مفرده را با ورقی چند از کتب معتبره جمع نموده مسمی به مفردات ناصری نمودم و منحصر بیک مقدمه و بست و چهار باب کردم طالب فن را حفظ و استحضار اینقدر برای نسخه نویسی روزمره و ترکیب مرکبات ضروریه ضروریست و بس و باقی اشتغال بالایعنی و هوس بوآز گلبندان این چمن و گل چینان این گلشن آنکه اگر از مشک و عنبرش بدل و دماغ راحتی یابند بروح فقیر هم بدعای خیر فرحتی رسانند که غرض از تالیف مزخرفات همین ست نه تحصیل تحسین و آفرین واگر از متن جلیت و چند بید بستر [illegible] متغیره شوند بذیل عفو بپوشند و بفقیر ضعیف نخروشند و یا بعد تحقیق بل تدقیق بتدبیر غسل یا اصلاح آن کوشند و ها انا اشرع فی المقصود متوکلا علی فائض الخیر والجود مقدمه در بیان اموری چند که علم آنها قبل از شروع در مقصود لابدیست مشتمل بر شش فصل

فصل اول در تعریف و موضوع و غایت علم طب بدانکه طب در لغت بمعنی شهر و اصلاح و عادت و حذقست و باصطلاح اطبا عبارت از علمی ست بقوانین که شناخته شود از ان احوال بدن انسان من حیث الصحة والمرض برای حفظ صحت او و زائل بقدر امکان و المناسبة التی بینها لا یخفی علی الطبیب اللبیب و موضوعش بدن انسانست از ان جهت که صحیح ست یا مریض و غایتش صدور افعال صحیحه و حفظ صحت حاصل است و استرداد صحت زائله

فصل دوم در معرفت مزاج و درجات اربعه ادویه مزاج عبارت از کیفیتی عنصریست متوسطه متشابه الاجزاء حاصل باز کیفیات بسیطه متضاده اگر [illegible]

از نه کیفیت که چار ازان کیفیات اربعه بسیط حرارت و برودت و رطوبت و یبوست است و
و چار دیگر مرکب از کیفیات اربعه و یکی اعتدال فرضی اطبا بود زیراکه دوا یا احر یا ابرد یا ارطب
یا ایبس از دما یعنی بود و یا احر و ایبس و یا احر و ارطب و یا ابرد و ارطب و یا ابرد و ایبس از دما یعنی و یا
معتدل پس بدانکه اثر دوا منحصر ست بچهار پایه که آنرا درجه گویند زیراکه آنچه دارو بدن انسان معتدل
مزاج یا قریب بآن جوان ذکی الحس گردد پس بعد انفعال از حرارت عزیزی یا کیفیتی از زائد از
بودش حدات نماید یا نه اگر ننماید معتدل ست اگر نماید غیر معتدل پس آن کیفیت اگر محسوس
نشود آنرا زائد دران کیفیت بدرجهٔ اول گویند و تا تیر چنین دوا از تکرار استعمال و زیادتی مقدار
آن معلوم میشود اگر محسوس میشود پس اگر بسر حد مضرت نرسد آنرا زائد دران بدرجهٔ دوم گویند
و اگر رسد پس اگر منجر بهلاکت نشود آنرا زائد دران بدرجهٔ سوم گویند و اگر شود آنرا زائد دران بدرجهٔ
چهارم گویند فائده چون شناخت مزاج هر دوا علی سبیل التفصیل امر بست دشوار لا یعلمه الا الله
العلیم بالامزجة و الاقدار درینجا برای معرفت هر دوا قاعدهٔ کلیه بیان کنم که مزاج دوا فقط از طعم و چشیدنش که اقوی
ادله آنست دریابند پس اولا باید دانست که دوائیکه طعمش حاد و حریف و مر و مالح بود حار بود و حریف
اکثر بود ثم المر ثم المالح و اگر معتدل و ملائم بود معتدل بود و دوائیکه طعمش قابض و ترش و عفص بود بارد
یا یابس بود و عفص ابرد بود ثم القابض ثم الحامض و اگر رخو و لین بود رطب بود و ثانیا باید فهمید که
دوای تفه ای مسیخ یعنی بیمزه بارد و رطب بود و معتدل در لطافت و کثافت و مسکن حرارت
و عطش و دافع حدت صفرا و خون و خشونت سینه و غیره و مسقط شهوت و دوای حامض
یعنی ترش بارد یا یابس بود و ملطف و مقطع و نافذ و مرخی و جالی و محرّد و قامع صفرا و دم و مانع
از غلیان آن و مثیر شهوت و موافق اصحاب مزاج حار و حار یابس البطن و در عفونت بدن و دوای
حریف یعنی تیز حار یابس بود و ملطف و مفتح و ملطف و مقطع و منقی و محلل و جالی و مخشن
جلد و نافذ و مرقق و مسخن و محدث لذع شدید در زبان و معفن و ملین و محرق و دوای
حلو یعنی شیرین معتدل مائل بحرارت و کثیف و جالی و مرخی معده و منضج و ملین و مرقق
و مذیب و قریب الاستحاله که بخلط غالب و خون و معطش و مخشن سطح زبان و کثیر الغذا
و محب طبع و قوت جاذبه و مزید منی و دوای دسم یعنی چرب معتدل

بود و لطیف و ملین و مرخی و مسخن و مرطب و مزلق و منضج اورام و قریب الاستحاله بخلط غالب
دوای عفص یعنی زمخت بارد یابس بود و کثیف و رادع و مبرد و مخشن و مصلب و حاصر
مکثف و حابس و مانع سیلان رطوبات و دوای قابض یعنی بهم آورنده عضو بارد یابس بود و
در لطافت و کثافت معتدل و قابض و مجفف و مهزل و مولد وم سوداوی و مکثف و حابس اسهال
و مقوی اشتها و مغلظ و مبرد و رادع و دوای مالح یعنی شور حار یابس بود و معتدل در لطافت و
کثافت و محلل و جالی و غساله و مقطع و مفتح و ملطف و مسخن و مانع تعفن اخلاط و مجفف و مهزل و
دوای مر یعنی تلخ حار یابس بود و کثیف و مجفف و مخشن زبان و غاسل آن و جالی و ملطف
و مرقق و مقطع و مسخن و مانع تعفن اخلاط و قابض و کل دوای مر حالی است و گاهی از بوئیدن نیز
مزاج دوا در یابند زیرا که بوی تیز و قوی دال بر حرارت بود و بوی بد خود ضعیف یا عدم آن در تغییر
بسا دال بر برودت و بوی ملائم بر اعتدال و هذا الدلیل ضعیف بنسبة الطعوم و گاه بود که مزاج
دوا از رنگش دریابند ازینجهت گفته اند که سیاهی مطلق دال بر حرارت و یبوست و سرخی
مطلق بر اعتدال و سبزی مطلق بر برودت و یبوست و هذا اضعف الادلة لکن من القائلین
المعتبرین به فائده درینجا مستحسن و زیبا نمود که چندی از ادویات را بقید درجات اربعه بحیز تحریر آرم
تا طالب را ضبط و حفظش آسان بود و در یاد و حفظ کردن دوای معتدل و مرکب القوی کل و
همچنین ادویه حاره رطبه هر درجات و حاره یابسه و بارده رطبه و بارده یابسه که با لتفصیل یکجا
ضبط بود و حاجت بمطولات نافتد معتدلات ابریشم اشنه اقلیمیا اهلیلج کابلی بهرسیاوشان
بزر القطعت تخم کتان تخم کاسنی تنبول حضض حنظه غندروس و جاج ریحان تمر
زر هره پستان شکر تیغال غیر عشت صمغ عربی عناب ولایتی فیلزهرج کثیرا کشری
کهربا لحیة التیس لعل موز موم ورق طلا یاقوت مرکب القوی تخم خطمی چوب چینی
سلق شاهتره لبلاب ماهورد تار حیل بحری ادویه حار رطب آلیه پا لک چوبی برگد بر بارده
بلاس با پره جام بیل حرف بابلی دهن بید الکتان دهن یاسمین تسوتی ست بهنگ
شیخ تنکه قند الفقه کرآج کشمش گل مهندی گلچکان لبن الضان ماء اللحم کهیانه سلیمه ویه
حار رطب رطبه اول بالنگو تربه الرطبه ترنجبین تمر خص خصیة الثعلب خیار شنبر نبه بعد بس

صفرۃ البیض عنب فانید تجد لسان الثور لوز الحلو نیم ادویہ حار رطب بدرجہ دوم
اسفیداج اسقنقور انبہ بزر ہلیون بطیخ بزر حب الزلم حب القلقل شرافیہ فستق منڈی
ادویہ حار بدرجہ اول رطب بدرجہ دوم ارزن بطیخ بلوکل تفاح توت قلوتین
شقاقل نحل قصب السکر قلقاس کہرنی لوبیا ادویہ حار بدرجہ دوم رطب
بدرجہ اول بزر المرو تخم چرونجی ترنجبین خمیر خیمہ رطب زردبیان سابودانہ شکر سرخ
شلجم قلقت دواہی حار بدرجہ سوم رطب بدرجہ اول بزر اللفت دوای حار یابس
بادنجان بہی بابچی بزر کرنب بزر النام بزر الشبت تالمکہانہ حب الکتم دار بلادر سکبور
زاج سبز سلاجیت سکتہ شتر خار عصارہ افسنتین عرق السماک کرفس کسونجی ادویہ
حار یابس بدرجہ اول اردسہ اسراش اکلیل الملک بادآورد بندق ثمرۃ الطرفار
خسک حلبہ گلو نخار نسرین ادویہ حار یابس بدرجہ دوم آبنوس ابو خلسا ابہل
اسلق اذخر اسارون اصل الکبر اصل الفلفل اظفار الطیب انجدان ایرسا بادرنجبویہ
بادنجان بادیان خطائی برنگ کابلی برنجاسف بزر البنج بزر الکرفس بزر الحرمل بزر بقلۃ
الانصار بزر الکراث بزر البصل بسباسہ بکھر بول بوزیدان بندق ہندی بہمن سفید بہنگرہ
تشمیزج جامی خطائی چلایا جوز القی جوز بوا حب البان حب بلسان حب صنوبر حب البقر حب
المحلب حب الخروع خراطین ہندی خولنجان خیری دار چینی دار فلفل رب السوس ریوند
چینی زراوند مدحرج زرنب زرنباد زعفران دفای یابس سعد سلیخہ الحیہ سکبینہ سنبل الطیب
سندروس شاخل ثبت شکاعی شیطرج تیلم صبر صعتر طالیسفر عسل النحل عصفور فادانیا
فرنجمشک فودنج نہری فوہ قاقلہ کبار قشر اترج کشنیز اصل الکرفس قصب الذریرہ قلقطار قنبیل
انیسون کتم کردیا کماذریوس کندر گاؤزبان لسان العصافیر مرزنجوش مشکطرامشیع الغول مصطکی ملح اسود ملح اندرانی
موسلی نار قیصر نار مشک نعنع نمک سانبھر نمک الکوار ورس یاسمین ادویہ حار یابس
بدرجہ سوم اجواین دیسی آذریون اطریلال ابہل اشترغار افتیمون انجرہ انقحوان بزر آب
بزر القنب بخور مریم بصل بنداک بورہ ارمنی بہمن سرخ پپلی پیاز انگا تربد حب توبال
تاقیبا تودہ جاوشیر جدوار جندبیدستر ناجۃ الحفر احب النیل حرف حماما حربق ابیض حربق اسود دار چکنا

عقربی وقلی دهن بلسان دیودار راتیانج زاج اصفر زرنیخ اصفر زبد البحر سداب سکبینج سنگبویه شاهتره
شونیز شیح صابون عاقرقرحا عروق الصفر عشبه مغز نبه عود بلسان قطفه اسالیون فلفل
ابیض فلفل اسود قاتل الکلب قردمانا قرنفل قرن الایل قسط قنطوریون قنبیل قیسوم
فیشهر کالی زیری کباب چینی کبریت کریلا کمافیطوس کندش لال مرچ مامیران ماهودانه
ماهیزهره مرج مصری نمک هندی مومیائی نوشادر ادویه حار یابس بدرجه چهارم بیش
توتیای اخضر هندی حب السلاطین حسن یوسف خردل زنگار سم الفار سداب بری فربیون
مقلی ازریون میسل نفط ادویه حار بدرجه اول یابس بدرجه دوم اترج اسطوخودوس
بسفایج اسقولوقندریون افسنتین رومی بزر الکشوث بزر الریحان بزر الاترج بسبایج کاکنی
بیلگری ترمس حجر الیهود حجر مقناطیس دارشیشعان زجاج فاریقون فانیذ قاقله صغار
فودنج نبلج دوای حار بدرجه اول یابس بدرجه سوم کاکڑا سینگی ادویه حار بدرجه
دوم یابس بدرجه اول انحق اصل السوس اصل الرازیانج آنزروت بابونه بادرنج
بزر الجرجیر بسفانج بطم جوز حب الکلی حرسف تمام حندقوقی حی العالم رازیانج زعفران
سعتر خس تنار مکی عنبر قرطم کنگر زد کندر لبان مرزنجوش مغاث سیفنج نارجیل ادویه
حار بدرجه سوم یابس بدرجه اول بزر الجزر بلادر لوز المر ادویه حار بدرجه
دوم یابس بدرجه سوم انیسون حدید خبث الحدید شب یمانی عود هندی فربیون
کمون کرمانی لک ناردین ادویه حار بدرجه سوم یابس بدرجه دوم
اشنان انجدان بزر الفجل بصل العنصل جندبیدستر حب القلت حرمل دو قو زراوند طویل
زفت یابس زنجبیل سافنج هندی سقمونیا سورنجان شبرم عین الدیک قنه کراث مالکنگنی
مرصافی مشک مقل سیه سالمه دوای حار بدرجه سوم یابس بدرجه چهارم
بقم ادویه حار بدرجه چهارم یابس بدرجه دوم حلتیت تخم حنظل ادویه بارد و رطب
کاسنی اصل بید سبز پیلی بوتی توری بید مشک داغ ... ریشه خطمی کانجی کنار
ادویه بارد و رطب بدرجه اول اسفاناخ بزر الخبازی بزر اسفاناخ رمان حلو سفرجل حلو
هندبا ادویه بارد و رطب بدرجه دوم انجبار بزر القثا بزر القثد بزر البطیخ هندی

طلیع ہندی بقلہ یمانیہ بھنڈی بہیدانہ تخم پنیھ جبن چکوترہ خوخ سرطان نہری شرب طحلب قثاء قثہ قرع کسیر دکیونگ گل نیلوفر لین النسا ماست مشمش دوای بارد رطب بدرجہ سوم فطر ادویہ بارد بدرجہ اول رطب بدرجہ دوم اجاص بنفشہ سمک ادویہ بارد بدرجہ سوم رطب بدرجہ دوم بزر قطونا بزر القرع بقلۃ الحمقا۔ ادویہ بارد بدرجہ دوم رطب بدرجہ اول بزر القرع بزر الخشخاش بستانی فلات دوای بارد بدرجہ دوم رطب بدرجہ سوم زیبق ادویہ بارد یابس آلو آمرنج بزر الخس بزر البقلۃ الیمانیہ بزر النیلوفر لبستان افروزحیض حب الریباس حب الرمان خبث الفضہ سنگجراحت سنگھاڑا قشر اصل الرمان عاج غبار الرحی قرطاس کوبی مشکدانہ ادویہ بارد یابس بدرجہ اول حماحم شیر مونگ نشادرق نقرہ ادویہ بارد یابس بدرجہ دوم ابار انبر باریس آنبیلان بزر الورد بزر الخس بزر لسان الحمل تخم تمر ہندی۔ تیوانج جسلنا حاشا حب الآس حجر الیشب حرم حلزون خرنوب بری رمان صغیر رمان حامض ریباس سفیدہ کاشغری سماق صدف طین مختوم طین مغرہ عدس عقیق عنب الثعلب فوفل قشر الفستق قشر الرمان قشر البیض کاکنج کتھہ لولو ماميثا مرجان ادویہ بارد یابس بدرجہ سوم اکتمکت آنبج انجبار بزر البنج بنگ تخم خشخاش سیاہ جوز السرو دم الاخوین زیرجد طراثیث عقرب تفاح ادویہ بارد یابس بدرجہ چہارم افیون الماس جوز الماثل خانق النمر ادویہ بارد بدرجہ اول یابس بدرجہ دوم اثل آس املج بلیلج صفر باقلا بسد بزر الحماض بیرو زہ بلوط بلیلج توتیای کرمانی جاورس حنا خرنوب بستانی خلر دخن سقر جل حامض طین ارمنی عفص گل سرخ ادویہ بارد بدرجہ اول یابس بدرجہ سوم اقاقیا مرداسنج ادویہ بارد بدرجہ دوم یابس بدرجہ اول امرود بردی پوست خشخاش توت کرکس زعرور لیمون ادویہ بارد بدرجہ سوم یابس بدرجہ اول یابس عصی الراعی ادویہ یابس بدرجہ سوم بارد بدرجہ دوم اثمد انغلہ تخم کشنیز ثمرۃ الاثل جامون خل زعرور شادنج عدسی مقشور صندل سرخ طباشیر سفید موچرس ادویہ بارد بدرجہ سوم یابس بدرجہ دوم ثلج خشخاش بری صندل سفید فصل سوم در

صفات ادویهٔ مفرده و اسامی آنها اکال خورنده دوائیکه تحلیل و تفریق اجزای جوهر اعضا
نماید بدل دوائیکه قائم مقام دوای دیگر شود فعلاً و تاثیراً هر گاه آن دوا یافته نشود جاذب
کشندهٔ اخلاط و رطوبات بظاهر جلد و آنچه شدید الجذب بود چارو پیکا نرا از عمق بدن میکشد و
عرق النساء و اوجاع مفاصل نائره را اضماداً بعد تنقیه انفع میشود جالی پاک کنندهٔ رطوبات
لزجه از مسام و هر دوائیکه جالی بود پس آن بسبب جلا اخود ملین طبع هم بود اگرچه در دوقوت اسهالیه
نبود جامد بسته کنندهٔ اخلاط رقیقه حالق سترنده یا شسته کنندهٔ مو رادع باز گردانندهٔ
مواد از ریختن سوی عضو ماوُف عاصر فشارندهٔ عضو تا رطوبات داخلهٔ عضو جدا گردند غسال
صاف کنندهٔ سطح عضو از اخلاط فادزهر و تریاق دوائیکه حفظ قوت و صحت مزاج روح بجدی
نماید که بآن دفع ضرر سم از آن نماید و گویند که اسم تریاق مخصوص بمصنوعات و نباتات است چنانکه
اسم فادزهر مخصوص بمفردات و معدنیات قاتل کشنده و مفنی روح حیوانی قابض بند کننده
طبع قاشر خراشندهٔ پوست فاسد عضو کاوی داغ کنندهٔ عضو کاسر الریاح شکننده و دافع
ریاح غلیظهٔ منعقده در اعضا لاذع تفرق اتصال پیدا کننده به نفوذ خود در عضو مبرد احداث سردی
کننده و هر مبرد دیگر در دوقوت تسخین هم بود پس نافع بود اورام حاره را بزمان تزاید و انتها مبهی قوت
جماع بخشنده بتولید مادهٔ منی در ریاح منعظه در مجاری اعصاب و اعضاء تناسل مجفف
خشک کنندهٔ رطوبات عضو محرق سوزنده و محلل رطوبات عضو محکک خارش آورنده
بجذب اخلاط لزاعه سوی مسامات محلل خارج کنندهٔ اخلاط چسپیده بعضو از راه تبخار جزؤ بجزؤ
و هر محللیکه در دوقوت قبض هم بود پس او معتدل بود و نافع بود استرخا و تشنج مفاصل و اورام بلغمیه
را محمر سرخ کنندهٔ عضو ظاهر و ادویهٔ محمر فعل مقارب میکنند مخدر بحس و حرکت کنندهٔ عضو مخشن
سطح عضو را فراز و نشیب کنندهٔ مدر مخرج مائیت ادویه و فضول سائله از راه بول یا عرق یا غیر
آن لحاق کننده فروح از گوشت صحیح بعد خشک کردن رطوبات مرخی نرم کنندهٔ قوام اعضا
کثیفة المسام برای اخراج فضول یا سائی مرکب القوی دوائیکه جوهرش مرکب بود از چند کیفیت
که هر یک را مزاجی خاص بود مضاد دیگری و بعد ترکیب در چیز واحد امتزاجی تام نیافته بود و لهذا در
در معده اجزای آن از هم جدا گشته هر یک تاثیری خاص نماید و منشای ظهور آثار متخالفه گردند

بعضی بزودی وبعضی بدیری مزلق آنکہ تر طیب وتلیین سطح عضو بحد لغزیدگی کند تا آنچہ دران محتبس بود بحرکت
کمتر متحرک شود مسدد بند کنندۂ مجاری مسکّن درد ہا را تسکین دہندہ مسمّن فربہ کنندہ مسہر غذیہ خواب دفع کنندہ مسہل
دفع اخلاط فاسدہ وفضول رویّہ از اقاصی وعروق اعضا از راہ براز دہر دوائی کہ قوت اسہال
مع القبض بود مثل سورنجان پس آن برای اوجاع مفاصل نافع بود مشتہی گرسنگی آورندہ مصلح ضرر دوائی
دیگر باز دارندہ واصلاح حال ماکول ومشروب کنندہ مصدع درد سر پیدا کنندہ مضر تقوی یا قوتی
نقصان رسانندہ مضرات احشا اسفنج تخم خربزہ حب المحلب زجاج لوز الحلو لبن البقر بار الشعیر مضرات
امعا اشنہ الجزہ الجدان انیسون برنگ کابلی تربد ستمونیا سکبینج سلیخہ صبر عود بلسان عنبر فقعیہ فاقلہ
قرنفل قنبیل قنطوریون صغیر کما ذریوس کمون گیر ولوز المر باہنیر ہیرج ورق نقرہ مضرات انثیین
اکلیل الملک بوزیدان تخم خیار تخم کتان جاوشیر حلبہ فرفیون مضرات باہ ایرسا انجبار آب
دوغ آرد افیون بلوطیخ بزر قطونا بزر الشبت فنجنکشت بقلۃ الحمقا تخم خشخاش سفید تخم خرفہ تخم نیلوفر
خرا حصرم حماض خل دو قوربان حامض ریباس زمرد زوفای یابس سداب شوکران شہدانج شونیز
صندل سفید طباشیر عدس فرنجمشک فلفلمویہ فودنج نہری فربیون کاہو کاسنی کمون کافور گردیا کتہہ گلاب
گل نیلوفر نکو بلکسر ات ریباج مرزنجوش موم مونگ نمک ملح درد احمر مضرات بصر بادروج بزر کتان
بزر الشبت بقلۃ الحمقا جرجیر سداب شہدانج عدس محل فلفلمویہ کاہو کثرات کردیا بلح نانخواہ مضرات حلق
بابونہ تخم جرز نافیا حب الزلم حنا زنجبیل زنگار سعد عفص عقیق مضرات دماغ اترج ابو خلسا اجاص
استغار ایلیلج کلان بارزد تنبا کو حب المحلب حبۃ الخضرا خرشف حلتیت خشخاش سیاہ زیبق سدر سمک عسل
قشر اترج قنہ قنطوریون کبیر کبریت نسرین مضرات دندان ولثہ اشنان آب شور آب برف آب سرد
بر چیزہای گرم نوشیدن تین حامضات سہاگہ شیر مخل کراث مونگ مشک مضرات ریہ اسارون
اسطوخودوس ایرسا بادآورد بزر الکراث بزر کشوث بزر الورد بزر لسان الحمل بزر المرو بزر
کرفس بزر النمام پوست خشخاش تخم خربزہ جوز بوا حاشا حب القلت حنا جنت الحدید خشخاش
سفید دفلی دیوار ریشہ خطمی زبد البحر زفت یابس سالبس درج ہندی سرخس سعد شاہسفرم
سقب یمانی شکاعی شیطرج صعتر طالیسفر طباشیر طین مختوم عاقرقرحا عصی الراعی قاقلہ
کبار قسط قصب السکر قیصوم کما فیطوس کمون کردیا کندش مقل میعہ سائلہ نادرین نیلج

مضرات صدر بسفائج تفاح توفال الحدید خبطیا ناخولنجان ریباس عفص فوفل ماء الورد
مضرات طحال اصل السوس۔ آملہ برسیاؤشان بزر البطیخ بطیخ ہندی تخم خار خسک تخم کاسنی
بزر صاحب شفاء الاسقام تخم خرفہ سیاہ تخم کشوث تخم حماض تخم اسفاناخ ترنجبین تمر ہندی حجر الیہود
حضض حی العالم دار شیشعان زراوند طویل و مدحرج شیر گاؤ طلق طین ارمنی طین مختوم
غافث قردمانا گاؤزبان لک لسان الحمل ماہیشا مضرات قلب بنفشہ متینا کولنجان
زرنباد سقمونیا عروق الصفر مضرات کبد اطریلال اہلیلج اترج اہلیلج اسود بزر الورد
بزر الفجل بسبانسہ بینہ دانہ طین جلنجبین جوز بوا حب البان حجر الیہود حلتیت خیار دار
شیشعان دم الاخوین زراوند طویل زوفا سماق سرکہ سقمونیا سورنجان سپستان شستر
خار شونیز صبر فلفل سیاہ قشر اترج بادریون نقل نارنگی۔ مضرات کلیہ
اصل السوس اصل الکبر اطریلال البقرانق اذخر اشترخار الخبرۃ برنجاسف
بزر الکراث بزر الحماض بزر البقلۃ الیمانیہ بزر الریحان بزر الفجل بسبد بسفائج حب القطن
خراف خربق اسود دم الاخوین زعرور زعفراق سکبینج سلیخہ سنبل الطیب سندروس
شستر خار طلق عقیق فراسیون فلفل ابیض فودنج نہری فیروزہ قرنفل کرویا لحیۃ التیس
ماہیران مونیر مرجان مرزنجوش مضرات مثانہ اذان الفار اشتان اصل الکبر
الجذان بزر الکراث بزر الجزر حب بلسان حرف حمص حماحم دار چینی ذہب
زمرد ساذج ہندی سرطان نہری سکبینج شادنج شعیر عنب الثعلب فراسیون
قسط کاکنج کبابہ لبلاب کبیر لولو مرزنجوش مصطگی مغاث تارمشک تودری نیلوفر
ورق طلا مضرات معدہ آبنوس ابریشم آب گرم اہلیلج اثل اجاص اشق انشرا
انار شیرین و ترش افسنتین انفحۃ انجیر بزر کتان بزر البطیخ بزر الفرفخ بزر القنب
بزر الجزر بورۂ ارمنی بہیدانہ توت حلو ثافسیا جاموں جمیز حب البان حجر الیہود
حرف حصرم حلویات خرنوب حباری خطمی خصیۃ الثعلب خیار خیار شنبر دباغ رئتین حنظل
زبدہ رعور سپستان سلت سلق سقمونیا سماق سکبینج سمک سمن سورنجان شیح شحم عدس عناب عنبہ
دار انیا فجل قرطم قراع قشر اترج قنب کبریت کافور کنجد ماء الشعیر مخ مر غبیات ہندی

مطفی فرو نشانندہ غلبۂ اخلاط حادہ معدّل بحالت اصلی آورندہ اخلاط متغیرہ دتعدیل کنند:
معدلات و مصفیات خون افتیمون آلو بخارہ برادہ آبنوس برادۂ شیشم
برادۂ صندل سفید برادۂ صندل سُرخ برادۂ چوب کنار برگ شاہترہ برگ حنا برگ نیم
برگ شیشم برگ صندل برگ بکائن برگ گاؤزبان برگ کاسنی برگ عنب الثعلب ہڈمنڈی
پوست ہلیلہ کابلی بیخ کیوڑہ پوست ہلیلہ زرد بسفایج تخم کاسنی تخم حنا تخم شاہترہ تخم کاہو
جرائتہ چوب چینی چھال فالسہ چھال کچنار چھال درخت نیم چھال گوندنی سرپھوکہ عشبۂ مغربی
عناب ولایتی گل نیم گل دہاوہ گل نیلوفر گل سرخ گل بنفشہ گل سیوتی گل دہمانہ گل حنا لیموں
منڈی نیلکنٹھی شربت صندل شربت عناب شربت گذر ماء العسل سکنجبین. **معدلات**
صفرا بہیدانہ بزر قطونا تخم کاسنی تخم خرفہ سیاہ تخم خیارین تخم اسفاناخ تخم کاہو صندل سفید
کافور کشنیز خشک گل نیلوفر گل بنفشہ مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم تربزہ مغز تخم پیٹھہ شربت
بنفشہ شربت نیلوفر شربت آلو **معدلات بلغم** انیسون اصل السوس مقشر انجیر
بادیان برنجاسف برسیاؤشان خطمی خبازی دارچینی سنبل الطیب گل سُرخ قاقلہ مویز
منقی گلقند عسلی سکنجبین **معدلات سودا** اصل السوس مقشر انجیر افتیمون اسطوخودوس
برسیاؤشان بادرنجبویہ بادآورد تخم خربزہ سپستان شاہترہ شقاعی عناب مویز شربت گاؤزبان
سکنجبین افتیمونی **مُعَرّق** دافع رطوبات از راہ مسام **معطش** بہ تحریک مواد دماغی عطش آورندہ
معطش تشنگی پیدا کنندہ **مُغری** دوای یابس بفوہات عروق چسپیدہ شدہ پیدا کنندہ لزوجت
خود **مُغلّظ** غلیظ کنندہ ارواح وقوی و اخلاط وحواس **مفتت** ریزانندۂ سنگ گردہ
ومثانہ وریزہ کنندہ اخلاط لزجہ متحجرہ **مفتح** محرک مواد دافعہ داخل تجویف منافذ رابسوی خارج
تا مجاری مفتوح مانند واین از جالی اقوی بود وہر دوای حریف مفتح بود وہمچنین آنکہ مرد لطیف بود
وہمچنین ہر لطیف وسیال ہرگاہ مائل بحرارت بود یا معتدل وہمچنین ہر لطیف کہ حامض بود
منضج خلاف منضج وہاضم **مفرح** خوش کنندۂ طبیعت وقوت بخشندۂ دل **مقرح** دفع
رطوبات زخم پیدا کنندہ **مقطع** آنکہ بسبب لطافت خود نفوذ کند مابین خلط لزج وسطح
ملاصق آن ورفع او نماید بغیر تصرف در قوام خلط **مقی** دفع کنندۂ اخلاط از معدہ وحوالی آن

ازراه دهن مقوی بدن یا قوی را طاقت بخشنده مقویات اعضا رئیسه وغیره راه در نسخه ناصر المعالجین نوشته ام فمن اراد الاطلاع علیها فلیرجع الیها ملطف اخلاط غلیظه را رقیق کرده قطع کننده ملین نرم کننده اورام وانچه در معده وامعاست براه براز دفع کننده ممسک منی را از سرعت انزال بازدارنده منضج پخته کننده اورام وصلابات واخلاط غلیظه تیق ورقیقه را غلیظ وبسته را نرم کرده قابل اخراج کننده منبت اللحم وملحم رویاننده گوشت صالح منوم خواب آورنده مهزل لاغر کننده ناشف جاذب رطوبات سیاله نفاخ نفخ پیدا کننده ومستحیل بریاح شونده بسبب رطوبت فضلیه خود وهر نفاخ مصدع ومضر چشم بود ودوائیکه نفخش در عروق بود البته منعظ ومبهی بود مانند مغزها واکثر تخم ها هاضم طعام هضم کننده فصل چهارم دربعض اصطلاحات اطبا بجهت بیکه اصلاح مزاج عضو واخلاط نماید بلا درد در معده آبزن نشانیدن مریض را در آب نیم گرم مطبوخ ادویه بظرف کلان انداخته انکباب بخار آب گرم مطبوخ ادویه مریض را بجامه پیچیده سرنگون کرده بتمام عضو یا عضو خاصش رسانیدن بخور دوا سوخته بوئیش بدماغ یا دودش بجمیع اعضا یا عضو خاص رسانیدن برود ادویه سرد ترتیب داده بچشم استعمال کردن پاشویه آنکه مریض را بر پلنگ یا تخت نشانیده پاهایش را بظرفی کلان زیر پلنگ نهاده دوکس مدد آفتابه آب گرم یا آب مطبوخ ادویه نیم گرم گرفته بهر دو زانویش علی الاتصال بفاصله دو سه بالشت ریزند ودو کس دیگر زیر پلنگ نشسته هر دو دست خودها را بزانوی مریض نهاده تا شتا لنگ بزور کشند وهکذا تا آب تمام شود پس فوراً آب از پایش بپارچه صاف نموده از زانویش پارچه پیچند تا شتا لنگ وبعد ساعتی ازین طرف کشایند واز هوا محفوظ دارند وفقط هر دو کف پایش را برای خروج الابخره کشاده دارند تدهین روغن مالیدن تعلیق آویختن چیزی بگردن یا دیگر اعضا تمریخ چیزی تر بر بدن مالیدن حقنه عمل آب ادویه مسهله در محقنه کرده برده رسانیدن از دبر یا در مثانه یا در رحم از راه قبل بطریقش معروف ست حمول لته با ادویه آلوده در دبر یا قبل برداشتن ذرور سفوف ادویه بر بدن پاشیدن سعوط آنچه در بینی چکانند سکوب چیزی سائل از فاصله بر بدن ریختن توقف سنون دوا باریک کرده بر دندان مالیدن شیافه دوا کوفته بیخته بهم امیخته مانند خسته دراز کرده یا صابون تراشیده در دبر یا قبل برداشتن یا با آب

سائیده بخشم کشیدن شموم بوئیدن دواضماد دوای ترغلیظ القوام بربدن نهادن طلا دوای ترِرقیق القوام بربدن مالیدن غرغره تحریک مائعات درحلق فتیله دوابپارچه آلوده بسوراخ عضو نهادن فرزجه دوابپارچه آلوده به قبل نهادن قطور آنچه بگوش یادیگر سوراخ چکانند لخلخه دواخشک یاتر بپارچه بسته نیمگرم به بدن نهادن تدریجا لخلخه چیز رقیق خوشبو شیشه وغیره کرده مریض رابویانیدن مضمضه تحریک مائی در دهن نفوخ سفوف دوابذریعهٔ نی دربینی یاعضودیگر رسانیدن نطول مائعات راعلی الاتصال از فاصلهٔ یک بالشت بربدن ریختن وگاهی برآبزن وانکباب نیز اطلاقش میشود وجور آنچه در حلق چکانند

فصل پنجم در احراق وتحمیص وتشویه وتنقیه وتدبیر وغسل بعض ادویه دوسنو رستر مارالنبه یا ومارالحیاز ومارالقرع وآب برگ بید وآب برگ شاهتره بدانکه احراق سوختن ادویه است برای کسر حدت آنها مانند زاج ومرجان ویابرای از دیاد حدت وشدت نفوذ آنها مانند لسبد وصدف وتنباکو ونوره وغیره ویابرای رفع سمیت جوهر آن مانند کژدم وافعی واسود سالخ ویاقابل سحق گردیدن آنها مانند طلا ونقره وابریشم واحجار ونحوه ویابرای تلطیف جوهر آنها مثل املاح ویابرای ازالهٔ اجزای غریبه مانند اثمد ولوره وسرطان وشاخ آل وغیره وبدانند که دو جنس مختلف را باهم نسوزانند مانند نمک ونوره ودر احراق نباتات وحیوانات وحریر صمغ مبالغه ننمایند بخلاف احجار ودوای محرق را بعد احراق بشویند که غسل وتصویل نامند اگر تبریدش مطلوب بود والا فلا واثمد وارنب ولسبد واسود سالخ وسرطان وعقرب وطلق را بدون احراق استعمال نکنند بخلاف ابریشم وانار وحب الآس وطلا وعود وکهربا ویاقوت ونحوه که بدون احراق هم مستعمل اند احراق اثمد سرمه راصلایه کرده باپیه تازه بز خمیر کرده بظرفی بروی اخگر گذارند تا مشتعل شود ودودش رفع گردد پس بآب سرد یابرف پرورده بکار برند احراق اقلیمیا وکهربا هریک را ریزه ریزه کرده بکوزه مطین کرده سرش محکم بسته شب در تنور گرم گذاشته صبح برآورده وده بکار برند احراق اسفنج اسفنج را مقراض کرده بروی ظرف بر آتش گذاشته بسوزانند که قابل سحق گردد احراق اهلیلج هلیله را انجیر گرفته بر روی خزف در تنور نهاده سوزانند احراق لسبد ومرجان ونحوه هریک را ریزه ریزه کرده بکوزه بگل حکمت گرفته یکشب در تنور گذاشته روز دیگر

برآرند تا سفید گردد احراق بورق بوره را بظرف سفالی بر اخگر
گذاشته بگردانند تا بسوزد احراق بشم و ابریشم زردی سر آدمی هریک را که خواهند شسته
خشک کرده بمقراض ریزه ریزه کرده در ظرفی بر روی آتش گذاشته چندان برهم زنند که قابل سحق
گردد نه که خاکستر گردد احراق پوست کدو و حشایش و بزور مانند ابریشم است احراق حیه وافعی
و اسود سالخ مارخانگی سیاه زنده را بکوزه مطین کرده در تنور یا اتون گذارند حتی که سوخته قابل سحق
گردد پس بازیت خمیر کرده بر خنازیر ضماد سازند احراق خبث الحدید ریم آهن را تافته تا هفت
بار در سرکه تطفیه کرده خشک نموده سحق نمایند احراق زجاجات هریک را که خواهند نرم صلایه کرده
در کوزه نو مطین محکم ساخته یا در بوته زرگران گذاشته سرش محکم بسته در آتش تند اندازند که سوخته سرخ رنگ
گردد احراق زبد البحر و حجر جبنین و پوست تخم مرغ پوست تخم مرغ را با آب نمک مکرر شسته و پرده
درونی او را دور کرده و نرم کوبیده بکوزه مطین کرده بکوزه آجرپزی یا تنور بروی خشتی گذارند
آنقدر که مانند آهک سفید گردد و اگر سفید نشود تکرار عمل لازم و آنچه خوب برآورده شود برای امراض
عین انفع بود و طریق احراق کف دریا و سنگ گچ نیز همین است مگر درینجا حاجت شستن با آب
نمک نیست احراق زرنیخ زرنیخ زرد را ریزه ریزه برابر نخود کرده بکوزه مطین نموده سر آن محکم بسته
و در وسط آن سوراخی برای خروج بخار کرده بر اخگر گذارند تا که دود سیاه دفع شده سفید برآید
پس برآرند احراق زجاج شیشه را نرم سائیده بکوزه مطین یا بوته زرگری کرده سرش
محکم بسته در آتش تند گذارند که سوخته سرخ گردد احراق سرطان مادهٔ خرچنگ نهری را
پایهای و مافی البطن آنرا دور کرده بخاکستر چوب تاک و نمک شسته و باز بآب خالص مغسول
نموده بکوزه نو سفالی مطین یکشب در تنور گذارند که خاکستر نگردد احراق صدف و تسبیح بظرف مطین کرده
در تنور گذارند تا از هم ریخته و سفید گردد احراق عقرب کژدم نر زنده را در شیشه مطین نا ظرف
حس کرده و سرش محکم بسته در آتش معتدل اتون یا تنور یکشب بروی خشتی بگذارند و برآرند احراق
عود هندی و نحوه من الاخشاب ریزه ریزه یا براده کرده بکوزه گلی در
آتش آنقدر بگذارند که زغال گردد نه خاکستر احراق عقیق و یشب و یاقوت و نحوها من الاحجار الصلبة هر واحد را بقدر نخود ریزه ریزه کرده در آتش سرخ کرده در

آب سرد اندازند و بگذارند تا مفتت و قابل سحق گردد **احراق فضه** نقره را براده کرده به آب نمک
بظرف آهنی باتش تند سوزانند و اگر خوب نسوزد قدری گوگرد دران باشند و سوزانند **احراق**
لولو مروارید ناسفته را با قدری خمیر بظرف سفالی کرده سرش بسته در آتش گذارند و بعد
بعد زمانی برآرند **احراق ملح** نمک را کوفته بعسل خمیر کرده در خرقه کتانی گذاشته مطین نموده
در آتش آنقدر گذارند که خمیر بسوزد **فائده** بدانکه لفظ تشویه و تحمیص و تقلیه اگرچه بالاشتراک
بمعنی بریان نمودن ست الا گاهی فرق کنند باین نوع **تشویه** آنکه شی را که مشوی کردن خواهند
بجوف چیزے مانند سیب و به یا خمیر یا گل و نحوها کرده در آتش یا خاکستر گرم دفن نمایند که بجوار مشوی
شود چون بصل العنصل و سقمونیا و **تحمیص** آنکه در ظرف کرده چار تخم یا دیگر بزور را بو دهند و بریان
نمایند تا اندک سرخ گردد و **تقلیه** آنکه بروغن گاو وغیره بریان سازند تا بو برآرد یا بشگفد مانند بزور
و هلیله **تشویه انیسون** و نمک و ثمرة الطرفا و نحوها هر واحد را به عسل سرشته بلته بسته بگل
گرفته در تنور برآجری گذارند **تشویه اسقیل** پیاز عنصل را بخمیر گرفته در تنور بالای خشتی گذارند
تا خمیر برشته گردد **تشویه سقمونیا** محموده را در جوف سیب یا به یا در پوست تخم مرغ خالی کرده
گذاشته بخمیر گرفته بروے خشتی در آتش نهند تا محموده جوشیده پخته مشوی گردد **تحمیص بزور**
یعنی بو دادن ظرف سفال یا سنگ را خوب گرم نموده از سر آتش برداشته دوای مخصوص
را دران کرده برهم زنند تا بو و رائحه او برآید **تحمیص افیون** افیون را بقدر مغز بادام ریزه کرده
بظرف سفالی اندک بریان نمایند **تحمیص توتیا** توتیا را سوده بآب قرص بسته بآتش
نرم بروے سفالی گذاشته بگردانند تا مشوی و خشک گردد **تقلیه هلیلجات** پوست
هلیله را نیم کوب کرده بآب جوشانند تا آب جذب شود پس بروغن زیت چرب کرده برشته
نمایند چندانکه بسوزد بل بشگفد **تقلیه عفص** مازو و نحوه بروغن زیت بریان نمایند که شق گردد و بلوط
و نحوه را آنقدر که رنگش متغیر گردد **فائده** تدبیر و اصلاح بمعنی پرورش دادن ست بعض
ادویه را که تا حدت و حرارت آن زائل و کم گردد **تدبیر انزروت** دیرا با شیر خر یا شیر دختر خمیر
نموده بچوب گز تازه آلوده مثل کباب بریان نمایند یکبار و اگر باره دیگر سائیده با سفیدی تخم
مرغ آمیخته تکرار عمل اول کنند اقرب باعتدال میگردد **تدبیر لوست بیضه مرغ** آن را باب شیرین

خیسانیده تا متعفن شود وقشر رقیق اندرونی وی دور کرده تبدیل آب کرده باشند تا دیگر آب متعفن نشود پس خشک کرده بکار برند تدبیر تربد تربد سفید را اخرا شیده مجوف نموده بروغن بادام چرب کرده جربس نموده باستعمال آرند تدبیر تشمیزج تشمیزج را بکیسه بسته بسرگین الاغ وقدری از زیانه وکشینر خشک بآب جوش دهند تا پوست نرم شود پس مقشر کرده در امراض عین بکار برند تدبیر واصلاح بلادر بلادر را بریده بر صفحهٔ آهنی گذاشته آهنی یا غیر آن گرم کرده بران گذاشته بزور بفشارند تا عسلش جدا شود پس بروغن گاو جوشانیده استعمال نمایند تدبیر توتیا بآب غوره توتیا را نرم سوده بظرف چینی یا شیشه کرده آب غوره صاف ریخته تا نه روز گذارند وهر روز آب غوره تازه سازند بعده بروی سنگ سماق بآب غوره صاف مبرد برف آهسته آهسته بسایند چون خشک گردد باز بآب غورهٔ مذکور خوب نرم سائیده خشک در شیشه بدارند تدبیر خبث الحدید ریم آهن را کوفته بیخته چارده روز بسرکهٔ خمیر خیسانیده خشک کرده بروغن بادام بریان کرده چندان بسایند که بروی آب ایستد وبزودی ته نشین نگردد وبدارند تدبیر خسک خسکدانه را در شیر تازه سه شبانه روز بخیسانند وهر بار خشک نمایند پس بکار برند وهذا الاعدیل لہ فی تقویت الباه والموثر الحقیقی هو الله تدبیر حب السلاطین جمال گوٹه را مقشر کرده مغز ش برآورده زبانه میان مغز از او دور کرده در کیسه کرده سرگین گاو تازه با آب در دیگی کنند وآن کیسه را معلق در آن بیاویزند که بآب سرگین غرق شود وبته دیگ نرسد پس بقدر پنج شش ساعت جوش داده برآورده شسته بکار برند وازابی کیترا استعمال نباید نمود تدبیر کبریت نصف ظرفی از شیر گاو پر کرده بر سرش پارچه بسته بران پارچه کبریت زیر ریزه نموده پهن کرده طبقی سفالی پر از اخگر بالای کبریت بگذارند بنوعی که برد نچسپیده وید مند تا کبریت آب شده از پارچه گذشته در شیر بچکد پس از روے شیر برداشته بدارند تدبیر کمون زیرهٔ کرمانی را بظرف چینی یا سفالی لعاب دار کرده سرکهٔ انگوری کهنه بران آنقدر ریزند که چهار انگشت بالای زیره آید وزیر وبالا کرده شد بعد یک شبانه روز بسایه خشک کرده اندک بریان کنند تدبیر بادزیون

۹۰ خبث الحدید بسیار تجربه نموده در مرض سیلان الرحم بسیار زود اثر دارد خصوصاً در زنان بسیار نافع است اطبای نوزده ان را بسیار مجرب یافته اند پس طب اطلاق نموده مولوی سید ولی علی بهلواری

دی را دو شبانه روز بسبر که خیسانیده و درین اثنا مهر که را دو سه بار تبدیل کرده باشند پس شسته خشک
کرده بکوفته بروغن بادام چرب کرده استعمال نمایند اما **غسل و تصویل** یعنی شستن ادویه
پس برای تبرید و یا تعدیل یا تنظیف یا رفع حرارت حاصله از احراق یا رفع بشاعت و غثیان
غسل ادهان روغنی کهنه و متکرج را که تازه کردن خواهند بظرفی کرده برف (یعنی زیرگی) یا گلاب یا آب
بسیار سرد بران ریخته برهم زنند تا برف آب شود پس از روی آب روغن بردارند و اگر بیکبار با
صلاح نیاید تکرار عمل سازند و روغن گاو را با دوغ گاو ترش جوش دهند و چین آرد میده گندم
بران پاشند تا دوغ بسوزد و روغن بماند **غسل اطیان** گلی را که شستن خواهند در آب چهار
انگشت بالای او باید خیسانیده برهم زده از پارچه کرباس صاف نمایند تا ته نشین شود و آنچه در ته
نشیند خشک کرده بکار برند **غسل آبار و اثمد** و اسفیداج و توتیا و حجر ارمنی و شادنج و یاقوت و زمرد
و عقیق و لک و لاجورد نحوها هر یکی را که خواهند بسیار نرم سوده با آب مخلوط کرده در ظرفی گیرند و ته نشین
را باز سوده با آب مخلوط کرده آب مخلوط را بهمان ظرف بگیرند و همچنین نمایند و آنچه در آخر سنگریزه و درد
دی باقی ماند بیندازند و سر آن ظرف را بپوشند تا از غبار محفوظ ماند و ته نشین گردد پس صاف آب
بریزند و ته نشین را خشک کرده بکار برند و لاجورد غیر مغسول مغثی و ردیست برای معده بی غسل استعمال
نکنند **غسل سویق جو و غیره** برای رفع نفخ و ترشی آن در معده جو یا گندم یا غیر آنرا بریان کرده با آب
شسته خشک کرده آس نموده باستعمال آرند یا آب جوشان بر پشت جو و امثال آن بریزند و بگذارند
تا بر آید پس آب سرد بر وریخته بردارند **غسل شرح روغن کنجد** را با آب نمک بسیار برهم زنند و با آتش
نرم بجوشانند پس از آب نمک جدا کرده با آب خالص بسیار برهم زنند و جوش داده آب دور کرده
بکار برند **غسل صبر** اسارون قصب الذریره حب بلسان عود بلسان دارچینی سلیخه سنبل الطیب
مصطگی بسباسه بیخ اذخر جوزبوا از هر یک سه و نیم ماشه افسنتین رومی ربع رطل نیکوب کرده در
دو رطل آب جوش دهند تا به نصف آید پس صاف نموده یک رطل صبر را نرم سائیده با آب مذکور به
هاون انداخته بدسته حرکت دهند و مخلوط با آب را بکاسه گیرند و ته نشین را بهمان آب مطبوخ بهمان
تکرار عمل نمایند چون در هاون غیر از رمل نماید بگذارند و سر کاسه را بپوشند پس آب صاف آنرا بجز علقه

گرفته ته نشین را با زعفران سائیده ممزوج کرده بظرف چینی کرده خشک ساخته نگاه دارند در شیشه یا ظرف چینی **غسل مرداسنج** مرداسنگ را با نمک هموزنش نرم سائیده آب که چهار انگشت بالای آن آید ریخته هفت روز بگذارند و هر روز سه بار برهم زنند پس تجدید آب نمایند بدستور و هر هفته تجدید نمایند تا چهل روز بگذرد پس خشک کرده بکار برند **غسل موم وزفت وعنبر** هر واحد را که خواهند گداخته در آب سرد ریخته بعد لحظه چون منعقد شود از روی آب بردارند **غسل نوره** برای تصفیه و دفع حرارت آن آهک را بظرفی کرده آب بران ریخته برهم زده آب مخلوط را بکاسه گرفته بگذارند تا ته نشین شود آب صافی آنرا بگیرند و آب خالص در ان ریخته برهم زنند و همچنین تا هفت روز تکرار عمل نمایند پس خشک نموده باستعمال آرند **دستور آشامیدن ماء الهندبا** برای دفع حمیات دمویه وصفراویه وتفتیح سدد جگر و عرق وتنقیه مسالک از ماده عفینه انفع دواهاست و آب را زیاده برای یرقان سدی بهترین ادویه و برای رفع تعفن رطوبات آنکه آب برگ کاسنی سبز مقطوع الاسافل پاک کرده شده از گرد و غبار بپارچه را که بغیر شستن آن گرفته باشند چه بسبب شستن اجزای لطیفه مفتحه بورقیه که منبسط بروهستند کم و زائل میگردند پس همچنان اگر حرارت قوی بود دو الامروق کرده از چهل و پنج مثقال که شانزده توله نیم ماشه میشود یا کم وزیاده بحسب حاجت تا نیم رطل برای تلیین با ترنجبین یا شیرخشت و اشربه مناسبه و برای تفتیح سده جگر با ادویه مفتحه مثل سکنجبین بزوری یا ساده و برای اخراج صفرا با ادویه مسهله مانند هلیلجات و برای لطفیه حرارت با شربت نیلوفر و شیرها و برای ورم جگر و یرقان سدی با مغز فلوس خیار شنبر بنوشانند و طریق ترویق یعنی تصفیه وی بر چهار نوع است اول آنکه آب افشرده اش شب در جائی بگذارند تا اجزای رقیقه از غلیظه متمائز گردند پس آب رقیق آنرا صاف نموده بنوشند دوم آنکه بمجرد آنکه کوفته آبش افشرده باشد در پارچه سفت صاف نموده بکار برند سوم آنکه از پارچه مهین یا از غربال رقیق الثقب بپالایند چهارم آنکه بظرفی کرده بر آتش خفیف گذاشته کف که برآید بردارند هرگاه چون شیر بریده شود فرود آرند و بکرپاس یا پالوده بکار برند و آب برگ کاسنی سبز مروق با گلقند برای تپ ربع که از احراق صفرا بود و با سکنجبین برای اسهال و حمیات عتیقه و حمیات بارده و تهیج

اطراف و استسقا و تقویت معده حاره و تفتیح سدهٔ جگر و سپرز بغایت نافع و اگر با قدری بادیان و تخم کشوث جوشانیده بکار برند در اسهال و تفتیح اقوی بود و آب برگ کاسنی سرفه را که بسبب ورم محدب جگر نه بود مضر ست و شربت بنفشه و شکر مصلح اوست و اگر برگش تازه بدست نیاید و بترید مطلوب نبود پوست بیخش را بقدر ضرورت ریزه کرده در عرق کاسنی و نحوه جوش داده با ادویه مناسبه مذکوره بنوشانند که قائمقام آب کاسنی تازه است **دستور آشامیدن ماء الخیار** برای قلع حمیات دمویهٔ و صفراویه حاده حاره و اخلاط محرقه صفراویه سوداویه و اسهال مرهٔ صفراوی که در معده و امعا موجود بود و التهاب احشا و اخراج حصاة و ادرار بول و یرقان و تپ دق و تفتیح سدهٔ جگر و رفع عطش و سرفه حار و ترطیب مزاج و با وجود این منافع مستحیل بصفرا نمیشود بخلاف ماء القرع آنکه خیار تازه را بتمامه یا آرد جو خمیر کرده شده با آب شیرین گرفته شب در تنور یا در خاکستر گرم گذاشته صبح برآورده آتش افشرده بگیرند و از پانزده تولہ تا سی و چهار تولہ او را با ترنجبین و شیرخشت و مغز فلوس خیار شنبر و گلقند آفتابی و سکنجبین و تمرهندی و هلیلجات و نحوها علی حسب الحاجت بنوشانند و قوت اسهال و اطفائی حرارت دم و صفرا آب خیار رسیده زرد شده ترش تنها یا با شکر و امثره مناسبه از نارسیدهٔ آن زیاده **دستور آشامیدن ماء القرع** یعنی آب کدو در منافع مانند آب خیار است بگیرند کدوی شیرین دراز نرم و تازه و تلخ نشده را در خمیر آرد جو گرفته بالائی آن گل پاکیزه پیچیده در تنور معتدل بر طابق یا خشت نهاده گذارند تا نیک پخته شود پس گل و خمیر دور کرده زیرش سوراخ کرده آب زلال او در ابدست بفشارند و باستعمال آرند و بقدر نیم رطل آن باده درم و با شربتهای مناسبهٔ لطیفه مانند شربت انار و غیره برای تسکین حرارت معده و جگر و قلب و حمیات حارهٔ و حمی دق و اکثر امراض حاره حاده عجیب النفع است و با ترنجبین و شیرخشت و مغز فلوس خیار شنبر و گلقند آفتابی و سکنجبین و تمرهندی و هلیلجات هرچه ضرور بود وقت داعی باستعمال آرند و بباعث لطافت خرد در امزجه که صفرای محترق بسیار غالب بود مستحیل بصفرا میشود پس در چنین امزجه با ترشیها استعمال باید کرد و اگر سرفه و غیره مانع بود با چیزیکه لطافت قوامش را کثیف کند مانند لیت جو بدهند **دستور آشامیدن ماء عنب الثعلب** برای حمیات حارهٔ که از ورم معده و جگر بود و یا یرقان باشد و یا شکر

برای تحلیل اورام باطنی و امراض احشا و اسهال خلط مراری و تنقیهٔ امعا در دفع مغص و زحیر و ورم مقعد
و استسقاء حاره مانند ماء الهندباست و آب غیر مطبوخ آن بغایت مقی ست و از عنب الثعلب سیاه احتراز
باید که مهلکست **دستور آشامیدن ماء البطیخ الهندی آنست** که تربز شیرین تر را گرفته بنوک کارد
بر ده بزنند مغز او را تا آب از و جدا گردد و پس آنرا صاف کرده با سکنجبین برای تفتیح سدد و ادرار بول و یرقان
مواد محترقه و اعانه بهضم و با تمر هندی برای جرب و حکه و مواد صفراوی و با عسل و زنجبیل برای
قطع بلغم و با شیر بز برای امراض سوداوی و با شیرخشت و نحوه برای حمیات حاره و دفع خلط ردی
الکیفیه قلیل المقدار بنوشانند و مولد خون رقیق و بلغم شیرین ست و مرطب بدن و حرارت جگر فرو نشاند
و اصلاح ضرر پسرز معده باردان به گلقند آفتابی و عسل فرمایند و در مزاجیکه صفرا بسیار غالب بود
از جهت لطافت مستحیل بصفرا شود پس لازم ست که با حموضات علاج موانع بدهند و بدانند که بادامیکه ابتدای
تپ را یک هفته نگذرد از استعمالش و هم از استعمال دیگر فواکه رطبهٔ کثیر المائیه احتراز واجب دانند ـ
دستور آشامیدن ماء الشاهترج برای تنقیه و تقویت معده و امعاء و تفتیح سدهٔ جگر و طحال و در دفع
یرقان و جرب و حکه و قوبا و کسر حدت اخلاط محترقهٔ مریه سوداویه آنکه شاهتره تازه را کوبیده آب او را
صاف نموده با قدری هلیلهٔ زرد که مصلح ضرر طحال آنست شب بجای گذاشته روز دیگر صاف نموده بقدر
سی مثقال یعنی یازده و ربع توله تا شصت و پنج مثقال یعنی بست چهار توله و نیم ماشه با سکنجبین افتیمونی
و جوب موافقه بنوشانند برای تعدیل مواد سوداوی و جرب با سکنجبین بزوری یا ساده یا شربت عناب
و نحوها برای تفتیح سدد و تصفیهٔ خون و برای مواد محترقه با ترنجبین و شیرخشت و مغز فلوس خیارشنبر و اگر
خواهند اجزای مسهله را مثل هلیلجات و غاریقون و افتیمون و تربد سفید مجوف و مدبر و نحوها شب در آبش
خیسانیده صاف نموده بنوشانند و حبوب مسهله قبل هلیلجات از و بدو ساعت میل کنانند و ترنجبین و شربت
و مغز فلوس خیارشنبر و گلقند آفتابی و مربای بنفشه و غیره بحسب حاجت اضافه نمایند غذا نخود آب و آش جو یا تنگر
یا تمر بحسب ضرورت بخورند **دستور آشامیدن ماء الرمانین** آنکه انار شیرین و ترش گرفته هر دو را
مع پیه افشرده آب هر دو گرفته از نیم رطل تا یک رطل با بست درم شکر خام برای صفرا و تقویت معده
و جگر و حمیات حاره صفراویه و یرقان و جرب و حکه صفراوی و اطفای حرارت بنوشند و آب انار شیرین

در مزاجیکه صفرا غالب بود و مستحیل بصفرا میشود نهانند هند بل بابعضی ترشیها و آشامیدن آب انار شیرین با شکر ونشاسته وصمغ عربی و روغن بادام نیم گرم کرده برای درد سینه و سرفه از اسرار مکتومه است و آب انار شیرین برای سوء القنیه واستسقای لحمی و زقی و یرقان و سبز زرد خفقان و سرفه عجیب النفع است دستور آشامیدن ماء السکر و آنرا جلاب هم گویند شربتی ست لطیف نایب مناب ماء العسل در امزجه و زمان حار برای امراض بارده هم مجوز بخلاف ماء العسل که نباید داد صاحبان لقوه و فالج واسترخای وغیره اگر بجای آب برو اقتصار کنند ازین چه بهتر خصوصًا اگر فصل حار یا مزاج حار بود در تلیین سینه و طبع عجیب ست آنکه بگیرند شکر سفید لطیف یک جزو دو سه جزو آب حل کرده بر آتش نهند و کف بردارند تا بقوام جلاب آید و اگر غرض تبرید بود و استعمال برای امراض حاره بکجز و لعاب اسبغول هم بیفزایند و این برای صداع لفضله بسیار نافع بود و مطفی حرارت و تسکین عطش و تلیین طبع و اگر لعاب اسبغول بعرق بید مشک یا گلاب گرفته آمیزند بدل و معده هم انفع بود و اگر در ماء السکر گلاب خالص تازه کثیر المقدار ممزوج کرده کسر حدت شیرینی شکر نمایند برای حدت حمی و دفع حرارت و حرقت مثانه و تبرید و تقویت معده و جگر و حجاب حاره و در مزاجیکه بباعث غلبه صفرا خوف استحاله او بصفرا در معده بود چندان آب بادی آمیزند که غلبه آب را باشد تا بر صفرا نیفزاید و تشنگی بنشاند و چنین جلاب بهتر از آب فقط بود زیرا که زود میگذرد و ثقل نمی آرد و ماء السکر و ماء الشعیر مرطب زیاده بود درین حالت بجای سکنجبین بر همین قناعت ورزند و در تبهای حاده اگر قوت قوی بود جز ماء السکر چیزی نباید داد کما صرح به صاحب الذخیره و برای حمیات یا سرفه وابله و حصبه و تپ دق و ورم احشاء و تقویت اعضاء تنفس و جمیع اعضا و ادرار بول و عرق نافع بود دستور نوشیدن ماء اللحم عرق ست که از گوشت کشند غذائیست لطیف و مقوی دل و ارواح حیوانی و طبیعی و نفسانی در رفع ضعفی که از امراض مزمنه و خوردن مسهلات و نزف الدم و فصد و جماع عارض شده باشد و زیاده کننده خون و در سرعت تقویت چیزی با و مقابل نیست خصوصًا اگر بادویه مناسبه خمیر ممزوج کرده باشند و قوی ترین گوشتها درین امر گوشت بره یکساله بود و در بعضی امزجه از گوشت کبک و مرغ و گنجشک و نحو با ترتیب مید هند و احسن آنکه لحم طیور با لحم بره جمع نسازند و دستور آن بر سه نوع ست

یکی آنکه گوشت بره فربه را از چربی و استخوان پاک کرده ورق ورق نموده دارچینی دانه هیل زنجبیل بادیان غنچه گل سرخ مصطگی رومی زیره کرمانی قرنفل گلدار زعفران لسان العصافیر خولنجان بسباسه عود قرحا اسطوخودوس درونج عقربی سنبل الطیب اشنه اظفار الطیب سعد کوفی عاقرقرحا خمیره الشعلب گل بادرنجبویه ابریشم مقرض خام

کوفته کل یا بعض از نها بحسب تقاضای وقت بران پاشیده در آب شیرین بنوعی بهر اریزند که با آب یکسان شود و آب غلیظ گردد پس در قرع انبیق کرده گلاب خالص عرق بید ساده آب طلا بآب عرق بهار عرق گاوزبان بر ردی آن شقاقل بهمن سرخ و سفید سادج هندی زرنباد گل بنفشه گل گاؤزبان اسارون گل یا بعض یا زاید از نها موافق مقتضای وقت داخل کرده عنبر اشهب زعفران مشک خالص در پارچه نازکی بسته عرق کشند دوم گوشت بزغاله یا بره یکساله گرفته سفیدی از دور کرده سرخی را کباب ساخته اندر دیگچه سنگین کرده اندکی گلاب بران ریزند و سر ش پوشیده بر سر آتش نرم نهند تا آب از گوشت جدا شود گوشت هنوز ناپخته بود آن آب را از وی بردارند و گوشت را فشارند تا هر تری که دارد بگذارد و تری گوشت را دیگر باریک جوش دهند تا پخته تر و خوشتر شود و قدری نمک و کشنیز خشک و دوا افگنند و باستعمال آرند و فساد خیره این طریق را در تپ دق نوشته است سوم آنکه گوشت حلوان فربه را از چربی و استخوان پاک کرده و گوشت سینه و ران فراریج و ماکیان فربه را بقدر ضرورت بقدر نخود بریده بشیر طعام مانع قدری نمک و مصطگی در وا ریخته این گوشت را در دیگ نهاده دهن دیگ را بخمیر محکم کرده بر آتش انگشت نهاده لحظه بعد لحظه حرکت داده باشند تا سوخته نگردد پس فشرده آبی که از گوشت جدا شود بر زند هذا ما صرح به صاحب شفاء الاسقام و آبیکه از گوشت جوشانیده بود بلا القطر بنوشانند گو که نسبت به جرم گوشت بمراحل قوی الاثر و سریع التقویت مگر نسبت بماء اللحم بمنازل کمتر و فرد تر نزد محققین شمار منافع ماء اللحم نبت دستور استعمال ماء الجبن یعنی آب پنیر برای مواد محترقه سوداویه و حدت صفرا و ادرار و ترطیب اعضا و تلیین مجاری و ازلاق مواد و تنقیه گرده و تفتیح سدد و اسهال مواد محترقه و دفع امراض سوداویه و امراض حاره و جلا و غسل بغیر لذع و تلطیف و انضاج و تلیین مواد و التهاب و مالیخولیا و آثار کلف و بثور بدن و قروح و حرارت جگر و صرع و جذام و جرب و حکه و داء الفیل و حرقت بول و ضعف گرده و حصاة و یرقان و حمی دق و بباعث رقت قوام و لطافت خود در قعر بدن رسیده بعضو مقصود نافذ میشود و فضله که از دور بدن باقی ماند غذا بدن میشود بخلاف سائر مسهلات و جامع بین صفتی النضج والاسهال آنست که بگیرند بره سرخ رنگ چشم صحیح المزاج را که از ولادت او چهل روز یا چند روز ازین گذشته باشد و تعلیف کاهو و خیار و جو نیم کوفته خیسانیده با سپوس آن و کشنیز تر و برگ اسپغول و شاهتره و خبازی و بقول بارده کرده هر روز وقت مغرب صد و هشتاد مثقال شیر او را که در طل بود بحساب توله شصت و هفت توله و شش ماشه دوشیده در دیگ سنگ یا نقره یا طلا مس قلعی دار یا گل چوب بآتش نرم جوشانیده از آتش برداشته پانزده مثقال یعنی پنج توله و هفت و نیم ماشه سکنجبین ساده

ویک مثقال اعنی چهار ونیم ماشه سرکه دران ریخته چوب انجیر ترکه اندک کوفته وپوست او باز کرده باشند تا متعلق شود بماء الجبن از لبنیه وبتوعیه که در چوب انجیرست وتقویتیکه معین بر اسهال بود واگر غرض تلئین طبع بنود بل ترطیب بدن منظور بود بچوب خلاف برهم زنند تا شیر بریده شود پس در کرباس صفیق انداخته جای اونیزند وزیرش ظرفی نهند تا صافی شود وآبش درین ظرف بچکد پس شب در جای بگذارند که ته نشین گردد وصبح صاف نموده جوش دهند وکف بردارند هر گاه کف منقطع شود باز صاف نموده نود مثقال او را با سکنجبین افتیمونی سکنجبین از ده مثقال تا پانزده مثقال مخلوط کرده سه حصه نموده بسه دفع نیمگرم بنوشند نیم ساعت تا یک ساعت مابین هر دفعه فاصله داده ودر دفع مواد صفراویه وتفتیح سُدد وجای سکنجبین افتیمونی سکنجبین بزوری بارد یا معتدل باید استعمال کرد وغذا بعد چهار پنج ساعت تناول فرمایند وبروز مسهل در روز قبل آن نخود آب ودر سائر ایام شوربا دجحی پلاو ونخود یا سفوف سوداکه در قرا بادنیات در باب سفوف مذکورست در امراض سوداوی هر روزیه آن استعمال کنند ودر رفع سدد وامراض صفراویه بدوائیکه مناسب آنها بود استعمال نمایند وبعد عرصه چهار روز با چوب مسهل موافقه بنوشند وافتیمون وتمر هندی بالسویه در ماء الجبن خیسانیده صاف نموده نوشیدن در اسهال سودا عدیلی ندارد واز لبنیات وحموضات شدید الحموضة وحلویات وغذاهای غلیظه نفخه احتراز لازم وافضل اوقات برای نوشیدنش فصل ربیعست وشیر بز از همه البان در مائیت ودهنیت وجبنیت بدرجه اعتدال است وبهمین وجه از جمله البان برای اتخاذ ماء الجبن مختار شده اگرچه بعضی اطبا اتخاذ ماء الجبن را از لبن البقر تجویز کرده اند وقت عدم وجدان لبن الماعز یعنی شیر بز ولبن الضان یعنی شیر میش بسبب کثرت جبنیت خود ابرد واغلظ است ولبن لقاح یعنی شیر اشتر ولبن اتان یعنی شیر خر اگرچه زیاده مائیت دارند مگر بباعث غایت غسل وجلا وتلطیف خود صلاحیت اتخاذ ماء الجبن ندارد ولبن البقر یعنی شیر گاو بسبب کثرت دهنیت خود است دستور آشامیدن لبن النساء برای تقویت وترطیب دماغ وترطیب حنجره ودفع بیخوابی وتقیح شده منبثوم در رفع سل ودق دبیست سینه وسرفه ویابس وسرسام ونزف الدم ونفث الدم با ادویه مناسبه مانند شیر الاغ ست باید گرما گرم نوشانند زیرا که بسبب کمال لطافت خود زود فاسد میگردد واگر از پستان ممکن بود ازین چه بهتر وازن جوان صحیح المزاج ومعتدل دختر زائیده که غذاهای موافق خورده باشند هم قبل وهم حین استعمال آن بهتر

تر و شاربان البیان مذکوره را باید که اغذیهٔ لطیفه خفیفه مناسبه مرض تناول فرمایند و از غذاهای ثقیله و
مداخل تا تخمه و سوء الهضم عارض نشود و از لبنیات و حموضات و اعراض نفسانیه و بدنیه و غیره احتراز
ورزند فصل ششم در رموز و علامات جداول ع علامت عربیت د ف فارسی و ه هندی
و م ماهیت و ط طبیعت و مض مضر و مص مصلح و ب بدل و ق قدر شربت و ح حار و ر
رطب و ب بارد و ی یابس و مع معتدل و مر مرکب القوی د ۱ بدرجه اول و ۲ بدرجه دوم و ۳
بدرجه سوم و ۴ بدرجه چهارم و بدانکه بعضی از ادویات که نسبت عربی بلفظ یونانی مشتهر بودند بجهات
لفظ بخانهٔ عربی بحیز تحریر آمدند تا طالبان از تشویش و تردد باز مانند فائده آنچه اطبا در هر درجه از
درجات اربعه سه مرتبه اول و وسط و آخر بحسب استقرار اختراع کرده اند فقیر از التزام این امر بسبب غش
ضیق جداول و عدم اعتبار کلی و فائده معتد بها بآن معذور ماندم و از اهتمام این امر مجبور تنبیه
آنچه از قدر شربت هر ادویه که مقرر ست نه مراد بآن آنست که همین قدر در هر امراض و اشخاص و بلاد و باستعمال
آرند بلکه مراد آنست که در بعضی جا زیاده ازین دهند تا ضرری نرسانند و در بعضی جا کمتر ازین استعمال نمایند
که شاید در کمتر از آن موثر نبود و بالجمله تقلیل و تکثیر اوزان ادویه باعتبار اختلاف امراض و اشخاص و بلاد
و اقالیم مفوض برای طبیب است و در تعیین قدر شربت ادویه فیما بین الاطبا اختلاف نیز واقع شده است
کما لا یخفی علی من ینظر الی کتبهم از برای آنکه بعضی به لحاظ ضعیف المزاج قدری متعین کرده اند و بعضی
به لحاظ قوی المزاج قدری زائد از آن مقرر ساختند و گروهی اقل مقدار را اختیار کرده اند که کمتر
از آن را موثر ندانسته اند و جمعی اکثر مقدار را اعتبار نموده اند که زیاده از آن استعمال نباید
نمود و برخی نسبت بامزجه سابقه و جمعی قیاس معتدل المزاج نموده قدری مقرر کرده اند و حق تفویض
برای طبیب حاذق است و همچنین در بیان ماهیت و طبائع و درجات و خواص و ضرر و اصلاح
ادویات که باعتبار اختلاف اماکن و فصول اربعه و قیاس و تجربه شخصی و دون شخصی و بحسب اختلاف
اوضاع فلکی و امزجه مختلفه مختلف و متغیر میشود در اقوال اطبا بسیار اختلاف واقع شده و لولا الاعتبارات
لبطلت الحکمة و احاطه بجمیع احوال هر اشیا بما لها و علیها و فیها و منها خارج از دائرهٔ قدرت و امکان
نوع انسان ضعیف البنیان است انما هو من شان حضرت الحکیم الموثر العلیم الرحمن و لما بلغ الکلام الی هذا المقام
فنشرع فیما غایة المسئول و اقصی المرام من ذکر الادویة المفردة الضروریة من الالف الی الیاء الی ترتیب

ابجد و الترتیب ... الفضل الفضل الذی الا الفظ ع ار د الا الفصل ... تم

	عربی	فارسی	ہندی	ماہیت	طبیعت	مضر	مصلح	بدل	قدر شربت	افعال وخواص
										باب اول در الف
۱	آبنوس	آبنوس	آبنوس	درختی عظیم مشہور	حی ۲	معدہ	عسل و صمغ عربی	چوب کنار	۶ ماشہ	مصفی خون بانواع رعاف آن نافع بنکوری وسپیدی چشم وغشاوہ مدر بول حابس ملطف مفتت حصاة محلل ریاح مفتح سدہ طحال ودریاح فشار
۲	٠	٠	آلو	م	بی	٠	٠	٠	بقدر الشہوت	ثقیل دیر ہضم مغلظ معدہ ربا و انگیز ذومرطبی ومغلظ آن ومحرک باہ ومقوی مثانہ
۳	آملج	آملہ	آنولہ	م	ب ۲ ی ۳	سپرز وسپرد ومولد قولنج	سنبل عسل روغن بادام	ہلیلہ سیاہ و بلیلہ	تا یک تولہ ۵ ماشہ	مفرح قابض مخرج سودا و بلغم مقوی قلب ومعدہ واعضای رئیسہ ومقوی ذہن وحافظ اعضا رانع وسیلان آب دہن وتشنگی حابس خون بواسیر ونزف الدم
۴	ابریشم	ابریشم	ریشم	م	ح دب وگوبندی	معدہ	رب ریباس و اترج	سنبل و زراوند پوست ترنج	تا ۲ ماشہ	مفرح ارواح ومقوی آنہا ومقوی باہ وجمیع اعضاء دل وجگر مفتح سدد وملطف منشف رافع امراض علیل ودفع خفقان وضعف ودفع سودا ومفید ومسمن ضعفی
۵	الغفر	شورہ	شورہ	م	حی ۳	جگر و گردہ	کتیرا و عسل	رب انار اندر	تا ۷ ماشہ	مغثی منقی بلغم وجرب مسہل قوی درنع درش تا ۲ درم با شکر نبات مدر بول نافع سپرز وسدد جگر وقولنج ریحی اگر اندر موز کردہ بخورند ومیر آسیت
۶	ابوخلسا	ہوجوبہ ودستگار	رتن جوت	بیخ گیاہی مانند برگ ہر گیاہ مانند	حی ۲	دماغ و مصرع اکثار آن	روغن بنفشہ وکدو	٠	۷ ماشہ	محلل قابض اسہال حیض طلا نمایند کرم ربابق وپیرز ومنقی کند نافع درد سپرز وجگر ونقرس گر دہ بہتای کہنہ وحصاة وترقان وامثال آن محلل خنازیر وبا سوم
۷	ابہل ثمرہ الغرعر	تخم درہل	اودہیر دبہ جہیر	سرادرختی بار بسر کوہی	ح ح ۲	جگر و معدہ	خولنجان وعسل حماما	جوز السرو سلیخہ فارسی	۲ ماشہ	محلل ملطف مجفف تا تعوق با عسل مدر حیض وسقط جنین دہ درم سحق کردہ آن تلینجد بارو غن گاو بجذام لعوق کردن نافع لوبا نافع فالج دگلہ وبواسیر واستسقا
۸	اترج	ترنج	بجورہ	م	تری آن سی ی ۲	سینہ و عصب	شربت خشخاش وشربت سیب	ابا ماءالریح نیمون	بقدر ضرورت	مقوی ذات قابض مسکن قے صفرا ومقطع مرہ صفراوی مشہی ملطف مصفی روح وخون از صفرا مسکن حرارت جگر وخمار وعطش نافع خفقان ومقوی معدہ وجگر ویرقان

	ع	ف	ہ	م	ط	مف	مص	ب	ق	افعال وخواص
۹	اثل	درخت گز	جھاؤ	م	بای ۲	مضعف معدہ	صمغ عربی	بلنارو جوز السرو	زر طبیخیہا ۹ ا تولہ	برگش مفتح سدہ طحال بیماری سو جگر جمیع افعالش نافع جذام وسدہ ورم سپر بیگز شیر باو طلا ورد دندان القوہ نافع سینہ سدو موعاش فاش گستن مطلق اعضا ؛
۱۰	اثمد	سرمہ اصفہانی	انجن	م	بای و گوشت ایک گوشہ	تشنج و مرقا صل	کثیرا و شکر	آبار	لایوکل	قالبض مجفف مقوی البصر دافع قاطع رعاف ضمادا نافع جریان حیض و خروج مقعد نازف الدم واندمال قروح ومحرق آن نافع غشاوۃ وعین ومعروب آن
۱۱	اجاص	آلوی سیاہ	آلوی بخارا	م	ب ار ۲	دماغ و معدہ	عناب گلقند وعسل	تمر ہندی	۱۵ ادانہ	ملین مسہل صفرا قرنفل نافع تنہا صفرا و درسام وصداع رو غثیان صفراوی و خارش بدن دافع تشنگی وحرارت قلب و ذرع صفرا موافق سینہ مضر سرفہ ؛
۱۲	اذخر	گاہ مکی	گند بیل حراکشش	گیاہ خوشبودار	حی ۲	گردہ و مجرد و معدہ	گلاب و صندل	قسط اس چرائیتہ زعفران	۱۴ م ماشہ	مدر بول وحیض و فضلات محلل مفتح سدہ و کبد منضج اخلاط غلیظ مسکن وامراض بارہ مقوی معدہ محمود اکل نافع ورم معدہ و کبد و گردہ و استسقا سپرز وحمی بلغمی ؛
۱۳	۰	۰	اردو ماش	ہنی گول غیر معروف	ح ار ۲	۰	۰	۰	جست بقدر الحی	مولد منی منعظ نفاخ بطی الہضم رافع برقان قوت باہ گر تازہ سایدہ تا چند روز بمالند مولد خون صالح ومقوی البصر و مسمن ؛
۱۴	آرزر	برنج	چانول	م	ب ی …	مولد قولنج و سدہ	شیر روغن شکر	آرد نخود مولد اجاورس	بقدر قدرت	مولد غذا صالح سطول عمر مسمن منی با شیر و شکر محسن لون کثیر الغذا رافع حرارت و تشنگی و غثیان واسہال صفرا و نافع بخور قیح و قروح امعا دماغ افزون گردد ؛
۱۵	۰	۰	اردوسہ وپالسا	بنا حبتی معروف	حی ۱	۰	۰	۰	۲ ماشہ	گلشن نافع دق صفرا و مسکن حدت خون و سوزش بول و بیچش نافع ربو و ضیق تپ بلغمی ودق و خفقان و صرع و یرقان و غثیان وجذام ؛
۱۶	اسارون	۰	سنکند بالا	م	حی ۲ گویند ۳	ریہ	مویز ج	مربی زنجبیل خولنجان	تا تولہ ا تولہ	ملطف منضج محلل مقوی دماغ و معدہ و جگر و اعضا و سپرز و گردہ نافع استسقا و یرقان وا دماغ در فی و امراض باردہ صرع و عرق مدر باہ مدر حیض و بول ؛
۱۷	اشترنج	۰	سیندور	م	بی	سم قتال	اسفید باج	مردا سنگ	لایوکل	محلل جالی منقی زخمہا لحم نابت نافع حرق النار و سیلان خون وقرحہ امعا بابرگ و ننگ در بادرم زخمہا و قالع بد بو آنہا و نزف الدم ؛

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۸	اسطوخودوس رومی	۰	دواۓ دستہ	م	ح ۱ ی ۲	صفراوی ریہ وعطش تعنی	کتیرا سکنجبین حماما	فراسیون افتیمون	تا تولہ ۵ ماشہ	منقی دماغ حار محلل ملطف مفتح سدہ مقوی بدن قوی دل و روح دماغی مصفی روح مفرح مسہل مواد بلغم لزج نافع امراض سینہ بلغمیہ وسوداویہ داد حارع مفاصل
۱۹	اسفاناخ	اسپاناخ	پالک	م	برا	میرودہ و معدہ ع	فلفل ازجمین مسکہ گاؤ	خرفہ و قطف	از عصارہ ۳ تولہ	ملین جالی قاطع صفرا ادرع جید سریع الہضم نافع تشنگی تپہائے گرم امراض سینہ سرفہ وریہ درد کمر خشونت حار وسل بول دفع خشش و یرقان +
۲۰	اسفنج	ابر مردہ وابر کہن	موا بادل	فسیج بحری رحو	ح ۱ ی ۲	اخشا	اب غورہ باریاشی	کاغذ سوختہ	۰۲ ماشہ	محلل مجفف تردع وجرح تازہ اگر خاکستر آن برآن پاشند نافع اورام بلغمیہ ولثہا قاطع نزف الدم شرباً ملائم مفتح افواہ عروق محلل البر مخرج خار زند توطق +
۲۱	اسفیداج	سفیداب	سفیدہ کاشغری	ازقلعی ازسرب و روے تو تیا سازند	ب ی ۲ و گوینا ی ۳	قاتل موش خناقی مانند حمل وحیض	ای و مطبوخ تخم کرفس	ابار سرنج مرداسنگ	۰	طلائش با روغن گل وگلاب نافع رشیہ سعفہ و بثرہ داء الثعلب داء اورام حارہ مبرد مسہ معزی قاطع لحم زائد نافع درد چشم و بیاض قروح ظاہری حار رند +
۲۲	اشترخار	اشترخار	اونٹ کٹارہ	بنائی تنبیہ یا داود	حی ۳	دماغ و گردہ	شربت غورہ ودرسیالس	انجدان	از جرم او ۷ ماشہ	مفتح مشتہی ہاضم مسخن معدہ مدر دافع ریاح و سعال بارد ضد سموم وادرام باردہ دتپ ربع از احتراق بلغم وخنازیر قروح خانفہ ووجع مفاصل
۲۳	اسراش	سریش	۰	بیخ	حی ۱ و مرقا ان حر ی ۲	مرخی معدہ وسدد	گلقند سکنجبین	عرق الکہ ومغاب آکر	تا تولہ ۵ ماشہ	نافعہ ویجر گرد تیق تیلہ دمل قروح خبیثہ ورم خصیہ داء الثعلب ضماد ادرار بول حیض باسر کہ درد نقرس کنجد نافع جرب حکہ کہین صلابات بہق ویرقان +
۲۴	اشق لذیب	اوشہ	کاندر	صمغی معروف	ح ۱ ی ۲	معدہ و گردہ	انیسون وزوفا	سکبینج جاوشیر	تا ۷ ماشہ	محلل مجفف ملین جالی جاذب مفتح سدہ جگر و سپرز طلاءً و شرباً افواہ عروق مصلح ادویہ مسہلہ لذاع نافع لقوہ فالج امراض عین د
۲۵	اشنان	غاسیول	۰	گیاہیست	ح ۳ ی ۲	مثانہ و مفسد دندان	عسل مغز تخم کدو	صابون	۱ ماشہ	جالی منقی مدر بول محلل فضول غلیظہ مسہل زرد آب نافع استسقا مخرج جنین مسقط جنین قاطع گوشت زائد قدر مصفی و مدر حیض ۳ ماشہ ان و جالی دندان -
۲۶	اسگند ہندی	دوا الہ بی دوالی	جہریہ	م	مح و گوینکہ ح ای ۲	اعضا	انیسون	قردمانا	۱۰ ماشہ	مسکن قابض محلل ملین مفرح دل و مقوی قلب سدہ جگر دباہ دافع خفقان طحال سرعت انتشار قاطع رحم درد سدہ آن تپ دق غثیان و حصاۃ درد جگر د مدر حیض ابزن ان +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
۲۷	اصل الرازیانج	بیخ بادیان	سونف کی جڑ	م	ح ۲ ی ۱	.	.	بیخ کرفس	تا تولہ ۲ ماشہ	مفتح سدد و مجاری سینہ و جگر و سپرز و گردہ و مثانہ و منضج و مسکن اوجاع مفتح تدر بول و حیض محلل نافع تپ بلغمی و قولنج و درد پہلو و تھیگاہ طلا لیس نافع زہر سگ دیوانہ
۲۸	اصل السوس	بیخ مہک	ملیٹھی	م	ح اول تا دوم	گردہ و سپرز	کیزا و عناب و گل سرخ	ربّ بیدانجیل	تا تولہ ۵ ماشہ	منضج مسکن تشنگی و التہاب معدہ ملین سینہ و حلق مسہل ملطف و محلل ریاح رتبہ و اسہال و حرقت بول و قی و خشونت سینہ و ریہ و باسیر و تپہای کہنہ
۲۹	القاقلہ	قاقلہ کبیر	بڑی الائچی	م	ح ۲	محرور سپرز مقلیا متی	صمغ عربی	سونیگان منشو حب القرطم	۴ ماشہ	محلل مفتح ہاضم مشہی نافع صرع و سکتہ و جلاء بلغم از دماغ و تشنج امتلائی و ورم سپرز و اوجاع قولنج و ریاح باردہ و امراض طحال و نقرس و درد امراض سپرز و درد قوی سر از دار فلفل مشترکاً و ضمادا
۳۰	اصل الکبر	بیخ کبر	.	بیخ سپند معروف	ح ۲ و ۳	محرور و صفرا و گرکدہ	سکنجبین و عسل تیتان	جلیت یا سکنجبین	۱۰ ماشہ	مفتح جالی محلل ملطف قاطع بلغم و اخلاط لزجہ نافع امراض باردہ رحمیہ و عرق النسا و بواسیر کاف سپرز سفید داد حیض و درد دندان و تنقیہ دماغ و تقویت احشا و باہ
۳۱	الشہنشیر البستانیہ	بیخ کاسنی	کاسنی جڑ	م	ب ۱ ی ۲	.	.	.	۷ ماشہ تا ۴ تولہ	مدر بول مصفی خون مفتح سدد ملطف اخلاط مسقی تجاری غذا و نافع حمیات کہنہ مرکبہ و ورم استسقا و جلاء مفاصل و استسقا و سپرز و تہیج اطراف و نفخ و تحلیل مواد و تسکین حرارت و صفائی خون
۳۲	امراس العقرب	اشاپج	کہنکالی	بیخ گرہ دار	ح ای ۳ قول ح ای	سینہ و گردہ	ریاحین شان	افیتمون و نمک سنگ	تا ۱ ماشہ	مسہل محلل مفتح سپرز منجمد در معدہ و قولنج نافع امراض سوداوی و صرع و ضیق و ربو و بواسیر و صرع و درد معدہ و جذام و السواد عصب و شقاق میان انگشتان منجمد کنندہ شیر و غیرہ
۳۳	العیب الثعالب	تاتنجی حوپان	مکہو	حبہ بہانی شبینہ بنافی	ح ۲	مصطگی و عسل	سکنجبین و کاہو	مقعد المربزہ	تا ۱۰ ماشہ	مدر مقعد و حیض ملطف نافع صرع و سکتہ و خفقان و طعام بی و دیار و جگر و رحم و مثانہ و بلعم بکر لبطن و مخرج جن متعقد در گردہ نافع امراض باردہ رحم
۳۴	افیمون	.	اپیل کاس	م	ح ۲ ی ۳	[illegible]	کتیرا و زعفران	لاجورد و حجر ارمنی	تا تولہ ۱ ماشہ	محلل ملطف مفتح مسہل سودا و بلغم و صفرا نافع امراض دماغی و تشنج و مالیخولیا و کابوس و صرع و فالج و لقوہ و داء جامع و حمیات امراض سودا و نفخ
۳۵	[illegible]	مردہ	مجریٰ دستاور	م	ح ۱ ی ۲	[illegible]	انیسون	[illegible]	تا ۹ ماشہ	محلل ملطف مفتح باہ ہاضم مشہی صفرا مسقی جرد و سینہ نافع ضعف معدہ و طحال و بول و حیض و ورم و قولنج و عرق النسا و استسقاء و سدد تقویت معدہ و جگر

سلہ
حمی بلغمی و سل صلابا
ضماد او در ... تقویت نافع
سموم و لدغ عقارب
... باہ ...
... العطارد

	ع	ف	ﻩ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
[illegible]	افیون	تریاک	افیم	م	بی ۴	بادو توی و اردواح دیگر	زعفران دارچینی	بزرالبنج زنجبیل نفاح	یکعدس	مخدر قابض منوم محلل مسکن اوجاع نافع الام اوجاع معدہ و صداع اورام حارہ و رمد و ضیق النفس وسعال مزمنہ در انواع اسہال و سحج و قرحہ امعاء و نزلات ودرد گوش ؛
[illegible]	اقاقیا	.	.	عصارہ درخت ... از مغیلان	ی ۲ دبیل بیا	مسدد	روغن بادام	عدس مقشر حفص	تا ۳ ماشہ	رادع مجفف قابض قاطع نزف الدم نافع سحج حابس نزلات حارہ و سیلان رحم و اسہال ... ضماد امقوی معدہ و جگر و بصر و عقل ملطف محلل اورام حارہ ضماداً ؛
[illegible]	اقلیمیاء غیر ...	.	.	چیزیکہ از ... نقرہ وغیرہ ...	ی ح ی ۳	.	روغن بادام	نوشادر ... محرق مغسول	۳ ماشہ	مجفف مقوی باہ مردہ نافع سبل و ناخنہ و دمعہ جرب و آب دوختن دکلف داورام و خفقان و انبات لحم صالح و تحلیل صلابت طحال و بستن جراحات ؛
٣٩	انجار ع	پاچہ	کلاپاپا	مغز پاچہ ... نوشیدن	بر	مولد قولنج	سرکہ وعسل	.	بقدر ضرورت	مولد خون صالح رقیق مغلظ نافع بواسیر و ناقہین و سوداء محترقہ و سحج و خشونت سینہ و حلق و نزلہ بالبس و گرفتگی آواز و بیل زدن و نفث الدم و یبوست دماغ و نطوکہ ؛
٤٠	لٹنگ	خانہ ابلیس	کرنجوہ دیگر نیخ	ستمہ درختی پر خارز سرد	بی ۲	.	.	فادانیا	.	محلل اورام مسکن حانخوف الدم اکلا مانع تاثیر ہوائے وبائی نافع حمیات مزمنہ و صرع معین بر حمل حابس فقط مسہل ہوں و دوت رادع ؛
٤١	اکلیل الملک	گیاہ قیصر	ناخونہ دبنگ	تبری ہلالی تخم وار	حی ١	انیسون	عسل الخبیر مویز	بابونہ فراسیون	تا ۹ ماشہ	محلل منضج قابض مجفف ملین اورام صلبہ مقوی اعضاء نافع صداع و حبس نزلات و امراض مقعدہ و رحم و سکتہ و تقویۂ جگر و سپرز و درد معدہ و دماغ ملعف
٤٢	بنز ہاربس	زرشک بہدانہ	.	م	بی ۲	بہیرہ دانہ نیخ زنجاجی	فرنفل و شکر	تخم گلسرخ و صندل	تا تولہ ١٠ ماشہ	قابض حالی یرقان صفراء اسہال باسکین تشنگی و حرارت معدہ وغیرہ و تحلیل خون و مقوی دل و جگر و معدہ نافع یرقان و اسہال و بواسیر و اورام طلا زردیہ رحم و غثیان و سدہ و حکہ و استسقاء و سحج حابس دستہاء ؛
٤٣	.	.	امرد	تری سرد	ب ۲ ی ١	.	.	.	.	اسہال صفراوی و امراض صفراوی دمعدہ را نافع اولہ بود در ختش نابیز سائیدہ تو شیدن بود صبح ریشہ زراعی مرض است کہ در بینی میشود ؛
٤٤	مغیلان	مغیلاں	ببول	م	بی	.	.	.	.	برگش قاطع اسہال منضج سدہ و سقوط نعوظ عزبہ برگش تخت دماغ است نافع قروح و حجاب بول و سنوبرگ و دگی و دباغ صمغش اعرق خفیف مانع نزال و جریان منی و رحم

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۴۵		.	الملیبید	ابھری سودا انگیز خون پیدا کن	بر	.	.	.	.	قاطع صفرا ملین مشہی ہاضم دافع بیماری دل وخفقان گولہ شکم وفساد صفرا وخون وطحال مسکن وجع محلل مولد سودا و بلغم ہے
۴۶	انبج	امبہ	آم	م	شیریں آں بیخ ر ۳	محرور مخصوص نہار	سکنجبین وجاموں	.	بقدر ضرورت	مقوی اعضاء رئیسہ دباہ مصفی رنگ مسمن مدر ملین نافع خفقان وقولنج وریاح واسہال بواسیر وقے ونزف ضیق وفساد صفرا تقویت قوی دارو ہ معدہ ہے
۴۷	زنجبار	.	.	لبنتی مستعمل تیش	ب ی ۳	محرور	زنجبیل	زرشک گل ارمنی	۴ ماشہ	مسکن قے قاطع نزف الدم ہمہ اعضا والسن اسہال مزمن وبول الدم نافع سحج وبواسیر نزلات سل وضعف اشتہا سموم وتشنگی اعضاء تسکین التہاب صفرا وخون ہے
۴۸	انزروت	کمبزہ	لائی	صمغ تلخ	ح ۲ ی ۱	اسپانجد رم آں کنندہ	صمغ عربی	صبر و نشاستہ	۳ ماشہ	محلل ریاح مسمن مفتح مجفف مسہل بلغم خصوصًا مرتبہ دو بہلیلہ سکنجبین مسہل بلغم مسقط جنین مسمن دافع ورم معدہ درد ورد دمل وقروح داورام وسیلان ہے
۴۹	.	بنبر باریہ	جاک د جستہ	بزرست ارزہ [illegible]	ح ی ۳	معدہ	سنبل و زرشک	مرارہ	دو دانگ	بستہ کردن زائد شیر وخون وغلیظ منجمد در معدہ وبالعکس ملطف محلل نافع رعاف اسہال مزمن سحج ونزف الدم وسیلان رحم مقطع نافع دردگاہ رحم وقروح [illegible] ہے
۵۰	انیسون	بادیان رومی	زندئی	م	ح ی ۳ دقیل ح ی ۲	امعاء مصدع محرور	رازیانہ و سکنجبین	تخم شبت و رازیانہ	تا تولہ ۵ ماشہ	محلل ریاح مسہی مدر بول وغیرہ ملطف جالی مسکن اوجاع فالج مفتح سدد دافع فالج ولقوہ تہیج صداع وضیق ونفث دم استسقا نافع سیلان رحم وطحال ودرد گردہ
۵۱	اہلیلج اسود	ہلیلہ سیاہ	زنگی ہڑ	م	ب ۱ ی ۲	جگر	عسل و روغن زرد	اہلیلہ کابلی تخم سودا	از ۳ درم تا ۹ ماشہ	مسکن تشنگی خون مسہل سودا مقوی حواس ذہن نافع جنون وغیرہ درد سر دوار سر جذام درطوبت معدہ دورد بواسیر آں یا حسب سیاہی معدہ ہے
۵۲	اہلیلج اصفر	ہلیلہ زرد	.	م	ب ۱ ی ۲	مغل	عناب سپستان	پوست تار تخفیف	تولہ ۳ ماشہ	مقوی دل ودماغ ومعدہ مفتح سدد مسہل مقوی حواس ذہن نافع خفقان وغشیان وجذام وحمیات مرکب وسدد وقولنج وبواسیر ہے
۵۳	اہلیلج کابلی	ہلیلہ کلاں	انباہڑ	م	س ح ب ی ۱	دماغ	عسل	ہلیلہ زرد وسیاہ	تولہ ۱ ماشہ	مسہل اخلاط مدر بول مقوی حواس نافع درد سر ونسیان ومالیخولیا ولقوہ باعث دیر سفیدی موئے سر وباعث بواسیر ہے

۵۳ یک درم از و با ریک صلایه
سوده بشراب بخورند طمث
زنان که حبس باشد اجرا یابد
اشیاف بیخ او تازه خواه
خشک فرزجه کنند مخرج ۳
مفردات سکند یونانی
۵۴ با تلی چون طلا کنند بر
دمع افزاید در زبان ترکی
در بلا کنی در حرارت
از ترنج دو عرعر آن بود
دیدن چون کمرنگ دادن
او رد و خوردن بادان
مقدار زردی
اگر کسی بخورند
مرض ابل کند
طلا دار شکوفه

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۵۴	ایرسا	بیخ بنفشه	بیخ سوسن آسمانگونی	م	ح ی ۲	شش	عسل	ماریون بالنبر شیر	تا ۹ ماشه	منوم ملطف منضج رافع سعال مفتح جالی مسهل منضج منقی نافع صداع و سکته و صرع و عشو و فالج و داء الثعلب و استسقا و امراض رحم و وجع کلیه و اورام لثه و الربو
										باب دوم در بای موحده
۵۵	بابونج	بابونه	مرهمی و سوهنیل	م	حی ۲ ی ا و قیل حی ا	حلق	عسل و شربت انار	بنفسج و بر نجاسف	تا تولہ ا ماشه	محلل ملطف منضج مقوی باه و دماغ و اعصاب مدر مطلقا نافع صداع امراض رأس و احتباس طمث و نزلات و یرقان و ربو و داء جامع مابین اورام صفاوی و دانا نافع بلغمی
۵۶	بادرنجبویه	بادرنگبویه	بالای لوترن و بلی لوترن	بهلسه معروف	حی ۲	درک	صمغ عربی و کندر	ابریشم و پوست بیخ	تا تولہ ا ا ماشه	مفرح مقوی قلب و دماغ و حواس و حافظه و معده و جگر ملطف منضج سدد دماغ رافع وسواس و خفقان و کابوس و غشی و منفض و دوار
۵۷	بادروج	ریحان کوهی	قلیسی حبقی	نوعی از ریحان	حی ی ۲	مظلم البصر داد سکودا	سیر گرد و خیار و خرقه	شونیز و بادرنجبویه	ازا تا نیش ماشه تولہ	مفرح مقوی معده و دل و باهی مدر مطلقا منضج محلل ملین نافع خفقان و غشی و ضعف جگر و عسر النفس و البول و سده و سپرز و سنگ مثانه و گرده و گزیدن عقرب و عاق
۵۸	بادنجان	بادنگان	سنگنی و جانتا	م	حی ی ۲	مولد بواسیر و قوبا و نمش	بختن با گوشت و روغن و ...	.	بقدر رغبت	منضج مقوی معده ملین صلابات ازدر بول مسکن ... جماع عماره مولد سوداء محرک بثور و قوبا و درد چشم و فالیج و درد پهلو
۵۹	...	بادیان ختائی	.	م	ح ی ۲	عضل و عصب	بریان کردن	.	.	منضج مقوی معده هاضمه محلل دافع ریاح و ثقل طعام و درد احشا و تحلیل بلغم مدر بول و صداع و سورت عطش
۶۰	باقلا	.	باکلا	بی معروف	ب ی ۲	مفسد ذهن و منجر قولنج	بادیه حاره خوردن	.	.	دافع اثار مولد منفخ مانع اسهال مرقن سرفه و تنقیه سینه و دریکشن سوال و تقویت باه و درنع قرحه امعا و دق و تولید جشاء و زردی بشره و کلف ...
۶۱	.	پالسه	بهالسه	م	ب ی ا	مبرد	انیسون و گلقند	.	.	مقوی دل و دماغ و جگر حار نافع حبس البول و اسهال صفراوی و خفقان و تشنگی و حرارت و حمی دق و خنازیر و سپرز و مزیه صفراء

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
٦٢	۰	۰	بالک بجوہی	نباستے معروف	ح ر ۱	۰	۰	۰	۰	طلا از آب برگش نافع بہق وقوبا وکلف پوست بخشش باقرنفل وکالی زیری یک یکتولہ ویکدانہ سیر خوب ساییدہ مالیدن رافع قوبا ؛
٦٣	۰	بالنگو	۰	م	ح ر ۱	۰	-	ریحان	تا ۹ ماشہ	مقوی قلب نافع خفقان وتوحش واسہال وموی سوی ومعنی وزحیر با گلاب ؛
٦٤	۰	پپیتہ	۰	تخم شلیت بیاد نمع	حی ۲	محرور	۰	نارجیل دریائی	تا ۲ جو	قدر یکماشہ از ان بابورا تلقل باگلاب ساییدہ رافع ہیضہ وقی بلغمی گر بند نشود ونافع ضیق واستسقا بلغمی ودرباح ودبواسیر وادجاع مفاصل ؛
٦٥	۰	۰	بڑہل	م	ب ر زنجبیل جرہ	۰	۰	۰	۰	مولد بلغم ودافع صفرا ثقیل نفاخ محدث حمیات بلغمیہ مقلل منی مضعف شہوت تخمش ملین طبع اطفال باشیر مرضعہ شیرش مسہل اطفال ؛ ؛ ؛
٦٦	۰	۰	برگد	درخت معروف	ح ر	۰	۰	۰	۰	شیرش ساد ع ورم محلل مہبی ودافع بواسیر وجریان ورقت منی وسرعت انزال وکثرت احتلام ادعفصارہ ثیہ مجبر نشہ اش رافع جریان وممسک حابس دم
٦٧	۰	۰	برہنڈی	نباتات ہندی معروف	ب	۰	۰	۰	۹ ماشہ	مصفی خون نافع قروح رافع سیلان منی وتپ وبرص مزید عقل وحافظہ ونیکو کنندہ لون رخسار ؛
٦٨	برنجاسف	بوی مادران	کندہ مار	م	حی ۲	گردہ	انیسون	بابونہ افسنتین	تا تولہ ۱۰ ماشہ	ملطف مفتح سدہ مفتت مخرج دیدان رافع احتباس طمث وبول وعسر ولادت وورم رحم مخرج جنین ومشیمہ نافع حمی وغشی وزکام ؛
٦٩	برنج کابلی	برنگ کابلی	بابرنگ	م	حی ۲	امعا	کتیرا	ترمس وتنبل	۱۰ ماشہ	مسہل بلغم وسوداء اخلاط لزجہ مجفف مخرج اقسام کرم شکم وامعا واخلاط لزجہ از مفاصل بقوت تمام ودرقتل دیدان وودی بیدہ میرسد ودافع باد وبلغم
٧٠	۰	۰	بربارہ	حر	۰	۰	۰	۰	۰	برگش تازہ شب با آب تر کردہ صبح مالیدہ نوشیدن دافع جریان منی وبواسیر وحصاۃ عصارۂ برگش رافع زہر مار شربا وسعوطا ؛

دخل در بیان داروهای ...
دیوانی و ضیق النفس ...
دعا بکار چشم ...
درد ورم ... سیاه آن
قاتل است اگر اصلاح آن
بعمل نیاید و ... دو مثقال
سفید ... قاتل است و دافع
مار ... همان ... ست ... دافع ...
... مفردات ...

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۷۱	بزرالاترج	تخم ترنج	.	م	ح ای ۲	.	.	.	۳۰ ماشه تا ۱۰ ماشه	مفتح آن ... مقاوم جمیع سموم حیوانی وقوی تر از تریاق کبیر ... آب گرم باشراب ... گزیدن عقرب ۳۰ ماشه شرب ... بغایت مدر حیض ؛
۷۲	بزر اسفاناج	تخم اسفاناخ	پالک کا بیج	م	ب ر ۱	سیرز	گل مختوم	تخم خرفه	۷ ماشه	رافع وجع مواد ... احشا ... حاره و ... وسل ... ورم حاره ملین نافع نزلات حاره و تشنگی و عسر بول ؛
۷۳	بزر انانجره	تخم انجره	اونجگن نزد بعض	تخمی معروف	حی ۳ دخشک ۲	گرده داءها	صمغ عربی کثیرا	تخم کتان تخم ...	تا ۱۰ ماشه	جلاء جالی ملطف مفرح اعضا محلل ... مطلقاً ... سینه ... منقی ... نافع ربو و امراض سینه ... النفس الانتصاب و استسقا
۷۴	بزرالبصل	تخم پیاز	پیاز کا بیج	م	حی ۲	.	.	تخم ...	۳۰ ماشه	... سرد ... ضماد ... رافع داءالثعلب ... دیاقوت فضلیه ست ؛
۷۵	بزرالبطیخ	تخم خربزه	خربوزه کا بیج	م	ح ر ۲	ششش ... سپرز ...	عسل ... عصاره ...	جلوزه	تا تولیه ۵ ماشه	مفتح سده کبد مدر بول منقی گرده و مثانه ... منقی ... ملین ... نافع ... درد ... ورم جگر ... خشونت حلق ... حاره ...
۷۶	بزرالبطیخ الهندی	تخم هندوانه	تربوز کا بیج	م	ب ر ۲	.	.	.	تا تولیه ۵ ماشه	مسکن مواد ... که ... رافع خشونت سینه و ... حاره و حرکت بول ... قرحه ... مجرح ... مقام تخم کدو ست ؛
۷۷	بزرالفصلة الیمانیه	تخم مرد	... بیج	م	بی	گرده	شکر	.	۹ ماشه	نافع امراض حاره داورم ... اوراد رع ؛
۷۸	بزر السیل	.	... کا بیج	تخم خیاره ...	ح حی ۲	مصدع محرور	گشنیز	.	۳۰ ماشه	محلل ... احشا قابض طبع ... قولنج ... امراض بلغمی ... محلل ریاح ... نافع باد ...
۷۹	بزرالبنج ابیض	تخم بنگ	اجواین خراسانی	م	بی ۳	مورث ... دوار ... خناق	عسل	افیون	۱ ماشه	منوم مخدر رادع ... سکن ... کوش و دندان و عین ... صداع ... مفاصل مانع نزلات و سیلان رطوبات سوی چشم نافع ورم مذی و حفیه و قطع نزف الدم و سیلان رحم و تقویت احشا ؛

سودگرده

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۸۰	بزر الجرجیر	تخم ترہ تیزک	چنسر سُر	م	ح ۲ ی ۲	بحیدرم و التصاق الحاء	شیرتازہ کبترا	تردری تخم پیاز تزرک کرزانا	تولہ ۵ ماشہ	مبہی منعظ مسمن بارز دہ تخم مخرج نیم برشت ہتی بلغم رافع کلف دبہق و نمش مدر بول و شیر مقنت محلل ریاح مقئی سدہ کبد و سپرز جالی ؛
۸۱	بزر الجزر	تخم زردک	گاجر کا بیج	م	ح ۲ ی ۲	معدہ حار عصب	انیسون	دو قو	۷ ماشہ	مبہی مخرج جنین منقی رحم محلل حمول مانع درد سینہ و پشت و استسقا و عسر بول و انتفاخ بطن دالسع ہوام و مدر حیض و بول و نافع قروح ؛
۸۲	بزر الحمقا	تخم بستان افروز و تخم خرفہ	چیلائی کا بیج	م	ب ی ا	۰	۰	۰	۹ ماشہ	قائم مقام تخم بارتنگ در اسہال جیوان کوفتہ بیک رطل شیر جوشانیدہ زیر فلک نہادہ صبح بنوشند تا چندروز حرقت بول و بول الدم را دافع بود ؛
۸۳	بزر الحرمل	تخم اسپند	۰	تخم نوعی از سداب کوہی	ی ۲	محرور و مصدوع	سکنجبین و ترشیہا	تخم سداب و قرکو مانا	۹ ماشہ	محلل ریاح مبہی امعا مسمن مدر بول و حیض و شیر مخرج حب القرع مصفے لون نافع صرع سکتہ و نسیان و قولنج و فالج و استسقا امراض بارد یرقان و خفقان و ضیق و مقوی دل ؛
۸۴	بزر الحسک	تخم خارخسک	گوکھرو کا بیج	م	ب ی و گوشیدگی ا	سرد و طحال	بادام و روغن کنجد و روغن نارجیل	تخم خیارین عطے الراعی	تا تولہ ۵ ماشہ	مدر بول نافع عسر البول مسکن درد مثانہ دلثہ و حلق ملین منفتح مانع انصباب مواد مفتت حصاۃ گردہ و مثانہ را دفع قرحہ مجاری بول و قولنج و انگور پیہ و درد باب تازہ و نقش از تقویت باہ بیعدیل
۸۵	بزر الخاص	تخم ترشہ	جورکے کا بیج	تخم سیاہ مائل بسرخی	ب ۲ ی ۲	سپرز	راز یانہ و قند	تخم بارتنگ	۷ ماشہ	قابض نافع امراض دل و معدہ و جگر و امعا و خفقان و تپ دیرقان و اسہال دموی قرحہ امعا و اسہال مزمن و سیلان رطوبت رحم مطفی مرہ صفرا مانع التہاب تعلیقا بر بازوی چپ ؛
۸۶	بزر الخیار	تخم خیار کلاں	۰	م	ب را	معدہ سعد مضعف	فواکہ ربوب	تخم خطمی	تولہ ۵ ماشہ	ملین منفتح رادع سوء مزاج مدر بول مزید تحلیل اورام حارہ نافع خشونت سینہ و تپ درد و نزلہ و قرحہ امعا و گردہ و مثانہ و تپ و زحیر و حرقت بول ؛
۸۷	بزر الخس	تخم کاہو	کاہو کا بیج	م	ب ۲ ی ۲	باہ و بصر	مصطگی	تخم خشخاش و دم الاخوین	۷ ماشہ	مجفف منی مخدر منوم مصفی خون مسکن حرارت مواد مبخرہ دعطش نافع کثرت احتلام و تقطیر بول و سیلان منی و درد سینہ و زکام و نزلہ و تپ حار و تشنگی و سوزش معدہ
۸۸	بزر الخشخاش الاسود	تخم خشخاش سیاہ	۰	تخمی نسیاہ معروف	ی ۳	دماغ	رازیانہ	تخم کاہو	۴ ماشہ	دافع سیلان تحم زحار جگر و سیلان حیض بانشراب منوم مخدر منقی صدر قاطع اسہال مزمن منضج مواد رقیقہ صفراویہ بو بدہد و او دافع بیخوابی و در جمیع افعال ان از سفید قوی ؛

[illegible]

	ع	ت	د	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
٨٩	بزر الخشخاش بستانی	تخم کوکنار سپید	پوست	م	ب ترو ار گویند ی ۲	مداد منش باه	.	تخم کاهو	تا تولہ ۱ ماشہ	منوم مخدر قابض بعض بقدر ۳ تولہ با شکر رافع خشونت سینہ و قصبہ و سرفہ حار یابس نفث الدم ضعف کبد گرده و حرقت مثانہ رطب ...
٩٠	بزر الخطمی	تخم خطمی	خطمی کابیج	م	ح یا بشند ل گویند ترکب قوی نافل انامن	معده دریہ	عسل	تخم خبازی	۴ ماشہ	محلل منضج رادع مرقی ملین اورام مسکن درد مفاصل جالی ... نافع ذات الجنب والریہ و تو لنج و لقیة سنگ گرده و سرفہ نفث الدم ...
٩١	بزر الخمخم	تودری	.	تخمی کوچک از عدس	ح ۲ را	.	.	بہمن سرخ	تا تولہ ۵ ماشہ	مہی منعظ شبیہ مسمن مجمر خسار مقوی صورت رافع برودت احشاء و دیہای صلب در زخم جشم قاطع اخلاط لزجہ سینہ و شش منقی قروح عین اکتحالا با عسل
٩٢	بزر الرطب	تخم اسپست	.	تخمی نماره زرد	حر	.	.	تخم شلغم	تولہ ۵ ماشہ	مولد منی نفاخ مزید باه و مزید قوت جماع مسمن بدن مدر حیض رافع خشونت سینہ و سرفہ و قابض مولد خون صالح روغن نافع لقوه و فالج و رعشہ ضماداً
٩٣	بزر الریحان	تخم ریحان	.	م	ح ای ۲ فضیلت ...	گرده	فرنگوش	تخم مرد	۴ ماشہ	محلل اورام معادم سموم رافع زحیر قابض مفتح سده دماغ خفقان ریاح غلیظہ ضعف معده و قی سرفہ و درد عانت سحیح اسهال مزمن بریان کرده با گلاب
٩۴	بزر السقا	تخم سداب	تنبل کاریج	م	س ی ۲	مصدع و مقطع منی	کتیرا عسل	برگ سداب	تا ۲ ماشہ	... تآن با با سکنجبین نوشیدن رافع کابوس و ادرع دفواق ریحی و بلغمی و سرد ی معده و حمیات نافضیہ و قولنج ریحی و عرق النسا و منقد جنین
٩۵	بزر السلق	تخم چقندر	.	م	ب	معده	.	تخم خطمی	.	مسہل منضج بلغم
٩٦	لف مترنج	تخم شاهتره	.	م	معتدل الحرارت	ریہ	تخم کاسنی	.	تولہ ۵ ماشہ	در جمیع افعال قوی تر از سایر اجزاء شاهتره مفتح سده کبد و طحال و مقوی کبد و معده نافع حمیات کہنہ مدر بول مسہل اخلاط ثلثہ نافع جرب و حکہ و قوبا و بیج و امراض سوداویہ
٩٧	بزر الشبت	تخم شوت	سوئے کا بیج	م	ح ی	محرور و مصلح ... تا قطع منی	ترشیها و عسل	برگ آن	۱۰ ماشہ	مدر بول حیض شیر منی قوی مفتت ریاح نافع امراض رحم و مثانہ و نفخ و مقعده و بواسیر و فواق بلغمی و درد کرده و مثانہ و عسر البول و نفث حصات محقق قروح رافع ورم سپرز

	ع	ت	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۹۸	بزر الفجل	تخم ترب	مولی کا بیج	م	ح ۳ ی ۲	محرور و گردہ وجگر	کتیرا شکر سپستان	حب الرشاد	۳۰ ماشہ	مقی منفث مفتت سنگ رافع درد جگر بار درم سپرز دفع ریاح مفاصل دزہر ہوام وسموم باعسل رافع الوان و آثار غریبہ دکلف دقوبا دزمش مصفی روئیدن شعر
۹۹	بزر الفرفخ	تخم خرفہ	خرفہ کا بیج	م	ب ۳ ر ۲	باہ و سپرز و معدہ بارد	قند	بزر قطونا	تا تولہ ۵ ماشہ	ملین حدت صفراء خون و تشنگی و حرارت معدہ ورحم وجگر و تہبائے حارہ سپرز و دماغ مفتح نافع نفث الدم وسیلانات کہنہ و صداع حار دزیابیطس
۱۰۰	بزر فرنجمشک	تخم بالنگ مشک	رام تلسی کا بیج	تخمی بالنہ تخم ریحان	ح ی	.	.	تخم بالنگو	۷ ماشہ	مجفف منی مولد رشک کہ ضمان گویند ہاضم مسقط اگر بسرکہ داشتہ بہ و شراب آب انگور داخل نمایند مانع فساد آن بود
۱۰۱	بزر القثاء	تخم خیارزہ	ککڑی کا بیج	م	ب ر ۲	صاحب نزلہ	سکنجبین	تخم بادرنگ	۹ ماشہ	مدر مفتح جالی منقی عروق مسکن غلیان خون و صفراء و عطش نافع حمیات حارہ محرک مواد ساکنہ و قوی تر از تخم بادرنگ مصفی رخسار طلاءً
۱۰۲	بزر القثد		کھیرے کا بیج	م		اسہیں و میرو قرین	گلاب و قند	تخم خیارزہ	تا تولہ ۵ ماشہ	محرک مواد ساکنہ مدر البول مخرج صفراء و سوختہ رافع درد رحم و قروح آن و حرقۃ البول و درم کبد و طحال و حمیات حارہ محلل اورام طلاء و غسل ضماداً
۱۰۳	بزر القطف	تخم سرمق	بتھوے کا بیج	م	ب حب ی ۱	سفل	گلاب و قند	.	۷ ماشہ	جالی ملین مفتح محلل اورام ظاہری و باطنی و مسہل و تنشر یا نافع استسقاء رافع عسر البول و تقطیر آن و ضعف گردہ و یرقان اخشاء و برقان و حمیات و سموم
۱۰۴	بزر قطونا	اسپغول	اسبغول	م	ب ر ۲	مضعف معدہ و مقلل اشتہا	عسل سکنجبین علی	بہدانہ تخم مرو و خرفہ	تا ۲ تولہ ۱۱ ماشہ	محلل ملین طبع رافع تشنگی و حرارت تپہای گرم و غلیان دم و خشونت حلق سینہ و علل صفراوی و زحیر و منفث اوجاع مفاصل حار و اورام و بیو دادہ اش قابض
۱۰۵	بزر القنب	دانہ بہنگ	بھانگ کا بیج	م	ح ی ۳	مظلم و معدہ	بریان کردن نخود تجاس و سکنجبین	.	.	منفی ریاح مسکن غلیان مولد خلو دی قابض بعض منجر ممسک و مجفف منی محلل سختی اعضا مجفف آن مدر البول اکثار آن مفرح اعضا
۱۰۶	بزر الکتان	زغیرہ و بزرک	تیلسی و السی	م	.	مصدع و ہضم داشتین	کتیرا عسل سکنجبین	عصارہ باقلہ حلبہ	۱۰ ماشہ	لعوق آن با عسل و فلفل مسہل و رافع سرفہ بلغمی و منقی سینہ مفتح محلل ورم سپرز و درد فضلہ عابس طبیخ اکثار آن کردہ ان بول یا بکثرت ابتلا سنگ گردہ

در خرمهٔ العطار به
نخم تخ دود درجات ۲
ومثانه حاصل شد
دهمران سین ضماد
باد وشراب معنی
طلا رقاطع بوی بد
شد نافع صلح عمار
نووی حجام سس
در دم حاد رنفخ نمود
دروغن گل ضماد
الرنبز ترا کرده طلا

	ع	ن	ه	م	ط	مف	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۰۷	بزرالکراث	تخم گندنا	گندنبکا بیج	تخم جون بار	ح ی ۲ و تو یند ۳	ریه وگرده ومثانه	عسل	تخم جرجیر	تا ۷ ماشه	مفتح نفخ محلل ریاح رافع امراض بارده قاطع نزف الدم نفث والدم محرک انتها مقوی گرده ومثانه وباه با شراب بود اده آن رافع اسهال مزمن وزحیر
۱۰۸	بزرالکرفس	تخم کرفس	جمود کا بیج	م	ح ی ۳	ریه	تخم کاسنی یا حماما	تا نخواه وزره افسنتین	۳.۰ ماشه	مفتح سده جگر و سپرز هاضم غذا جاذب فضول معده ورحم مسکن اوجاع محلل ریاح ونفخ منقی گرده ومثانه مدر بول وحیض مخرج جنین دافع رطوبت احشا
۱۰۹	بزرالکریب	تخم کریب	•	تخمی مرورت	ی	ششش	عسل	•	۳.۰ ماشه	نافع گزار اگر بآب گاو زبان بخورند مانع مستی شراب دمزید منی
۱۱۰	بزرالکزبره	تخم کشنیز	دهنیا	م	ب ی ۳	صاحب ربو دفیق	تخم خرفه وسکنجبین	تخم کاسنی وخشخاش	تا ۳ تولہ	مفرح مقوی دماغ ودل ومعده ملطف بخار وابخره بدماغ رافع سدر ودوار وصرع وفلاقت وخفقان ودسواس مانع اسهال دموی وقروح الجاری بول
۱۱۱	بزرالبنج باصطبل	تخم بارتنگ	•	م	بی ۲ وتیلی	ریه	عسل	تخم حماض بستان ای	۱۰ ماشه	حابس نزف الدم واسهال مرار نافع قرحه ریه امعاء بود دموی وصرع مقوی تنفیح سدد کبد سوداوی طحال وگرده مسکن تشنگی رافع قی الدم دسند جگر وعرق النساء
۱۱۲	بزرالقت	تخم شلغم	شلغم کا بیج	م	ح ۳ سها	سپرز دموی ریه محرور ومصدع	تخم خربزه سکنجبین کلفه	تخم جزر	۷ ماشه	مبهی نرار نخبین منقی بلغم سینه ولطیف منفث مدر بول تریاق سموم رافع سعال وورد نقرس وتولنج وشقاق عارض از سردی
۱۱۳	بزرالمرد	تخم مرد	کنوچه	م	ح ۲ را	ششش	گلنار	بزر قطونا بزر کتان	۷ ماشه	بریان کرده آن رافع سحج ودوسنطاریا واسهال دموی وقرحه امعا ضماد آن منضج اورام صلبیه دماغی و خام آن مسهل بلغم
۱۱۴	بزرالنمام	تخم نیبنر	•	تخمی نبت سیاه	حی	ششش	کتیرا	تخم نعناع وتخم بالنکو	۱۰ ماشه	مدر حیض وولادت دافع فواق امتلائی وبادکه در شکم بود در دم بگر بار ددیدان وحب القرع ومخرج جنین
۱۱۵	بزرالکوشث	تخم برش	امرلته کا بیج	تخمی کوبک از تخم ترب	ح ای ۲	ریه وسپرز	عسل صمغ عربی تخم کاسنی	افسنتین بادر دیج	۷ ماشه	مفتح سدد کبد معده ملطف قابض حابس نزف الدم وسیلان رحم مقوی معده وجگر وسپرز محلل ریاح مدر مطلقا نافع پیهای کهنه وفواق باسرکه شرب آنه جهت نقرس

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
۱۱۶	بزرالنیلوفر	تخم نیلوفر	بٹلو پھل کی بیج	م	بی	باہ	لعوبات	•	۱۰ ماشہ	مسکن تشنگی تپ کارار رافع سیلان رطوبات رحم و ادرار حیض و نزف الدم و درد و نیز درخشونت سینہ و مثانہ نافع یرقان زرد و اسہال مزمن و سیلان و قرحہ امعاء
۱۱۷	بزرالورد	تخم گل	گلاب کا زیرہ	زردی پیلا گل کے زیرہ	ب ی ۲	جگر و شش	کتیرا	بزرالبنج	تا ۱ ماشہ	قابض حابس خون رافع قلاع و درد چشم و نفث الدم و نزف الدم و اسہال مرار کا عسرالعلاج و رطوبات رحم با تقویت آن حمول مفید قروح مقعد مستحکم بن دندان
۱۱۸	بزرالہلیون	تخم مارچوبہ	ناگردن کے بیج	بیجی مدور بنفشی	ح ر ۲	راس	عسل	تودری [illegible]	۱۰ ماشہ	مفتح سدہ طحال و کبد مفتت حصاۃ گردہ و مثانہ مہیج مزید شیر رافع درد دندان مدر حیض مسمن با تخم مرغ نافع استسقاء درد سینہ و عسرالبول و عرق النسا و وجع
۱۱۹	بزرالہندبا	تخم کاسنی	کاسنی	م	مع حب دی ۲	طحال عند اصحاب [illegible]	انیسون	تخم کشوث	تا تولہ ۵ ماشہ	مفتح سدہ و نافع استسقاء و حمی و صفراء و سدہ و ضعف گردہ و طحال و قطع نفث الدم و تحریک اشتہا و خفقان و صداع و یرقان و سموم و امراض جگر
۱۲۰	بسباسہ	بزباز	جوتری	م	ح ی ۲	جگر و مصدع	صمغ عربی و گلاب	جوزبوا	تا ۱ ماشہ	مفرح ممسک منی مقوی معدہ و جگر و باہ مسقط مہیج مفتح مجفف محلل ریاح و صلابات ہاضم نافع سلسل البول و وجع و قرحہ امعاء و درد سرز محلل باعث قراقر
۱۲۱	بسد احمر	بیخ مرجان	مونگی کی جڑ	بیچ سوراخدار سرخ مدور	ب ا ی ۲ د گویندی ۳	گردہ و مورث ہتورع	کتیرا	درخش دم الاخوین	۴ ماشہ	مفرح قابض مجفف رافع جنون و درم سپرز و خفقان و امراض عین و آثار جلد و صرع و اسہال و دمویہ و بواسیر و حصاۃ و قروح امعاء و نفث الدم و ذو سنطاریا
۱۲۲	بصل	پیاز	پیاز	م	ح ی ۳ و گویندی ۴	محرور	اکل بسرکہ و گلاب بہار و نمک	•	بقدر ضرورت	محمر مقوی شہوتین مفتح رافع ضرر ہوا و بائی و طاعون مدر بول و حیض و مفتت حصاۃ کثیر الغذا ملین منفخ مسکن عطش ہاضم رافع امراض عین و سپرز و یرقان
۱۲۳	بصل العنصل	پیاز دشتی	جل کندرا و کندری	بیچی جون پیاز	ح ۳ ی ۲ د گویندی ۲	عصب و محرور ذکر یا مصدع	قند زرد و سکنجبین	درح و بیخ کبر شیر	۲ ماشہ	نافع صرع و مالیخولیا و سدہ و فالج و لقوہ و دیرینہ درد گوش و ربو و نقرس و سبات و نسیان و صلابت طحال و وجع مفاصل و استسقاء و یرقان و جاذب خون بظاہر
۱۲۴	بط	ادرک	بطخ	م	ح ۲ ی ۳	دیر ہضم و مصدع	سرکہ و ادویہ حارہ	•	بقدر ضرورت	لحم مسمن کثیر الغذا مہیج مصفی آواز دافع ریاح و بیہ اش ملین محلل [illegible] و درم و اسہال مزمن و سنگ مثانہ و خناق بار د باقل اضماد لحم بکثرت قاطع

سلہ
بحرنا زکاو تربادہ گاو سوار
سوز بربد بربنفی کرد بول
را افزیر اعلیل طلا سازند
با یکان باہ بکر سے قابر
دنیز ظ ارد ۲۱
بحوۃ الحیوان

	ع	ف	د	م	ط	مف	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۲۵	بطیخ	خربزہ	خربوزہ	م	شیرین آن ح ر ۲	بر طعام مورث تخمہ	سرکہ دآب انار ترش	.	بقدر ضرورت	مدر مطلقاً مخرج حصاۃ مطہر دماغ دیدن وجالی بلطف مسمن مفتح نافع استسقا و یرقان مصلح حال گردہ قروح باطنی و ناشتا خوردنش مورث بیماری صفراوی
۱۲۶	بطیخ ہندی	ہندوانہ خربزہ ہندی	تربوز	م	ب ر ۲	سپر زد مبرد معدہ	عسل گلقند	.	بقدر حاجت	ملین مسکن حدت صفرا و خون تشنگی مدر بول مولد خون رقیق مرطب بدن نافع امراض سوداویہ حمیات محرقہ و یرقان و تفتیت حصاۃ
۱۲۷	بقر	گاو ماده	گای	م	گوشت آن ح ی ۲	مسدد قابض مضر معدہ حقفی مفاصل	عسل سرکہ ادویہ حارہ	.	بقدر حاجت	تخمش مسمن مغلظ خون محدث امراض سوداویہ روغن شاخ سوختہ اش جالب عرق و اسہال طحال و صرع و سوختہ اش نافع نزف الدم و جلای دندان
۱۲۸	بقلۃ الحمقا	خرفہ ترک	خلفہ	تخمہ معروف	ب ۳ ر ۲	باہ مبرد وبصر	مصطگی کرفش پودینہ	.	از ۷ ماشہ تا ۱۰ ماشہ	مسکن حدت صفرا و خون و حرارت جگر و معدہ و حدت حمیات حارہ و عطش نافع صداع و حصاۃ و ذیابیطس نفث الدم و دنسلات و مدر بول رافع حرقت
۱۲۹	بقلۃ النعمانیۃ	سفید مرز	.	تخمہ معروف	ب ر ۲	باہ مبرد و بطی الہضم	جوارشات	.	تولہ ۲ ماشہ	مطفی حرارت غریبہ و تشنگی مولد خون صالح مرطب بدن و ملین طبع سرد صداع اورام حارہ و قروح و جرب و حکہ بخشش رافع رشتہ
۱۳۰	.	.	بلیچی و بانجی	تخمی مدور یہن طولانی	ح ۲ ی ۱ د گوینده	.	.	.	.	ملین انفاخ مفرح مشتہی نافع جرب و قبا و درم و برص و بہق و جذام شربا و ضماداً حمیات بلغمیہ و دیدان و قروح مجاری بول
۱۳۱	.	.	پلاس یا پڑہ	ثمرش معروف	ح ر	.	.	.	۱۰ ماشہ	شربا نافع مبہی التقرح و دیدان و بواسیر قطورش با نمک اندرانی و پوست ہلیلہ برابر بگلاب خیسانیده رافع بیاض عین
۱۳۲	بلح	جفت بلوط	.	ثمر درختی معروف	ب ۱ ی ۲	مسدد مصدع مولد سودا	سکنجبین قند	خرنوب نبطی	تا ۵ تولہ	قابض حابس اسہال عرض و نفث الدم و نزف الدم نافع سحج و قرحہ امعاء و سلس البول و غثیان و ادرار بول و فلاج و قطاع سیلان رحم حمولاً
۱۳۳	.	.	بلوس	م	ح ۱ ر ۲	.	.	.	بقدر حاجت	مقوی دل مبہی مشتہی دافع سردی نفاد و درم و صفرا و سودا و تپ ہاضم دافع دیابیطس و بثور قاتل کرم شکم ثمرش مقوی معدہ

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
١٣٤	بليلج	بليله منقى	بهيڑه	م	ب ا ی ٢	سفل	عسل وشكر	آمله ہليله يا سنگوكي تخم	تا ١٠ ماشه	قابض مقطعت مقوى معده اشتها مسهل سودا بالخاصيه وصفرا بالطبع رافع صداع وبواسير بود داده آن رافع اسهال مزمن وسيلان آب دهن ومقوى چشم وموی دردانه
١٣٥	بندق	فندق	.	ميوه است	ح ی ا	معده مولد رياح	سكنجبين وفانيذ	حب الصنوبر ومغز گردگان	تا ٥ توله ١٠ ماشه	مسهي مقوی معانافع سرفه مزمن وامراض سينه بشش ببريان گرده خفقان وحرقة البول وسموم فربه جو هرز نافع رافع داء الثعلب
١٣٦	جنفسج وفرفير	بنفشه	.	م	ب ا ر ٢	مضعف دل اكثار آ	انيسون رب السوس	نيلوفر برگ خبازی	در مطبوخ تا توله ٥ ماشه	مسهل صفرا مسكن عطش وحدت دم وادرام حاره منوم نافع حميات حاره صداع وسود سرفه حار خشونت سينه ودرد گرده خناق سوزات الجنب والريه محلل اورام
١٣٧	بورق وحلوز	بوره ارمنى	بايڑی لون	نمكی سبک سفيد پر سوراخ	ح ی ٣	معده ومغثی	مصطكی صمغ عربی	نمک	١ ماشه	محرق محلل جالی جاذب دم بظاهر مسكن مغص نافع قولنج مسهي مسهل بلغم غليظ مخرج كرم معده رافع درد گوش وحمی بلغمی محکه مسقط زالو از حلق منفج ورافع برص ورطوبت رحم
١٣٨	بوزيدان	.	.	بيخي سفيد طويل	حی رتميل ح ٢ ی ١	اشتين	عسل وخردل	بهمن سفيد دوچ	تا ٤ ماشه	ملطف رافع اوجاع مفاصل ونقرس مهيی منفج سده جگر وسپرز مقوی معده واعصاب ومفاصل رافع استسقا وكم سده وبواسير وسموم بارده ومسقط جنين
١٣٩	.	بهمن سرخ	.	بيخی سرخ چون زردک	ح ی ٣	سفل	انيسون كتيرا عناب	تودری اندرجو	٩ ماشه	مفرح مقوی قلب وباه زياده از سفيد معطر مسمن باباه واهم ومحو ومصفی رخسار بانمك وشهد محلل رياح موافق مبرود نافع خفقان
١٤٠	.	بهمن سفيد	.	بيخی سفيد معروف	ح ی ٢	سفل	انيسون كتيرا عناب	تودری اندرجو موصلی اسكند	٩ ماشه	نهايت مهيی مسمن مزيد منی زياده منيت مقوی دل منعظ منفج محلل رياح وبلغم نافع خفقان ويرقان وتفتيت سنگ گرده ومثانه منقی رحم
١٤١	.	.	بهنگره	گياهی معروف	ح ی ٢	.	.	.	.	آبش مقوی بصر وباطلی رافع جذام وسعد مرسپرز ورطوبت چشم نافع امراض دهن شقيقه ومقوی صفرا ودامرض جلديه طلاء مسود مو رافع قولنج برگش ماحق درد چشم
١٤٢	.	.	بياراگا	بيخی طويل زرد	ح ی ٢	.	.	.	.	محلل اورام رافع صداع ودم الصبيان وتشكوری وسرخی مين وجرب وكرم گوش ودندان وضيق دم رنده ويه اطفال امراض ناخن ومولد امير ورئيش مبتدی است بالا ب
١٤٣	.	.	بيپل	درختی عظيم معروف	ح ی	.	.	.	.	ضماد پوست ومغز محلل اورام نافع زخم نافعه برگش كرم كرده محلل دمل ومغز آن كه خود بسوخته گرمالگيرد تاب ابشه ترشيد رافع نفخ

[illegible]

	ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۴۴	.	.	بهتوه دبیهه	بعضی از کدو و معروف	تخم آن سار ۲	سرد وتر	عود هندی قرنفل	تربوز	تا ۲ توله	مدر طمث نافع زحیر و تنگی نفس و حرقت مثانه و نفث الدم و یرقان غلطه و حمیات حاره و دسهر و بسر و تسکین حرارت تقویت قلب و خفقان دل ۰
۱۴۵	.	.	ست هند	تخمی شلث براق	ب ل	نفاخ دیر هضم	شکر	ادمنگن	۴۰ ماشه	ممسک مزید منی مقوی اشتهاء ذکر ۰
۱۴۶	سیف	تخم دخانیه اکیسان	اندرامرغی کا	م	زردی آن گرم الخروج قلیل حرا	خوب بحر بر مرتب قولنج	انار	-	تا ۵ اعدد	قابض مقوی دل و دماغ و اعضا مبهی مانع نزلات حاره و نفث الدم و خشونت سینه و دشنا و فرطه گرده و سفید آن از صلاح الکموس کثیر الغذا سفیدی آن مسکن الاوجاع
۱۴۷	.	.	بیلگری	مغز بیل	ح ای ۲	مولد ابیسر و سده مولد تیحیش	شکر	سماق	۰۶ ماشه	مقوی دل و دماغ جگر و معده حابس اسهال کهنه و نفث الدم اسقاط لزوجات و حیض زیر آتش پخته مع نبات بچند روز ناشتا خوردن ۰

باب سوم در تاء مثناة فوقانیه

	ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۴۸	.	.	تالمکهانه	م	ح ی		.	.	۷ ماشه	مغزی مسمن مبهی ممسک دافع سدم استسقار سرد او جریان منی هرگاه مغز آن با برابر نبات سفوف کرده با شیر گاو بیند روز بخورند ۰
۱۴۹	.	.	تخم سروالی	تخمی سیاه زیره	.	.	.	.	۰۶ ماشه	مقوی دماغ جریان منی اگر مکیدا آنرا برابر نبات سفوف صبح هر روز بجوشند و کمیا و شیر گاو حالتیکه زرد بر آن بنوشند ۰
۱۵۰	.	.	تخم کونج	دوای هندی معروف	مع حب دی ۱	.	.	تخم اوتنگن	۷ ماشه	مقوی باه ذکر و مغلظ منی و جهت سرفه و خوا سیر نافع ۰
۱۵۱	ترید سفید	.	نسوت	م	ح ی ۳	اسهاد خرور و منی محفف	خر اشتیه و ترب تزدی برشه	عارقیو ان بوره	تا توره ۵ ماشه	مسهل منقی دماغ و معده رحم سینه نافع فالج و امراض عصبانی درد زانو و در سینه و ضیق النفس و خلط بلغم از چهار پوست و مالیخولیا و صرع ۰

۱۵۲	ع	ف	ہ	م	ط	مس	مص	ب	ق	افعال و خواص
۱۵۳	نرمس	بابلا آسمری	پہالو	تخمی ست	ح ا ی ۲	عرق نون اکساراً	لک و صمغ	تخم خربزہ اسفناخین	تاقوہ صلاحیہ	غنج مملل - آب بالی اشرہ مدر مسقط جنین ... دلکشف ... نافع ورم و سیرز ...
۱۵۴	ترنجبین ترنسالی	.	.	م	ت ر ا	سبزرز محرور	تمر ہندی عناب	شیر خشت شکر سرخ	تا ۲ تولہ و ماخذ	ملین تسکین دہ تشنگی ... سرفہ و ... سینہ ... ہای حارہ ... مسکین عطش ...
۱۵۵	تستمیزج رعۃ السودا	چشمک	چاکسو	دانہ سیاہ چوڑا بیدانہ مثلث	رح ی ۲	.	.	.	.	جبذ قابض مجلا نافع تقویت بصر ... دمعہ و غشاوہ ... باز عفران ... چینی بگلاب ... کحل نمودن انفع نافع جرب و قضبان
۱۵۶	تفاح	سیب	.	میوہ معروف	ترمیں آن ح ا ر ۲	اکثار نفاخ ہوشت پیت و نسیان	ترشی و عسل	سقر جل	تا ۳ تولہ	نرمہ مقوی دل و دماغ و جگر نافع خفقان و عسر النفس و تلطیف روح حیوانی و تقویت فم معدہ و منع الصاف فضول بعد ... مشتہی و سریع الاستحالہ بصفرا
۱۵۷	تمر	خرما	چھوہارا و کھجور	م	ح راد گرمیہ ی ا	محرور و مصدوع	آب انار و بادام	کشمش	.	مولد خون منی صالح مسمن ... مبرد و نافع لجہ و لقوہ ذکر و تصنیف حصا موافق سینہ و شش مقوی گردہ ... معض اخلاط رافع حمی بلغمی
۱۵۸	تمر ہندی وسیلہ	ابنلہ	انبلی	م	ب دکو مینہ ... ی	محرور صفرا سبز سورتہ	عناب بہدانہ کتیرا شیر	آلو سیاہ زرشک	تا ۱۲ تولہ	مقوی قلب الطف از اجاص ... غثیان وقی صفراوی ... طبع مسہل صفرا ... نافع تپہای حارہ غبنیہ و عطش ...
۱۵۹	تنباک	تنباکو	تنباکو	م	ت ی ۲	محرور دل و دماغ	شیر تازہ	.	.	مجفف معطش منقی رطوبات ... لفع ربو بلغمی ... رطوبی ضیق و نزلات دماغی و درد دندان قبض ظلمت بصر رطوبی و جرب متقرح ضماداً +
۱۰	.	تنبول	پان	م	ح ت ی ۲	محرور	نوفل ... کات آہک مجیدہ	تر نغل	ماخذ	مفرح ... مشتہی مقوی دل و دماغ جگر معدہ حافظ فہم ... دندان ... منقی ... رافع رطوبت ... بخر ... مصفی ... نافع ضیق باہ +
۱۶	.	تہتا	سہاگہ	م	ت ی ۲	مفسد دندان	سرکہ	نورہ مغنی	۲ مرخ	محلل جالی مسقط ولد ... رافع گوشت زائد و درد دندان ... قاتل کرم دندان ... و از جملہ سموم است +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص-
۱۶۱	سوهان حدید	تفال آهن	لوه چون	م	ح ی ۳	.	.	.	.	حابس اسهال و خون نافع خفقان و درب و ضعف باه و اگر لته بسته زیر زخم جای نمناک یکهفته گذارند که زعفران شود برای جرب مین و جلای تمرقش و باریحاد نوسادر برای سنج بیاس دسیل مجرب ست +
۱۶۲	توبال النحاس مغسول	تفال مس	دیگچون	زیره جوه شده مس نقره یقت کو لگن	ح ی ۳	آن رزنا باعث سنج و قرحه معا	.	.	۲ ماخه	ملطف جالی مفض فلاما مانع انتشار قروح خبیثه و جرب و حکه ملتحم قرحه بین نافع سبل و بیاض خشونت اجفان و درد کم زاید صلب جراحات و ستنا
۱۶۳	توت حامض	توت ترش	کمٹا توت	م	ب ۲ ی ۱	خشک آن عطش سینه	عسل و جوارشات	.	.	مطفی حدت خون قاطع صفرا قابض رادع مانع ریختن مواد بحلق و زبان مسکن عطش مشتهی غرغره آن نفع ادرع محلل مقوی حلق غرغره طبیخ پوست و برگش نافع خناق
۱۶۴	توت حلو	توت شیرین	میٹها توت	م	ح ا ر ۲	مسدد و معده	سکنجبین و خانجبین	آلوی بخارا	.	مرطب نافع مولد خون صالح مفتح سدد مصلح کبد مضا و سیر زموافق سینه و کشش سمن مبهی مدر بول ملین طبع مقوی بیه کرده نافع خفیه بخیش نافع حب القرع +
۱۶۵	توتیای احمر هندی	.	نیلا تهوتها	م	ح ی ۴	قی و تهیب باعث سوزش معده و دول	قی و غثیر و العبه	.	.	مسهل قوی نافع قروح جرد ج قصانه و مربها آب بنگره مخفف جرب رطب تو با تخلل اورام خبیثه رافع سوزاک با بریسه د آب ترز لعاه خراو
۱۶۶	توتیای کرمانی مغسول	سنگ بصری	کهپریا	م	ب ی ۲ دگو یند ب ۲	مسدد	عسل	سادج تربال انجاس صیلانی	۲ ماشه	مقوی چشم با هو حافظ صحت عین رافع سیلان چشم و قرحه چشم و بینی و قضیب و عانه و داها و سرطان متعفن دمدمیل رافع بوی بغل مجفف جراحات دردور +
۱۶۷		توری	ترکاری معروف	سب ر	نفاخ	.	.			منفخ بده بلغم خام رافع آماس عضد در رده بن دهن تقاولحال و تیز ام ولیه امیر و نشادلخم و صفرا و قرحه مجاری بول مقوی اعضاء
۱۶۸	تین	انجیر ولایتی	انجیر	م	ح ا ر ۲	جگر و سپرز	سکنجبین آب و فخیر	زبیب و مغز جلغوزه	تا ۲۰ دانه	منضج محلل جالی ملطف نطاع مسکن حرارت و تشنگی ملین طبع مسهل برق بهی حرق مبرزدل سرد نافع خفقان و ربو و سرفه و تر دو درم سیر زه +

باب چهارم در ثمار مثلثه

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۶۹	ثمرة الاثل	بارگز [illegible]	چھوٹی ماین	از درخت گز	ب ۳ ی ۲	۰	دوقو	ازدو تخم انار	تا ۹ ماشه	قاطع نزف الدم ونفث والدم وقابض وباشکر نافع در بول وضعف جگر [illegible] رطوبات [illegible] آکلہ وسہال وبول [illegible] نافع [illegible]
۱۷۰	ثمرة الطرفا	از مازج	بڑی ماین	معروف برگ از اندیه	ب ی ۲	اس	دوقو	مازو	۷ ماشه	رادع وباشکر [illegible] نافع قروح ریه ورطوبات رحم [illegible] نزف الدم [illegible] وتجفیف رطوبات رحم
۱۷۱	ثوم	سیر	لسن و لہسن	م	ح ی ۳	ببر مشوی محرق دم	روغن بادام وکشنیز	ثوم بری پیاز الغصل	۳ دانه	مبہی محلل حالی مخفف رطوبات مفتح [illegible] دافع [illegible] مصفی آواز وحلق رافع ربو [illegible] وجرب [illegible] در ربو حلق
										باب پنجم در جیم
۱۷۲	۰	جامون	پھلیندا	م	ب ی ۳ و گوئند ب ۲	معده وجگر ضعیف	تنگی امینه خوردن	۰	۰	مطفی حدت خون وصفرا حابس اسہال صفراوی مقوی معده وجگر مسکن تشنگی محرک [illegible] نافع [illegible] وقلاع [illegible]
۱۷۳	جاورس	کارس	ماجرا	جیجی ماکول	ب ی ۳ و گوئند ب ی ۲	مولد دم سوداوی	روغن شکر وشیر	شونیز ارز	۰	قابض مخفف قلیل الغذا دیر ہضم مقوی بدن [illegible] حابس اسہال [illegible] مدر بول [illegible] تحلیل نفع معده [illegible]
۱۷۴	جاوشیر	جوا شیر گاؤ شیر	۰	صمغی بدبو سرخ	ح ی ۳	انثیان	مرا خوره	تنه [illegible] شیر الجبر	۴ ماشه	مفتح سده محلل [illegible] ونوا [illegible] صلابات امراض بارده عصبانیه [illegible] وغیره [illegible] مقاتل [illegible]
۱۷۵	۰	چاے خطائی	۰	م	ح ی ۲	محرور ریحا [illegible]	شیرینی	۰	۰	مقوی قوی واراح ودماغ مسرد [illegible] ومنشط وملطف ومقطع ومفتح ومنفح معرق مدر بول مصفی [illegible] دافع امراض قلب سر [illegible] نافع [illegible]
۱۷۶		جبن	پنیر	م	تازه ب ر ۲	مسدود مبرود	عسل معتبر نوبارع	تنها ہترو وبلیلج	۳ تولہ	جالی مسمن محلل ہاضم ملین طبع مولد خلط صالح خون مقوی معده وگرده حابس اسہال مزمن نافع ورم [illegible] باعث نرمی جلد

[illegible]

	ع	ش	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۷۷	جدوار خطائی	زرد آب و ماہ بروین	نربسی	نیم بیخ و تخم گلی بقدر انگشت	ح ی ۳	باعث جراحت امعا	سکنجبین و خمیرہ آہن	در تفریح زرنباد	۲ ماشہ	مفرح مقوی قوی و اعضاء رئیسہ و احشا دافع مرہ یا و زہر سموم مفتح ملطف منضج مسکن اوجاع محلل مسمن مشتہی بہی منعظ مدر غرمت نافع صرع +
۱۷۸	جزر	گرزر و زردک	گاجر	م	ح ر ۲ ر ۲ و قیلی ح ۱ ر ۱	بطی الہضم نفاخ محرور	ادویہ حارہ و آبکامہ	شلغم	تا ۵ تولہ ہم ماشہ	بہی مزید منی منعظ الملطف مفتح مقوی معدہ ملین نافع برائے قطع بلغم و سرفہ و درد سینہ و معدہ و جگر و اخراج سنگ گردہ و مثانہ مدر نافع استقا
۱۷۹	۰	چکیے	کٹھل	م	تمر آن ح ی ۲	دیر ہضم آفتیل	نمک تخمش را کردہ آن بعید دہد		۰	بہی منعظ مسکن تشنگی و حرارت ممسک نفاخ منفسہ معن غلیظ سوداوی و بناشتا نخورند اگر برگ نازکش روغن گاو تازہ مالیدہ تم گہرا بند ملتئم گردد +
۱۸۰	جلنار	گلنار فارسی	۰	گلنار بری غیر شمر	بی ۲ و گویند ب ای ۲	منفرع مسدد	کتیرا	شگوفہ انار تازہ رشیہ انار جفت بلوط	۲ ماشہ	قابض حابس سیلانات مجفف اورم نافع لثہ دامیہ زلق و قروح امعا و سحج و سیلان رحم و نزف الدم جمیع اعضا و بواسیر و بد بوئی دہن اطلاع و جرب استحکام لثہ و دندان +
۱۸۱	جلنجبین	گلقند	۰	م	ح ۲ ر ۱	کبد مسدد معطش	خشخاش	۰	۱۰ ماشہ	مقوی دماغ و معدہ دافع صعود ابخرہ دافع دسواس جنون و دوار صدر و صداع و ضعف بصر نافع محرور در جوان و سل و فالج و مسہل +
۱۸۲	جمیز	انجیر آدم	گولر	م	ح ۲ ر ۱	ثمرش معدہ و نفاخ	ہیسون و سکنجبین و آب تمر	۰	۰	ثمرش نافع مرض میسی و درسینہ و گردہ و سپرز و دماس [illegible] برگ و شاخ و ثمرش با شکر نافع ربو و ضیق و سدہ کہنہ [illegible]
۱۸۳	جند بیدستر	آش بگان	خایہ و دباد	خصیہ حیوانی آبی	ح ۳ ی ۲	محرور	شربت بنفشہ	رج زرنباد دار قلفل	تا ۳ ماشہ	مفتح سدہ محلل تریاق دویہ باردہ نافع امراض [illegible] دماغی و عصبانی چون لقوہ و صداع و [illegible] رعشہ و صرع و [illegible]
۱۸۴	جلبا نار رومی	گوشاد	پکمان بید	نیمچی دراز سرخ	ح ی ۳ و گویند ح ۳ ی	محرور سینہ	اسقولوقندریون	قسط زراوند بیخ کبر اسارون	۴ ماشہ	ملطف جالی محلل منقی مفتح سدہ مسکن اوجاع بارد [illegible] نافع زہر [illegible] جگر و سپرز و حصر بول +
۱۸۵	۰	۰	چوب چینی	نیمچی معروف	مرابلی بہ رح	محرور	۰	تخم شبہ مغربی	۶ ماشہ	مقوی حرارت غریزی و اعضاء رئیسہ و [illegible] نافع آتشک و [illegible] +

#	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۸۶	جوز	گردگان وچارمغز	اخروٹ	سیوہ معروف	ح ۲ ی ۱	حریب گرم حلق دلو زمیں	سکنجبین و آب انارین	جوز ہندی وحبة الخضرا	تا تولہ ۱ ماشہ	سہی لین طبع محلل مقوی اعضائے رئیسہ مشوش قابض نافع آماس سر یوبیران وخون بواسیر وجرب ودسر فہ ودوحہ مخرج کرم معدہ مسکن مغص نافع تخمہ +
۱۸۷	جوز بوا جوز الطیب	جوز بوبالی	جای پھل	م	ح ی ۲ و قیل ی ۳	جگر و ریہ و مصبوع ومحرور	نعناع سکی و کتنہ	بسباسہ و سنبل الطیب	تا ۹ ماشہ	قابض مفرح ملطف حافظ حرارت غریزی ہاضم مقوی معدہ دفم آن وجگر وباہ مبرد ورافع اوجاع مفاصل وصلابت جگر وسپرز ویرقان ودق وسبل +
۱۸۸	جوز السرو	بارسرو	.	ثمر درخت سرو	ب ی ۳	سرد مصفی رو	عسل و روغن بادام	بیخ انار و انزروت	۱۰ ماشہ	مقوی اعصاب ناشف رطوبت مقوی معدہ مبرز دہن دامعا قاطع نزف للدم ممسک منی حابس لطن نافع لسیان دسرفہ +
۱۸۹	جوز القی	.	مین پھل	ثمرے معروف	ح ی ۲	.	.	بورہ و خردل	۳۰ ماشہ	منقی بلغم مسہل نافع امراض دماغی وعصبانی نحو فالج ولقوہ وغیرہ ضمیں وسرفہ محلل ریاح ونفخ شکم رافع جذام ندماییل محلل اورام مبلبہ منضج آنہا ۱۲
۱۹۰	جوز الاثل	تاتورہ	دہتورہ	م	ب ی ۴	صورت جنون وفساد وفکر	فلفل وزرازیانہ وعسل	معاج	۲۰ رتی	سموم مخدر مسکر مسکن صداع حار وکہنہ اراوج اورام حارہ سدہ نزلات نافع ریختن مو واعضا وبواسیر مجفف رطوبت باغریہ ۳۰ ماشہ ان +
۱۹۱	.	.	جلالی	ثمرہ معروف	ح ی	.	.	.	.	سریع الہضم دافع صفرا دعرق بدنی یکمثقال حضض ہندی ودنار قیقرآب بخش سائیدہ حب بقدر فندق لبستہ یکحب باآبش خوردن نافع بواسیر سائلفائل

باب ششم در حاء حطی

#	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۹۲	حاج	شترخار	جواسا	گیاہی ترنجبین	ح ی	گردہ	کتیرا	حندقوقا	۵ ماشہ	رادع جالی مفتح تریاق سموم رافع بواسیر شربا وضماداً وبخورا وسوزاک ودوران سر وفساد صفرا وخون ومدر بول وخارش نافع وجع مفاصل عرق النسا بازدہ +
۱۹۳	حاشیش	حسن تابیتہ	.	نباتیست بوتہ نرم وسفیدہ معاب بہرکنار داز شفتی شرح	ح ی ۲	گشنیز ۳ ماشہ	فی	.	لابوکل	مفرداً ومجمعاً با دیگر مصفیات ضماداً بر روے ساختہ باب گرم شستن بغایت محمر ومصفی رو وبغایت جالی ومصفی رخسار ومحرق داز فرمین اقوی +

[illegible]

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۱۹۴	حب الآس	تخم مورد	۰	تر دنیت سرد	ب ی ۲	صداع حار زکام وسہر	گل بنفشہ تر	برگ توت وافاقیا	تا ۱۰ ماشہ	حابس نزلات واسہال عرق مدر بول محلل قابض قاطع نزف الدم خون حیض تریاق سموم مقوی معدہ ودل واحشا رافع ذرب +
۱۹۵	حب البان	۰	ریحان کیچ	دانہ مغز در طلائی	ی ۲	جگر ومعدہ	رازیانہ	سلیخہ بسباسہ	۲ ماشہ	مفتح سدۂ جگر وسپرز مسہل بلغم رافع رعاف محلل اورام مستحکم لثہ رافع مواد سودا ویہ بلغمیہ وجرب وحکہ وتشنج وسلفہ وکلف وصلابت جگر +
۱۹۶	حب البقر	ملنگ کادی وکنکب وکاودنہ	مٹر دکلا لو	م	ح ی ۲	مدر خون وحورث اسہال الدم	گلاب وگل ارمنی	لوبیا	۱۰ ماشہ	مفتح سدہ مقطع بالی مرقی سینہ وشش وریہ محلل علامات پستان مسہل ومسکن مغص وزحیر رافع عسر البول ونار فارسی واستسقا مبرز دلست بی وتی رو
۱۹۷	حب بلسان	تخم بلسان	۰	تخمی قدر فلفل	ح ی ۲	شانہ	کتیرا	عود بلسان سلیخہ	۲ ماشہ	مقوی معدہ وہاضمہ نافع صرع سدر دوار تعش نافع من مغص ودرد معدہ ودمہ ریہ واستسقا وامراض سوداوی وبلغمی وضیق ونفخ مفتح ومحلل ریاح +
۱۹۸	جتہ الخضرا	ن	۰	تر وتیت بطمہ	ح ی ۳	محرور مصدع ودماغ	لعاب کتیرا سکنجبین	مغز بادام چلغوزہ پستہ گان	تا قوت ۵ ماشہ	مقوی جو من جگر وسپرز مقطع سدہ نافع تیہج ناف من گردہ مسکن اوجاع باطنی مخرج کرم معدہ مدر محلل نفخ نافع فالج ولقوہ وعرق النسا وکتقا بامر کہ +
۱۹۹	حبۃ السودا	شونیز دیا دانہ	کالی منگریلا	م	ح ی ۲	گردہ وسوزش خناق	مہرگا کتیرا	اشبہوبہ تخم شبت	در میزد ۲ ماشہ	مدر مسقط جنین مسخن محلل مفتح سدہ مسکن جالمجمر و تخرج دیدان نافع بہای کہنہ وتقلیت حصاة بیق برص قروح سرفہ وزکام وسپرز نفث ومحلل ریاح +
۲۰۰	حب الخروع	تخم بید انجیر	ارنڈی	م	ح ی ۲	مغثی ومرخی ومکرب	کتیرا لبوبیہ مصطگی	مشتران	تا ۱۰ عدد	مسہل قوی بلین عصب محلل منقی عروق مقوی اعضا نافع فالج ولقوہ ورعشہ صرع وضیق بسرفہ بارد وامراض باردہ نافع حیض مخرج مشیمہ +
۲۰۱	حب الرمان	انار دانہ	۰	م	ب ی	۰	۰	مناق	۰	ترش حشک کردہ قابض حابس شکم مانع دمعزاوی ازاعصاب سوای حشاوقی وغثیان مقوی فم معدۂ حار +
۲۰۲	حب الزبیب	دانہ مویز	۰	م	ب ی ۲	ردوہ	کشتیز	۰	۰	شکم بند وقابض مقوی معدہ رطب وامعاء +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
٢٠٣	حب السفرجل	بهدانه	بہی کے بیج	م	ب ر ٢ د قیل ٣	مصفف و مرخی معده	شکر و رازیانه	بهرزقطونا	تا ٩ ماشه	قابض رافع خشونت حلق و جریان حیض و سرفه حار و عطش و حرارت معده و تنها و سوختگی نار و خشکی و خراش زبان و دہان و سل و قرحه معا و ذرب و سلسل البول و تلیین و ترطیب تقیه و ابدء +
٢٠٤	حب السلاطین	تخم بیدانجیر خطائی	جمال گوٹه	م	ح ی ٤	محرور و قاتل	مدبر کردنش	.	عدد	مسہل مقطع جالی جاذب رطوبات دماغ مفتح نافع امراض بارده و استسقاء و یرقان و سنگ گرده و مثانه و نقرس و وجع المفاصل و درد کمر و دود کمین +
٢٠٥	حب السمنه	نقل خواجه	چرونجی	دانه سیاه بقدر فلفل	ح ٢ ر ١	بطی النزول و تقیل و رریه	سکنجبین و شہد و مسکه	کسته و کنجد	توله و ا ماشه	کثیر الغذا احریره اش بابادام و شکر بہی مسمن با ماء العسل مسهل بلغم و صفرا منفذ جالی معدا بشره دافع مره صفرا و غلیان خون و عطش +
٢٠٦	حب الصنوبر	تخم کاج	.	م	ح ی ٢	سرد کرتر ه معده و مغص اور	حب رمان آب گرم اجسام و بدن	مغز بادام تستقاقل	توله	منضج محلل مسمن مقوی معده و گرده و مثانه رافع استرخا و ضعف بدن و بعفنت رطوبات فاسده ریه و مزید منی بالکنجد وقند +
٢٠٧	حب الفقد	تخم سنبهالو تجنگشت	سنبهالو کا بیج	م	ح ی ٢	گرده و مصدع و مجفف منی	صمغ عربی و ترنجبین	شاهدانه	٣ ماشه	قابض محلل مفتح سدد دماغ و کبدی ملطف نافع یرقان و غش و خفقان و قرا لطیس بماشه آن با سکنجبین محلل ورم سپرز و استسقا و سرگرد و بار کرنما و ا نافع جنون و زحیر بارد +
٢٠٨	حب القرع	تخم کدو	کدو کا بیج	م	ب ٢ ر ١	مثانه نزد بعضے	تخم کرفس	تخم ہندوانه و کتیرا	تا ٢ توله ٧ ماشه	مغز مسکن خلط صفرا و مسمن رافع خشونت سینه و حرقه مثانه و امعاء و نفث الدم ریه و سرفه حار و تشنگی و تپہای حاره و مثانه و حرقة البول +
٢٠٩	حب القلقل	پنبه دانه	بنوله	م	ح ر ٢	گرده	بنفشه خمیره	تخم کنگر	تا ٣ توله ماشه	مغز مفرش ملین سینه و شکم دافع سرفه حار و بیخی مبرد و بادام چینی و شکر و محرور با سکنجبین و دافع ضیق النفس و ربو و حیرت برای سینه +
٢١٠	حب القلب حب الغم	بلادر	بهلاوان	م	ح ٣ ی ٤	محرور و مہیج اعضای	مغز نارجیل و اشیاء بارده	فندق و نفط	تا ١٠ ماشه	مفرح جالد مسخن محلل ملطف نافع امراض بارده و بلغمیه و سیلان منی و قطع ثالیل و برص و سلسل البول و تقویت اعصاب و باه و سسکو سود +
٢١١	حب القلب	بانس ہندی	کلتی	م	مع ٣ ی ٢	ریه	عسل	.	٣ ماشه	مفتت حصاة گرده مشہی طعام رافع فواق و در بول و حیض مجفف منی و بواسیر منقح سدد و سپرز و قولنج و ضماد ش محمر و خسار و قطع کننده سنگ بر دبالند +

	ع	ت	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۱۲	حب الفیل	.	کانادانه د جاره مرجه	دانه سیاه مثلث	ح ی ۳	تاریب	برای کرده و طلیا دوام	تخم حنظل	تا یو ماشه	منضج سده جگر و سپرز مسهل تنقی بدن حالی بهتی و برص و جرح انسام حب القرع و دیدان نافع اوجاع مفاصل و نقرس و جرب و قروح و تنقیه بدن +
۲۱۳	حجر الاعرابی	سنگجراحت	سرگوله	سنگی شبیه بصابون	ب ی	.	.	.	ماشه	نافع نزف الدم جمیع اعضاء و جراحات و ذرور او ضماد اجالی دسلون محرق آن جالی دندان محکم لثه رافع درد سینه و اسهال مجفف جراحات .
۲۱۴	حجر المغناطیس	سنگ آهن ربا	بجمک تیهیر	سنگی لاجوردی	ح ای ۲ و قیل ب	.	.	.	۲۰ ماشه	مقوی جگر و سپرز نافع فالج و اوجاع مفاصل و عسر ولادت و سپرز و ازاله حصات و رفع اسهال و نزف الدم و نقرس و اصلاح جراحت آلات آهنی زرد
۲۱۵	حجر الیشب	سنگ یشم	.	سنگی سبز مایل بزردی	ب ی ۲	.	.	.	۳ سرخ	مقوی قلب و معده و رافع زهر و حرقت بول و نزف الدم و قروح باطنی تعلیقش بر ران مسهل ولادت و در دست نافع سحر و چشم زخم و بر دل نافع خفقان
۲۱۶	حجر الیهود	سنگ جهودان	.	سنگی بلوطی یا طولی خطوط متوازیه	ح ا ی ۲	معده و سپرز و جگر	تخم کرفس و عسل و صمغ	برای النقرس مس	۱۰ ماشه	مفتت حصاة کلیه و مثانه نافع تولید شن در بول رافع عسر آن نفعا جید از ذبح آن لسبته مثانه و یابنده سوی ابراه ملتئم جراحات طین نافع نقرس
۲۱۷	حرف و حب الرشاد	.	مسرسون دهالم	دانه بقدر خردل مدورت	ح ی ۳	گرده و معده	شکر و خیار	خردن رخم تره برگ	توله ۲ ماشه	بغایت محرک باه مدر بول محلل منضج طین نافع درم بلغمی و جرب منفتح دو تاه و نار فارسی و عرق النساء و استرخاء اعصاب و اخراج کرم معده +
۲۱۸	حصی لبان اسحاق	حسن لبه	لبان	صمغی خوشبو با آتش سوزند	ح ۲ ی ۱	محرور مصدع	روغن بنفشه و خشخاش	لادن مصطکی	تا ۲ ماشه	مفرح مقوی قلب و معده و شربا و بخور اعالس نزلات مقوی لثه و دلالت تناسل رافع اعضاء تنقیه و درد گوش باز قطور ان دمفص و مجیب رطوبات +
۲۱۹	حضض هندی	.	رسوت	م	ح ب و ی ۲	سپرز	انیسون و حاما	صندل و فوفل	۳ ماشه	رادع و قابض محلل بسر در افواه اورام باطنی و ظاهری و اسهال و قطع سیلان رطوبات و عرق و در جگر و سرد دهان و دم سپرز و زخم و ابسیر و مدر حیض
۲۲۰	حلبه	تسلیت	میتهی	م	ح ای ا و قیل ح ۲ ی ۱	انقیان	سکنجبین انیسون	بزر کتان	۵ توله ۱ ماشه	منضج لین محلل مرخی مدر بول مصفی آواز نافع ربو و عسر النفس و بواسیر و استسقاء و ورم و سپرز و درد کمر و سینه و ضیق و جهت ملطف مقوی اسهال و اورام صلبه

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۲۱	حلتیت	انگزد دانگوزہ	ہینگ	م	ح ۴ خی ۲	دماغ جگر سفل محرور	اناریں کثیرا انیسون نخلشہ	دلوقیر سکبینج	۲ ماشہ	کاسر ریاح مبہی مصفی صوت محلل مسمن نافع امراض دماغی وعصبانی مانند صرع وتقدد گوش وصین وہینی طحال شق برص وحبگر ومعدہ وسینہ ودندان +
۲۲۲	حاحم	.	کلمعہ	بنائی بستانی خوش منظر	ب ی ا ح ۲	مثانہ	کندر	لبستان افروز	۱ ماشہ	راس ہواتع سدہ دماغ وزکام تحشش مقوی دل برشتہ آن بارمغن گل وآب جالسیل سہال مزمن ابرگش نافع حرق نار ضماد او محلل مسکن حرارت جگر ومعدہ
۲۲۳	تام	کبوتر	کبوترہ	م	ح ۲ ی ۱	محرور محرق دم	سرکہ کشنیز	.	.	گوشتش نافع لقوہ وعاعشہ وفالج ورستر خاز وحدر وکم استسقا دتی وطبلی وتقویت باہ گردہ ومعدہ ودماغ وتولید منی وسمین وتولید دم صالح +
۲۲۴	حمص	نخود	جنا دبونٹ	م	حرلوگو ینڈ وگوینج ب	قرحہ مثانہ ونفاخ مولد ریاح	خشخاش زیرہ سکنجبین سبت	لوبیا ترمس	.	اعادہ کنندہ باہ یوسین منفتح سدہ مفتت جالی طین طبع واورام مدربول وحیض مقوی حرارت غریزی مولد خون صالح مسمن مشتہی مبہی کثیر الغذا مصفی صوت
۲۲۵	حنا	حنا	منہدی	م	ب ی ۲ و مرکب القوی	حلق وریہ	کثیرا ولعاب اسبغول	.	۴ ماشہ	مصفی خون طلا برگش نافع شقیقہ وصداع ریحی وبیضہ وقروح سر مضمضہ مطبوخش نافع قلاع اطفال وقروح دہان وغیر حق با شکر رافع جذام وسنر بول
۲۲۶	حنطہ وبر	گندم	گیہوں	م	ح ۱ ع ری	مولد ریاح سدہ ودیر ہضم	سر کہنہ	.	.	مسمن کثیر الغذا منضج ومائل محلل اورام مبہی باشکر وبادام نافع درد سینہ وگردہ ونفث الدم وسرفہ مغز زنان حاملہ مولد کرم معدہ +
										باب ہفتم در خای معجمہ
۲۲۷	خبث الحدید مدبر مغسول	ریم آہن	لوہیا گوہ وکیٹ	جزیرہ کہ بعضے گرآخت آہن جدا شود	ح ۲ ی ۳	سشش	کثیراد عسل	زعفران کوکب ہیست تخم مرغ	۴ ماشہ	مجفف مقوی معدہ وقلب ودماغ مانع سیلان دم طلقا مبہی محلل اورام مصفی صوت نافع سلسل البول وقرحہ امعا وقرحہ مثانہ +
۲۲۸	خجبر	خاکسی	خوبکلان	تخم زیرہ معروف	ح ۲ ر ۱	مسبع	کثیرا	تودری درباہ	تا ۹ ماشہ	مبہی مشتہی محلل مقوی معدہ رافع جدری وحصبہ وتری وہیضہ صفراوی ونفث اخلاط سینہ وریہ وسرفہ دیگر وحمی اورام صلبہ مصفی رو +

[illegible] اصلاح [illegible] مجرب [illegible]

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۲۹	خربق اسود	۰	کٹکی	بیخی سیاہ برگرہ	ح ی ۳	گردہ ومحرور	کتیرا وصعتر ومصطگی	بیخ کرفس وزرنباد غاریقون	۲ ماشہ	محلل ملطف مسہل نافع امراض باردہ رطوبتیہ ونزلات مزمنہ و درد دندان وبہق وبرص ولوجاع مفاصل وثائیل منقی سینہ ومثانہ وشکم واحشا +
۲۳۰	خردل	۰	رائی	م	ح ی ۲	محرور ومقشی	کاسنی وروغن بادام	تخم تنلغم حرمل	۱۰ ماشہ	مہی جالی مصفی رو ومحلل رطوبات وسایر اعضا ہاضم منفح مقتت بزنافع فتیر عرس وفالج استرخا ودرد جگر و سپرز وتسکین بخ لاسع مرع وسکتہ ودوم سپرز +
۲۳۱	۰	۰	خس	ریشہ کہ ازان خسخانہ سازند	ح ی ۲	۰	۰	۰	۴ ۱۰ ماشہ	مقوی قلب ودماغ بارد ومفرح +
۲۳۲	خصیۃ الثعلب	ثعلب مصری	۰	بیخی سفید از بیضہ ثالیثی مغز بادام سورنجان	ح ر ۱	غم معدہ	شکر	تخم زردک در طب	۹ ماشہ	مبہی مولد منی ودم صالح منعظ نافع کزاز وتشنج یابس وتر مقوی عصب ریاہ نیزہ موقایم مقام استعقور +
۲۳۳	خل	سرکہ	سرکہ	م	مرکب القوی بیرو سوداوی ب ی ۳	بیرو سوداوی وماء وسعال	شیرینیہا	آب لیموں	۶ تولہ ۱۰ ماشہ	منتہی قابض مجفف سریع النفوذ ملطف قاطع اخلاط غلیظ مزف الدم منفح سدد مقوی دماغ نافع سرسام ونہریان درد گوش وسپرز وتشنگی +
۲۳۴	غلاف	بیسد	۰	درختی معروف	گل ب ماتمر برابر گ ی ا	تہیگاہ	گلاب وشکر	عرق نیلوفر	۵ تولہ ۱۰ ماشہ	منفح سدہ جگر ملطف دافع خفقان وتشنگی وضعف معدہ حارہ وتپہای محرقہ وجمیع امراض حارہ ودرد صداع مقوی قلب ودماغ حار برگش رابع قابض +
۲۳۵	خندروس	ذرہ مکہ	جوار	غلہ معروف	ع حب وقلیل ماثل بحرارت قسمے ۲	ثقیل ونفاخ	۰	ندہ	۰	قابض طبع رافع سل وسہال غذا الیش بردار غذا کے اخلاط ولزج ومحلل بلغم وخون لیتہ غذا کا وضما بارکہ بچتہ اش رافع جرب متفرح وتقشر ناخن +
۲۳۶	خولنجان	۰	کلیجن	بیخ درخت تنبول بگرہ	ی ۳	مصدع محرور ودل وجگر کسینیہ	صندل ونباتسیر	دارچینی وکبابہ	۶ ماشہ	مبہی مقوی معدہ واحشا ہاضمہ وباہ کاسر ریاح مصفی صوت ممسک بول نافع سرفہ بلغمی وبدبوی دہن ودرد کمر وگردہ وقولنج وخنازیر وسرطان ومنعظ +
۲۳۷	خیار شنبر	خیار چنبر	املتاس	سیاہ پھلی	ح ر اقبل مع حر	مسدد ومغثی وموذی شیخ	مصطگی انیسون روغن بادام	موید مغثی ترنجبین	۷ ماشہ	مسہل ملین طبع وسینہ محلل اورام حارہ موافق زنان حاملہ نافع سدد مفاصل ونقرس ربیع خناق وتفتیح درد جگر ویرقان وتپہای حارہ مدخیر مفص +

	ع	ت	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۳۸	خیری	شبو	.	نباتی معروف	حی ۲	مصنع	روغن گل وسرکہ		تولہ ۲ ماشہ	محلل مدر جالی ملطف جذاب مسکن فواق تمر بشن بمقدار ۱ ماشہ آب بائیدہ مدر حیض ومخرج جنین مردہ مشیمہ نافع بیاض چشم اکتحالاً طلاے بخش با سرکہ نافع ورم ۲+ شرا
										باب بیستم در دوال مہملہ
۲۳۹	.	دابستیشعان	کاکی پھل	پوتی نند سایفیہ	ح ای ۲ و گوینذ حی ۲	سرد در دستگر	مصطگی	انساردن زرآؤند جح	۷ ماشہ	قابض محلل رباح مانع نزلات مجفف رطوبات مقوی اعصاب ومثانہ مفتح مخرج جنین نافع سعال وتپ وبواسیر وجریان منی در معدہ بارد وتلاع +
۲۴۰	دارچینی	دارچینی	دال چینی	پوست خوشبو معروف	حی ۲ و گوینذ ۳	شانہ ومع محرز	کتیرا و اسارون	کبابہ سلیخہ خولنجان	تولہ ۵ ماشہ	مفرح ملین ملطف مفتح حافظ قوی نفسانیہ وحیوانیہ وطبعیہ محلل ریاح مدر مسہی نافع خفقان وکلف واستسقاء میرز جنون وسرفہ بلودہ نفع +
۲۴۱	دارفلفل	فلفل دراز	پیپل	م	حی ۲ و گویند ۳ گویند رحم سوی ۲	سرد مصنع	صمغ عربی صندل	زنجبیل زیادہ فلفل سفید	۴ ماشہ	مفتح سدہ جگر وسپرز وہاضم محلل مواد باردہ ریاح خریدنی مدر بول وحیض ومسقط جنین نافع امراض باردہ وشبکوری با جگر گوسپند مشوی ومقوی معدہ +
۲۴۲	دارہلد	دارچوبہ	اتیہ ہلدی	چوبی زرد	حی	.	.	.	.	زلوغ محلل نافع امراض دہان وگوش وتعنیت حصاۃ ومبسن البول وتپ بلغمی وقروح وجرب وخارش ومل جراحات وتجربہ فقیر مصفی رخسار +
۲۴۳	درونج عقربی	.	.	بیخ گیاہیست عقربی	حی ۳	محرور مصنع	رازیانہ نشاستہ	زرنباد قرنفل سورنجان عاقرقرحا	۲ ماشہ	محلل کاسر ریاح رحم وغیرہ مفرح مقوی قلب تریاق سموم مسکن درد رحم نافع خفقان ومالیخولیا وزہر عقرب وغیرہ ودرد سینہ مسکن حیض لادت جنین خارج
۲۴۴	دم الاخوین رقاطر الدم	خون سیاوشان	پیرلودکبی ورنگ ریت	صمغی سرخ	بی ۲ و گویند ی ۲	گردہ	کتیرا	شافی عصارہ	۴ ماشہ	حابس دم ملحم قروح وجراحات شمشیر وغیرہ حابس اسہال مقوی بصر ومعدہ ولثہ نافع زحیر وبیخ وشقاق مقعد وقرحہ چشم وامعاء ودرع سیلان فضول +
۲۴۵	دوقو	-	.	تخم گزری بیت بخش شقاقل	ح ۳ می ۲	باہ محرور ومثانہ	کتیرا مصطگی	تخم زردک تخم کرفس	۷ ماشہ	مفتح مدر بول وحیض وعرق مقوی معدہ وہاضمہ محلل نافع مرض کہنہ فضول سینہ وبیخ اطفال انشقاق مقعد وقرحہ چشم وامعاء ودرع سیلان +

[illegible]

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۴۶	دیک و دجاج	خروس و ماکیان	مرغا مرغی	م ا	ح ا تر ـ	بامعدہ گرم دیر ہضم	ابازیر حارہ	-	.	مولد خون صالح مفرح منی و عقل کثیر الغذا اسفنطا سمن نافع وشرہ بوجع مفاصل شوربا جوجہ اش موافق ہر سنی بالخصوص مجمعین کی بعد فراغ دماغ ایہ
	باب جیم درراء مہملہ									
۲۴۷	رازیانج	بادیان	سونف	م ا	ح ۲ ی او گوبندی ۲	محرور	صندل کافور سکنجبین	تخم کرفس	۹ ماشہ	منضج مدر مفتح مسمن محلل ریاح مولد شیر نافع سرفہ و ربو قولنج و سعال مزمن و عمٰی کہنہ و تقطیر بول و غثیان و حرقت معدہ درد جگر +
۲۴۸	راوند	بربوند	ریوند چینی	بیخ ریباس	حی ۲	مضر نہار و ضعفا	صمغ عربی	گل سرخ و سنبل	۱۱ ماشہ	ملطف جالی منضج مقطع مجفف قابض مسہل اخلاط مدر بول و حیض مفتح محلل ریاح و نفخ گردہ و مثانہ و رحم مسکن درد آنہا نافع سرفہ سل و الم کبد
۲۴۹	رب السوس	عصارہ مہک	.	م	حی ۲	.	.		۳۰ ماشہ	نافع ربو و خشونت سینہ و حلق والتہاب معدہ و نزف الدم و نفث الدم و مصلح مسہل و لینی ادویہ دفع تشنگی و ضیق و سرفہ و حمیات مزمنہ +
۲۵۰	رال زراد	زرنب	بھگاری و تالیسیہ	برگ تناتی	حی ۲	محرور ضعیف	کشنیز	دارچینی یا سلیخہ قاقلہ	۷ ماشہ	مفرح قابض محلل ریاح ملطف مقوی معدہ و جگر و ہاضم و اعضاء رئیسہ دامراض عصبانی نافع سدہ و ضیق و تصفیہ آواز و قولنج و اندمال و عسر بول +
۲۵۱			صکیدر	م ا	حی	.	.	.	۲ سرخ	نافع آتشک و جذام و زنار فارسی و کلی و قروح مثانہ و کلیہ و مجاری بول و ناسور بینی و خنازیر و سرعت انزال و ضعف باہ و سل و دعاۃ +
۲۵۲	رمان حامض	انار ترش	ھنارلنا	م ا	بی	باہ و معدہ سرد	انار شیرین و زنجبیل عرقی	.	.	قابض قاطع صفرا مسکن حرارت معدہ و جگر و جوش دم و صفرا مدر بول نافع صعود بخار و رفع خمار و قی و خفقان حار و قروح خبیثہ دہان و قلاع +
۲۵۳	رمان حلو	انار شیرین	مٹھا انار	م ا	سرد و قلیل رو باعتدال	مفسد غذا محرقی معدہ	انار ترش و زنجبیل مربی		.	قابض مواد اخلاط صالح جالی مفتح لین بطن و سینہ مدر بول نافع استسقاء زقی و سوء القنیہ و تقویت جگر و سبز و یرقان و سرفہ حار و خفقان مجرب +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۷۵۴	.	ریشه خطمی	.	م	بر	معده و ریه	عصاره زرشک و عسل ارمانی	خبازی	۱۰ ماشه	ملین محلل رادع زحیره و قولنج و سده امعاء اسهال مفرط و حرقة البول و امعاء عقد ورم و قرحه آنها و سرفه حار و نفث الدم و اسهالات دموی
										باب تاسع در زاء معجمه
۷۵۵	زبد	مسکه	مکهن	م	حرا	مضعف قوت معده و مسقط اشتها	نمک و شکر و قوابض و عسل	شیر تازه بجوشانیده	۲ توله و ۹ ماشه	ملین منضج مسمن مرخی محلل مسکن اوجاع داخ سرفه حار یابس با بوره و شکر ذوات الجنب و الریه و نفث الدم و قذف المده ... جلد علق و اورام ظاهری و باطنی +
۷۵۶	زبد البحر	کف دریا	سمندر پهین	م	ح ی ۳	صوت و سفید و قصبه ریه	کتیرا و ... و لعاب اسبغول	جز قیشور	... رتی	قاطع فی لاقی بیاض چشم جالی بهق دندان برنج کلف بهق نمش و داء الثعلب قوباء آثار و نبور و جرب متقرح و امراض جلد و قروح ...
۷۵۷	زبیب	مویز	منقی	انگور رسیده خشک شده	ح ۱ ر ۱	مضر گرده و محرق دم	سکنجبین عناب خیار تخم	کشمش	۲ توله و ماشه	ملطف مره صفرا منضج ملین طبع محلل جالی معده و امعا مسمن مقوی جگر و با مبرد دافع سرفه و امراض مثانه و قرحه امعا و تقطیر البول موافق قصبه ریه +
۷۵۸	زر آوند طویل	زراوند دراز	.	بیخ دراز مائل بسرخی	ح ۳ ی ۲	جگر و سپرز	عسل	زنجبیل و فلفل زراوند مدحرج	۹ ماشه	جالی محلل مقطع منقی مفتح حصاة مدر بول و حیض ... سموم قاتل کرم معده و حب القرع رافع ربو و سل مخرج جنین ...
۷۵۹	زراوند مدحرج	زراوند گرد	.	بیخ مدور بهن	ی ۲	سپرز تخفیف اعصاب	عسل روغن کدو و بنفشه	زراوند طویل و زرنباد	۲ ماشه	محلل ملطف منقی سینه و قصبه ریه معده و دماغ نافع صداع و صرع و جنون و ربو و ضیق و سرفه مزمن و یرقان و نقرس و فواق
۷۶۰	زرنباد	.	کچور و نرکچور	م	ی ۲	دل مصلح و اکثار	نبات صندل سنبل الطیب	بوزیدان و درونج	۲ ماشه	مفرح مقوی دل و دماغ و معده منفخ ... مسمن جالب ... و اسهال مدر بول ... مسهل سودا نافع زحیر اطفال و خفقان ... رحم و درد دندان و خنازیر +
۷۶۱	زرنیخ احمر	.	منسل	کوهی اگر	ح ی ۳	احشا و معفن	پوست هلیله زرد	زرنیخ زرد و کبریت	۱ ماشه	محرق معفن اکال جالی آثار خون مرده طلاء مسحوق ... مانع نبات موی ... بعد کندن ... سینه ... جرب و سعفه و داء الثعلب

اسکنہ یونانی · ازمعروفات · ولایتی ساز ۱۲ · باشندہ زائل نماید · طبیعت کرا ازحد زیادہ · مدت آنجا بہ ازہر · تعلقہ بہ ویتہ · قرابادین ستہ · ۵ و ۲ و ۱

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۶۲	زرنیخ اصفر	۔	ہرتال	م	حی ۳	اخلاط معفن	پوست بیلہ زرد و روغن زرد	فتیل بورہ کبریت	۱.۰۱ ماشہ	جالی آثار اکال لحم زائد رافع سعفہ رطبہ جرب و آکلہ و کرم معدہ و داء الثعلب قمل و بواسیر و جراحت بینی و سرفہ و ربو و ضیق النفس لذاع و معفن و محرق + زہریہ بہم ہمہ کیمیا
۲۶۳	زعفران	کرکیماس	کیسر	م	ح ۲ ی ۱	گردہ اعصاب و تحمیر	انیسون سکنجبین	فتیلہ دانہ آنجبج سنبل الطیب	۱۰ ماشہ	قابض مفرح قوی مقوی حواس اشتداد آلات نفس و جوہر روح حیوانی جگر منفتح محلل اورام مدر بول مہیج رطوبت و ضحک و نشاط مقی گردہ و مثانہ
۲۶۴	زرفت یابس	۔	۔	م	ح ۲ ی ۲	سرو ریہ	کتیرا بنفشہ کافور	قطران و قیر و موم	۱۹ ماشہ	مجفف منضج اخلاط غلیظہ و اورام صلبیہ ملتئم قروح فاسدہ و قرحہ و سقطہ و تو بایا و محلل منظم تضییب و اعضا و جاذب سموم نباہر نافع شقاق مقعد وغیرہ +
۲۶۵	زمرد	زمرد	پنّا	جوہری سبز معروف	ب ۲ ی ۳	مثانہ	مشک	مرجان و زبرجد	سرخ	تریاق زہر ہوام مقوی دل و جوہر روح دافع ہموم و خفقان و جذام و اسہال و غیرہ و نزف الدم و حبس بول و صعا و یرقان و استسقاء و مرض مرض عین +
۲۶۶	زنجار	زنگار	زنگار	م	حی ۴	حلق محرور و قتال	سبزہ و سکنگ و قی و الغیم	اقلیمیا و زنجفر	لا یا کل	لذاع معفن مورث قرحا اکال لحم خالع آثار نافع گندہ مینی نفوخا قروح خبیثہ و دشتا و جرب و تقرح و برص و بواسیر و ناسور و معقدہ امراض عین +
۲۶۷	زنجبیل	۔	سونٹھ	م	ح ۳ ی ۲ و گویندی ۱	ملق	عسل و روغن بادام	دار فلفل فلفل عاقرقرحا	۷ ماشہ	ہاضم مزید منی مفتح سدہ جگر مہی محلل ریاح مقطع بلغم و رطوبات غلیظہ ملین طبع مجفف رطوبات دماغ و معدہ و نافع فالج و کرم معدہ و تعطیر البول و عطش بلغمی +
۲۶۸	زنجفر	شنگرف	انگیر	م	ح ۳ و قیل ب ۲ و ی	کشندہ و ماغنہ	قی سیب عن گاؤ نوشیدن	شاہ نوچ مردار سنگ	لا یو کل	قابض جاذب ریاح ادرام حارہ قاطع نزف الدم و نافع تاکل دندان و حکہ و جرب و اندمال جراحات و انبات لحم زخمہا و تشش و حرق النار +
۲۶۹	زوفای یابس	۔	۔	گیاہ ہے معروف	حی ۲ و گویند ۳	جگر	مناسب عسل عربی انار ترش	صعتر و پرسیاوشان	تولہ ۵ ماشہ	منضج مسہل بلغم مخرج ریاح و کرم معدہ ملطف محلل اورام نافع استسقاء سرفہ حرمن و ربو و فالج و ورم ریہ و درد سینہ و پہلو و زانو و قولنج و ورم سپرز +
۲۷۰	زیبق	سیماب و جیوہ	پارہ	م	ب ۲ ر ۳ و گویند ر ۳	اعصاب	اسفیداج	محلول رصاص	از غیر مقتول ۷ ماشہ	مقوی اعصاب ہاضمہ و باہ نافع جرب رطب و آتشک و داءالحیہ و قروح خبیثہ و سعیہ رطبہ و قمل و حفظ صحت اعضا جمیع آثار امراض عین و ولد فالج +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
										باب یازدهم در سین مهمله
٢٦١	.	.	سا بودانه	دانهای برابر خشخاش معروف	ح ٢ ر ١	.	.	.	٧ توله	مبهی منفظ مسمن مقوی ملین طبع اگر با شیر تازه چون شیربرنج بخته بخورند وبوجود مانی یاب رنیات بخته بدهند +
٢٦٢	سافرج هندی	.	تیزپات وبز	برگی برلیف وخوشبو	ح ٢ ی ٣ و گو بندحی ٢	ریه دمثانه	مصطگی شربت به	سنبل الطیب سلیخه طالیسفر	در مطبوخ ٤ ماشه	مفرح مسمن حافظ ارواح واخلاط محلل ریاح مدر مطلقا نافع وسواس وجنون وسیلان لعاب دهن وبخر آن در دهگرو دست قادیر قان وسبز دمقوی اعضاء
٢٦٣	.	.	ستادر	بیخ درختی هندی	بر	.	.	.	.	٣ ماشه آن با ٣ ماشه مصری دافع اقسام بربسود، ماشه آن با نیم آثار شیر رافع سوزاک وسوزش بول حرارت منی وباشکر خمیرگاؤ مزمن قوی وشیر بیاه
٢٦٤	.	.	ست گلو	عصاره منجمد گرچ	.	.	.	.	.	حابس اسهالات مزمنه وبواسیر قدیمه وحدتیه نافع حمیات، ماشه آن با طباشیر سفید کشیره قاطع منفار ونبات سفید صفقا بقدر بهم خوردن قاطع حمیات مزمنه بلغمیه عفنیه + ماشه ماشه ماشه
٢٦٥	سلب	وسالری	ثعلب مسانول وسالری	بناتی زردگل خیرد از معروف	حی ٣	بادوبهر مصدع	سکنجبین دانیسون	معتبر نوح مناح	١٠ ماشه	الملطف محلل ریاح دافع منشیی مقوی معده مفتح مدر حیض وبول محبیف منی مسقط جنین نافع امراض دماغی وسینه ورحم دطحال وقولنج دیرقان +
٢٦٦	سدر	کنار	بیر	م	برد گوبند ب ار ٢	دماغ ومبرود	سکنجبین وگلقند	.	.	قابض قاطع مطفی حرارت غریزی نافع صفرا وعطش ازمه صعود ابخره بدماغ منقع سدا قاتل کرم معده ضماد برگش منضج اورام حاره نافع سرسام +
٢٦٧	.	.	سربهوکه	بناتی معروف	حر	.	.	.	.	مصفی خون مفتح و نافع بهتها سوداویه ومرض ضیق ده امراض سبز وگرده دمثانه وادرام وثبوره بواسیر سرطان وآتشک دهانه +
٢٦٨	سرطان نهری	خرچنگ	کیکرا	حیوانی آبی معروف	بر ٢	مثانه	گل مختوم وقیرے	صدف	از سوخته آن تولا ١ ماشه	نافع سل ودق ومرض خشکی اعضا ولاغری مفرط با آنش خوره قیر خره بواسیر وخناقیت جماعة وادرار بول حیض ومسلول زهر سموم +

	ع	ث	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۷۹	سعد کوفی	شک زمین	موتھ	م	حی ودفیل ح ا	حلق وصوت وریہ	سکر و انیسون	سنبل الطیب دارچینی مر	۹ ماشہ	مفرح مزیل فہم وعقل مدر بول وحیض مجفف منفت مفتح معطی رسائل مقوی دماغ معدہ اعصاب وشتھی کاسر ریاح نافع بہاکنہ [illegible]
۲۸۰	سفرجل	بہ دانہ	بہی	م	شیرین برا	حرش صوت سرفہ سدہ	مربا کردن وعسل	تفاح	٠	قابض مقوی معدہ دل ودماغ مدر بول مفرح طلاء آتش بکرم رافع سوالقینہ تہیج اطراف حابس رافع وسواس خفقان ویرقان دقی +
۲۸۱	سفنتان د دیق	سپستان	لسوڑہ	م	شح ح ب درا	جگر ومعدہ	گلسنج آلہ عناب	خطمی	۳ عدد	منضج مسہل ملین بطن وسینہ وحلق وادرام رافع سرفہ حار وحدت صفرا وعطش وحرقۃ البول وتپہائے کہنہ ریح وخشونت صوت مخرج ومیلان اخرلق +
۲۸۲	سمونیا ومحمودہ	٠	٠	عصارہ بناتی منجمد	ح ۳ ی ۲ وگو بیندی ۲	دل معدہ اسہال کرب	کتیرا	ہلیلہ زرد وصبر زرد	۷ برتی	مسہل صفرا وجالی مفتح محلل مفضلات مخرج جنین مقوی فعل مسہلات دافع کرم معدہ وامراض سوداوی وہیجی برص ضماد او وقوبا وتر ے +
۲۸۳	سکبینج	سکبینہ	کندل	صمغی سرخ زرد	حی ۳	مثانہ گردہ معدہ امعا	کتیرا اشق مصطگی	جاؤشیر فیہ ازیتاج	۳ ماشہ	محلل ریاح واورام وطحال ملطف جالی مسہل مصلح ادویہ مسہلہ مقطع فضول سینہ وریہ مسکن درد مفاصل وسینہ وپشت ونقرس مدر حیض +
۲۸۴	شکر احمر	شکر سرخ	شکر تری	م	ح ۲ را	مماحب سل وسہال صفرا	بادام وتمیر وتر شیریا	ترنجبین و شیر وعسل	۲ تولہ ۵ ماشہ	جالے ملین طبع وحلق وسینہ مقوی ارواح وقوی جگر محلل ریاح اعابہی والدخول صالح نافع امراض سوداوی ومدر نافع سرفہ واحتباس بول +
۲۸۵	سلق	چقندر	٠	اکولیت جون گرز	حرار گو بینار سے	سدہ منفی	بادعدس و خردل اکحتمش	٠	٠	جالی ملین محلل منضج اورام مقطع بلغم مفتح حابس طبع نفاخ ملطف قلیل الغذا نافع رعشہ ومحرک شہوت جماع نافع لقوہ وصداع وقوبا +
۲۸۶	سلیخہ وقرفہ	٠	تجے	م	حی ۲ دفیل ۲	گردہ ہٹھا	کتیرا آب سپستان	دارچینی	۷ ماشہ	ملطف مسخن منضج محلل ریاح واورام مقوی اعضا مدر بول وحیض مخرج جنین وحصات جالی البصر نافع نزلات وزکام وربو وسرفہ ومعدہ وگردہ +
۲۸۷	سماق	٠	تترک تاتیر تتریک	دانہ ترش بقدر عدس	بی ۲ و گو بیندی ۲	معدہ وجگر بارد	مصطگی انیسون	سرکہ زرشک اقاقیا	تولہ ۵ ماشہ	مربع معدہ قابض رادع قی وغثیان واسہال مراری وسحج وذرب وذوسنطاریا ونفث الدم بواسیر کثرت حاب بکیم وسیلان دم منقوی احشا +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
۲۸۸	سمسم	کنجد	تل	م	حار ۱ و گو یند ۲	بطی الہضم مسدد	بریان کردن و عسل	تخم کتان	تولہ ۵ ماشہ	مسمن مبہی عرقی مفتح ملین صوت و خشونت حلق و امعاء و حلق و مقعد محلل اورام فربہ کنندہ و منی دافع حصاۃ و ربو و اسیر در بو مدر حیض مسقط جنین +
۲۸۹	سمک	ماہی	مچھلی	م	بارد ۲ و گو یند ب ۳	دافع معدہ عصب مبرود	ابازیر حارہ روغن گاؤ عسل	.	.	مسمن مرطب مبہی منعظ مولد منی زیر بیرہ دگردہ نافع سل و حمی دق و سرفہ خشک و تصفیہ صوت و ضعف گردہ و جگر جارین و زحیر و یرقان و زہر ہا +
۲۹۰	سم الفار و توتیائے اسپیل	مرگ موش	سنکھیا و سنبل کھار	م	ح ۴	۱ ماشہ تا آن کشندہ	قی و قرص کافور و دوغ	.	لا یوکل	سم قتال ملتحم قروح باردہ مزیل رطوبات معین اکتحالا کشندہ موش نافع حمیات کہنہ و تپ لرزہ و اوجاع مفاصل و ضیق و مبہی +
۲۹۱	سمن	روغن گاؤ	گھی	م	حار	امراض منع ملینہ بلغمی مرخی معدہ	ترشیہا و جوارشات	زبد	۳ تولہ	مقام سموم محلل لین جلد منقی فضول دماغی و سینہ مرحم نافع سرفہ خشک و تلیین صدر و یرقان و حصاۃ و یبوست حلق و خشونت و حبس بول و زحیر و قرحہ امعاء و طحال مجرب مصفی سمن منضج +
۲۹۲	.	.	سمندر پھل	م	حی	.	.	.	نصف عدد	نافع پریسیو و جریان منی باشکر دافع درد شکم در پانی و با بول گاؤ نافع ذرب اطفال و اکحال لش آب برگ ریحان نافع شبکوری +
۲۹۳	.	.	سمندر سوکہ	تخمی بقدر نخود	برا	نفاخ	کثیرا	تخم مروالی	۲ ماشہ	نافع سوزاک و سوزش بول و رقت منی و ممسک و مولد آن و قابض و مقوی دماغ +
۲۹۴	سنا مکی	.	ہمار	م	ح ۲ ی	مورث کرب و منقی غشیان	بنفشہ کتیرا گلسرخ اجاص	تربد بلیلہ ہندی بنفشہ	از درم ۹ ماشہ	مسہل منقی دماغ جالی نافع مرض و صداع و جنون و درد پہلو و ضیق و قولنج و حکہ و جرب و کلف و عرق النساء امراض سوداوی و بلغمی و اوجاع مفاصل +
۲۹۵	سنبل الطیب	.	بالچھڑ جٹاماسی	م	ح ی ۲	گردہ	کتیرا	سادج ہندی اذخر	۴ ماشہ	مقوی دماغ و معدہ و جگر و قوت ماسکہ مفتح سدہ مفرح خسار مدر بول و حیض مجفف رطوبات معدہ و سینہ مفتت حصاۃ جالیس لیبع سعوط دہن نافع سرفہ و حبسہ
۲۹۶	سندروس	.	.	صمغی تلخ تر زہرہ با	ح ی ۲ و گو یند ۳	گردہ	صمغ عربی	سادج ہندی و کہربا	۲ ماشہ	مجفف رطوبات دماغی قابض حابس دم مانع نوازل و نزف الدم مسکن درد دندان نافع سطول مدر بول در رفع اسہال مزمن و موی و بواسیر و نزلہ قوی

[illegible]

	ع	ف	د	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۹۷	.	.	سنگهاڑا	م	بی	مسدد وثقیل ودیر ہضم	.	.	۶ ماشہ	مسمن رافع جریان منی ومغلظ آن سببی محرور نافع سرفہ وتپ حار ودق وسنگ گردہ ومثانہ واسہال بالدم وسوزش دل وتشنگی وغشی +
۲۹۸	سورنجان	.	سنگهاڑا جنگلی دبربری	م	ح ۳ ی ۲	سدہ وجگر وسوزش معی	کتیرا شکر زعفران	ورد بوزیدان نقل حنا	۳.۰ ماشہ	مفتح سدد مسہل اقسام بلغم تریاق انواع اوجاع مفاصل نافع یرقان وسبز وعرق النسا ونقرس ومبہی محلل اورام صلبہ مسقط دانہ بواسیر مسکن درد استخوان با تخم مرغ وزعفران +

باب دوازدہم در شین معجمہ

	ع	ف	د	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۹۹	شاتل	شاتل	ارہر وتور	غلہ معروف	ح ی ۲	ثقیل	ترشیہا	.	.	نافع اسہال صفراوی وفساد بلغم وخون وذرب وزہر وقابض ومنجز قلیل الغذا بطی الہضم نفاخ مسہر +
۳۰۰	شادنج عدسی وحجر الدم	شادنہ		م	مغسول ح ۲ ی ۳ غیر مغسول ح ای ۲	مثانہ	کتیرا	مقناطیس ودم الاخوین حقیص	۲ ماشہ	حابس دم اعضاء ظاہرہ وباطنی مجفف ملطف اروح قابض خاتم دل تقرح مقوی عصب بصر نافع عسر البول وسیلان حیض وادرار زحیر وامراض عین +
۳۰۱	شاہترج	شاہترہ	پت پاپڑہ	م	مرد گویند پ ی ۲	ریہ	کاسنی	سنا ہلیلہ زرد	تولہ ۵.۰ ماشہ	ملین طبع مسہل مفتح سدہ کبد وطحال ومقوی آن مصفی دم ودر مشتہی نافع حمیات کہنہ ورفع تی وغثیان وامراض سوداوی وجرب وحکہ ویرقان +
۳۰۲	شب یمانی	زمہ زراک سفید	پھٹکری	م	ح ۲ ی ۱	محدث سرفہ ودیسہ وریہ	اکثر کتیرا روغن بیدہ	نوسادر نمک سیاہ	۴ جو	قاطع نزف الدم مجفف ملتئم قروح قاطع رعاف سودا کاراقع بیاض عین دغشاوہ ودرجع الثنتین ودوسہ وقمل وتبور البینہ ودرد دندان وتقویت لثہ
۳۰۳	شحم	پیہ	چربی	م	حر	مثنی مرخی مورہ	سکنجبین نمک لیمون زنجبیل	روغن زیتون	.	پیہ ملین محلل اورام صلبہ نافع قرحہ وامعاء ومثانہ وخشونت زبان وورم رحم پیہ ماہی مقوی بصر پیہ خنزیر برای اورام حمی وشحم مسکن اوجاع است +
۳۰۴	شحم حنظل	.	.	تخم خرزہ سو معروف	ح ۳ ی ۲	مکرب دماغ ومعدہ وزحار	صمغ عربی کتیرا نشاستہ	حب الخروع دحزل	۱۰ ماشہ ۴ سرخ	مسہل اقسام بلغم غلیظ وسودا محلل مقطع منقی دماغ ورافع امراض آن مخرج دیدان وحب القرع واستسقا وجذام وقولنج بلغی وریحی +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	پ	ق	افعال وخواص
۳۰۵		—	بشقیقی	ہم	۲ حر	.	.	.	.	ملین طبع نفاخ تطلی الہضم محرک مواد ساکنہ محدث حمیات ودمامیل وقوباء وجرب مولد خون بلغمی لزج سودادی وسودادی ومسخن ومفسد معدہ +
۳۰۶	شعر اللارض بشور انجمن	پر سیلوشاں	کالی جھاپ	م	مع مایل الی ح دی	سبزہ	مصطگی گل بنفشہ	گل بنفشہ اصل السوس	از ۳ درم ۲ تولہ ماشہ	منضج ملطف مفتح محلل مجفف مسہل رافع ربو وضیق ودرد سینہ وطحال ویرقان وحبس بول وحیض ونفاس وزکام وقروح خبیثہ +
۳۰۷	شعیر	جو	جو	م	ب ی ۱	مثانہ	روغنہا وانیسون	.	.	قابض مجفف رادع مسکن غلیان خون وصفرا وعطش نافع تپہای حارہ وسل ودق وذات الجنب وسعال وصداع حارہ وسدر مرخی معدہ +
۳۰۸	شقاقل مصری	گزر دشتی	ستالی و دوہالی	م	ح ا / ۲	اشتہا وریہ ومطبوخ	عسل	حب الصنوبر بوزیدان	تولہ ۵. ماشہ	نیبعی مسخن معدہ وجگر وگردہ مفتح قاطع بلغم مقوی پشت وارواح مزید جوہر منی وملتذ آن مقوی دل مفرح مربا او باعسل مقوی قوی +
۳۰۹	شکاعی		.	ساق نباتی مثلث طویل	حی ۲	ریہ	صمغ عربی	بادآورد	۷ ماشہ	مجفف قابض ملطف بلغم مفتح قاطع نزف الدم از سینہ وورم لہاۃ ومقعد نافع امراض معدہ وجگر وحمیات وفالج واسہال +
۳۱۰	.	شکر تیغال	.	م	مع حر	مفتی اکثار آ	شکر و ترنجبین	نبات	تولہ ۵. ماشہ	ملین مسکن حدت اخلاط وسوزش مری نافع خشونت سینہ وسرفہ وصاف کردن آواز ویبوست وخشونت حلق ومعدہ +
۳۱۱	.	.	شکر قند	م	حر	.	.	.	.	مولد منی مسمن مغری سینہ وقصبۂ ریہ مسدد ونفاخ قابض ومغلظ منی +
۳۱۲	شمع	موم	موم	م	ح ۲ مع ر	اشتہا وسدہ	نان	آرو باقلا	۱۰ ماشہ	محلل منضج ملین اعصاب مصلح ادویہ مراہم نافع قروح باطنی وسحج واسہال کہنہ ودرد سینہ وسل وسرفہ وورد گلو ولہاۃ ودملہ وجرب +
۳۱۳	شوکۃ البیضا	بادآورد	.	بناتے خارولہ	ر حی او گوینیدی	ریہ	افسنتین	شاہترہ	۵ ماشہ	مسہل بلغم غلیظ وسودا مفتح سدہ رحم وسدہ دافع درد دندان وعسر البول وتپہای مزمن وبلغمی وسودائی وتشنگی ودرد معدہ وبواسیر ونقرس واستسقاء واسہال معدی وحرمس +

گوبند انگریزی
ازاں حی سازند
دا نتھی کان بنبوصفرا
مقوم العابرین
فیاقافقیر
در امراض حد
دیسہ بر امر اض مد

	ع	ث	ه	م	ط	مض	مص	بد	ق	افعال و خواص
۳۱۴	تیخ	درمنهٔ ترکی	.	بنانی	حی ۳ و قیق رج ۳	معده و عصب و مصدع	نرکس مصطگی	افسنتین سکلا و برنگ	زرنیخ شموم ۱۰ ماشه	مفتح سدد قاطع بلغم محلل ریاح مدر فضلات مسهل کرم دیدان و حب القرع نافع عسر نفس و فواق و نفخ و درد رگ تنہا مرکبه زہر سموم بارده +
۳۱۵	شیرخشت	شیر خشک	.	م	رج ۱ معر	مولد ریاح و قراقر معده	روغن بادام و داریانه	ترنجبین	۶ توله ۴۰ ماشه	مسهل اخلاط مرکبه جالی ملین طبع مسکن حرارت سوزش معده و جگر و احشا و دل و مقوی آنها نافع سرفه و خشونت سینه و حلق و حمیات باعث سرعت انزال +
۳۱۶	شیطرج هندی	تیغ برنده	چیسته و چیترک	تخم گیاهی معروف	حی ۲	ریه	صمغ عربی مصطگی	مرجان فتر زرنباد	۳ ماشه	مفرح مفتح جالی محرق منقی معدی صوت مسهل اخلاط لزجه نافع سبز و اوجاع مفاصل و ورم اسقاط جنین و تهیج دفع بلغم و برص و جرب و قوبا +
										باب سیزدهم در صاد مهمله
۳۱۷	صابون	.	.	م	حی ۳ و گوینده ۴	کشنده ۴ ماشه	فی روغن کنجد شوربا	نوره و اشنان	تا ۹ ماشه	ملین اندام منفتح اکال جالی مقطع معفن اکال نافع حمل و حیض مخرج جنین حمول اغفاوش با غذا نافع درد زانو و عرق النسا و رشح و کلف و توباد و درد مفاصل و قروح شهدیه +
۳۱۸	صبر سقوطری	.	الیواد معبر	عصارهٔ گیاهی معروف	حی ۲	امعا و معده کبد	کثیرا گلسرخ مصطگی	تربد حنظل زعفران	۴۰ ماشه	مفتح سدد محلل ریاح مسهل منقی معده و دماغ و عروق و مقوی آن و مقوی بصر و حواس و امراض دماغی و سدد و مجفف دافع کرم شکم و وجع مفاصل +
۳۱۹	صدف	.	سیپ	از مطلقه مراد صدف مروارید است	ب ی ۲	.	.	شاخ گاو کوهی سوخته سوکهربا	۳ ماشه	سوخته اش مسخن ملطف جالی جاذب مسهل و نزف الدم نافع تقویت لثه و جلا دندان و حرق النار و بیاض و غشاوه و قروح عین و استسقا +
۳۲۰	صعتر	الصیش و الورشن	ساتر	برگ گیاهی	حی	مصدع	سرکه	فوتنج	توله ۱۰ ماشه	محلل بلغم و ریاح مفتح مقطع مجفف ملطف اغذیه غلیظه مهی مشتهی منقی معده و غیره از رطوبات مانع صعود ابخره مسکن درد دندان +
۳۲۱	صمغ عربی	مغیلان الدود	گوند ببول	م	تج ح ر ی ۲	سعل	کثیرا گلاب صندل	حب الآس صمغ بادام	۹ ماشه	قابض ملین صدر مغری مقوی نافع سرفه و خشونت سینه و حلق و تصبیه ریه و تصفیه آواز و سحج و قرحه ریه دفع جریان منی و اسهال +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۳۲۲	صندل ابیض	صندل سفید	چندن	م	ب ۳ ی ۲	صوت و قاطع باہ	عسل و نبات	کافور و اشنہ	۴ ماشہ	مفرح مقوی دل و معدہ قابض رادع محلل اورام حارہ نافع تپہائے و خفقان حار مانع صعود ابخرہ و صداع و نزلات و نقرس + دوائی المسک و ایضا ملاء ہ
۳۲۳	صندل احمر	صندل سرخ	رکت چندن	م	ب ۲ ی ۳	خارش و مورث	سرکہ و روغن	فوفل	۴ ماشہ	در جمیع افعال مذکورہ بالا اقوی از سفید و تبریا صنعت اازان نافع صداع حار و جع معدہ و نار فارسی و حمرہ و اکثر استعمالش در سہال و محبوبیت خیالکہ استعمال سفید

باب چہاردہم در طا مہملہ

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۳۲۴	طباشیر سفید	.	تبسلوچن	م	ب ۲ ی ۳ و توبینہ مر	باہ و ریہ	مصطگی و صبر ب دعقاو عسل گل مختوم	تخم خرفہ و تخم کاسنی	۱ ماشہ	قابض مفرح مبرد مجفف مسکن سوزش معدہ و عطش مقوی دل و معدہ و جگر قاطع قی صفراوی و اسہال دموی نافع قلاع و تبور و حمیات حارہ و خفقان حار و بی بحار بسیار قابض اسہال کیاں جون جمیع اعضا +
۳۲۵	طحلب	پشم درغ	کائی	جسمی سبز برآب	بر ۲	مبرود	شاہسفرم	حی العالم	.	نافع باد سرخ و اورام حارہ و نقرس و ضماد آن تنہا یا با آرد جو دبرای فتوح و قیلہ اطفال ہم خشک آن حابس اسہال مراری شیر با جو شیدہ اش بروغن زعفران یا طین عضب طحلب +
۳۲۶	طین الارمنی	گل ارمنی	.	گلی سرخ تیرہ	ی ا ی ۲	طحال	مصطگی گلاب	طین مغرہ و حی ازی	۱ ماشہ	حابس نزف الدم و نفث الدم جمیع اعضا رادع اورام قابض مجزی مقوی دل نافع قروح اعضا متع نزلات حارہ منحدرہ بسینہ و ضیق و رق و سل و قروح امعا +
۳۲۷	طین مختوم	گل مختوم	.	خاکی سرخ قرص ساختہ مہر کردہ شدہ	ی ۲	ریہ و سپرز	کتیرا و عسل گلاب	گل ارمنی و مغرہ	۱ ماشہ	مجزی مجفف مقاوم سموم مفرح مقوی دل و معدہ قابض حابس نزف الدم اعضا نافع قرحہ ریہ و حلق و امعاء و نیح و تپہائے حادہ و اسہال و زو سنطاریا و خریہ
۳۲۸	طین مغرہ	گل سرخ مصری	گیرد	م	ی ۲ و فیل بت	امعا و بواطن و مسدد	شیرینی ہا	گل ارمنی کتیرا	۱ ماشہ	رادع حابس قابض مجفف نافع اوجاع کبد و نفث دیدان و حب القرع و قرحہ امعا و مثانہ و بواسیر و جریان طمث بآب یا رنگ ۲ و رام حارہ علاء +

باب پانزدہم در عین مہملہ

#	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
										[illegible]
۳۲۹	عاج	دندان فیل	ہاتھی دنت	م	بی	.	.	شاخ نر	۲ ماشہ	حابس اسہال نزف الدم مستنقی قروح وجذاب استخوان شکستہ در عضو و خورش بقدر ۳ ماشہ با نبات ۴ ماشہ ...
۳۳۰	عاقرقرحا	.	اکرکرہا	بیخی سطبر و تیز	حی ۳	ریہ	کتیرا و ریونج	دارفلفل فلفل زنجبیل	۲ ماشہ	منقی فضول طبعی مفتح سدد جالی بلغم نافع لقوہ و فالج رعشہ و تقویت باہ مبرد درد سینہ و دندان عرق النسا کزاز استسقاء و حمیات و سکتہ +
۳۳۱	مس	خشک مرجومک	مسور	م	بی ۳	مضر بواسیر وجذام	با سرکہ و روغن گلنگ	ماش	.	قابض مولد سودا مسکن جوش خون و سلطہ آن نفاخ جالی اکال ہاضم دافع نزلات حار و ورم حارہ و قروح و جمرہ قلاع و خناق و امراض سینہ و ریہ و سرفہ +
۳۳۲	عرق الجبال	مومیائی		چیزیست چون قیر از در کوہ بر آمد	حی ۲	محرور	سرکہ	زرشت و قیر	۲.۰ ماشہ	نافع اوجاع خلع و کسر و ضربہ و سقطہ و فالج و لقوہ و سموم و تفریح ارواح و خون تقویت اعضاء ظاہر و باطنی و فواق و اوجاع باردہ مزمنہ و لوبا ... دردہ و صرع +
۳۳۳	عروق الصفر	زردچوبہ	ہلدی	م	حی ۳	قلب	آب لیمون و ترنج	مامیران عاقرقرحا	۷ ماشہ	مفتح سدد جگر جالی بصر نافع استسقاء و یرقان و درد دندان مصفاد امراض عین و تجفیف قروح و درد و ورم آنہا تسکین و تحلیل اورام تکمید +
۳۳۴	عسل النحل	انگبین و شہد	مدہ	م	حی ۲	دماغ و محرور	انار لیمون سرکہ کشنیز	دوشاب انگوری	۲ تولہ ۱۰ ماشہ	منقی بلغم و رطوبات جالی مفتح سدد مسہل استسقاء استرخاء و یرقان و بیرزد و فوبا و کلف و عسر البول و ربلی و تقویت معدہ و امراض سرد سینہ و تناسل و عین +
۳۳۵	عشبہ مغربیہ	.	رس	شاخی نباتی	حی ۲	محرور و جوان	روغن بادام	چوب چینی	۹ ماشہ	محلل ملطف معرق مدر نافع امراض باردہ و رطبہ و سوداویہ و بلغمیہ و کبدیہ و معدیہ و صدریہ و رحم و اوجاع مفاصل و گردہ و مثانہ و جذام و لقوہ +
۳۳۶	عصارہ افسنتین	-	.	آب افسنتین و برگ آن ... خشک کردہ	ی	مکرب و مصدع	ریوند	افسنتین تافت سکاعی	۲.۰ ماشہ	مفتح سدد جگر نافع تنہا مزمنہ مرکبہ تقویت معدہ و تنقیہ آن از اخلاط مرّیہ و استسقاء و تصفیہ رنگ رخسار و اصلاح فساد مزاج مسہن قابض +
۳۳۷	عصارہ ریوند	.	.	دوای زرد مائل بسرخی	حی ۱	.	.	.	۱.۰ ماشہ	نافع فالج لقوہ استرخاء تشنج امتلائی و ضیق و سرفہ بلغمی و جنون مسہل ہر خلط فاسد اگر آنرا سودہ با گلقند سرشتہ حبوب ساختہ با گلاب نیم گرم طبع سازند +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۲۳۸	عصارہ غافث	٭	٭	آب غافث آفتاب سحق کردہ حسنہ	بی	انیسون	مصطکی	غافث سماق	۴ ماشہ	مفتح رافع جرب وحکہ و بہق ہائی کہنہ درد جگر با آب شاہترہ وسکنجبین +
۲۳۹	عصفر	کھونڈ کمبا	جھڑیا و گوریہ	م	حی ۲	محرور	آب انار	٭	٭	ملحم سمن محرک باہ مزید منی منفظ لبن طبع نافع فالج ولقوہ وحذر واستسقا و اسرکا وضعف گردہ و باہ و کبد و یرقان مزمن آن نہایت منفذ ومقوی باہ +
۲۴۰	عفص	مازو	مازو پھل	م	ب ی ۲ و گوبند ب ی ۲	سینہ وجسلق	کتیرا و صمغ عربی	پوست انار ہلیلہ زرد	۴ ماشہ	قابض قاطع رعاف حابس سیلان رطوبات رحم وغیرہ نافع امراض چشم ودندان قلاع وقروح دماسہال کہنہ وسیلان حیض دبواسیر مقوی طفل و مسوڑھے +
۲۴۱	عقیق یمنی	٭	٭	سنگے معروف	ی ۲	گردہ وعلق	کتیرا و تخم کدو	کہربا بسد	۱ ماشہ	مقوی قلب نافع خفقان ونفث الدم ونزف الدم نیز دم طمث کہ بند کند ودرد گردہ و جگر و سپرز وحصاۃ وضعف بصر دندان فاتش موجب عسر اشتغال +
۲۴۲	عناب ولایتی	جنگلی بیر رسیلا بار	ولایتی بیر	م	مع ح ب مایل بہ بر	معدہ و گردہ و طحال	سکنجبین و مویز	مویز سپستان	۵۰ عدد	ملین ومسہل اخلاط غلیظ ملین سینہ مصفی خون مسکن تشنگی والتہاب نافع خشونت سینہ وعلق وسرفہ وربو و جمیع معدہ جگر و گردہ ودرد رحم +
۲۴۳	عنب	انگور	داکھ	م	س ا	معدہ رطوبہ و مولد ریاح	نیرہ رازیانہ	زبیب	٭	کثیر الغذا مولد خون صالح جالی منضج معدل المزاج غلیظ مصفی دم دافع مواد سوداوی مصلح حال صدر و ریہ مسمن مزید باہ گردہ سریع الانحدار +
۲۴۴	عنب الثعلب	ترکب ودہ	مکو	م	ب ی ۲ و تیل ۲	مثانہ	قند و عسل	کاکنج	وزن مطبوخ ۳ تولہ و ۷ دانہ	منضج قابض دافع ملطف مسکن حرارت وتشنگی محلل نافع ورم جگر ہ و معدہ و سپرز و استسقاء حار و تنقیہ امعاء قاطع سیلان حیض درطوبات ومدہ +
۲۴۵	عنبر اشہب	٭	٭	ترجم بوم ی از حمل	ح ۲ ی ۱	اصحاب مولد شری مجرور	صمغ عربی و کافور	مشک و زعفران	۳ رتی	مقوی حرارت غریزی و ارواح وقوی وحواس عشرہ و باہ اعادہ کنندہ باہ باہ یسین مادہ زہر سموم موافق پیران نافع امراض دماغیہ وقلبیہ خفقان و وبا +
۲۴۶	عود غرقی	٭	اگر	چوب درختی	ح ۲ ی ۳ و تیل ی ۲	محرور و سعال	کافور کتیرا سکنجبین و تخم خرفہ	دارچینی قرنفل و زعفران	۴ ماشہ	مبخر مقوی اعصاب حواس و قوی دماغی ملطف مفرح مفتح مقوی ریاح محلل آبہائے صفراء نافع بدبوئی دہن و سرفہ و ضیق النفس و خفقان و ممسک +

نمبر	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
										باب شانزدہم در غین معجمہ
۳۴۷	غاریقون	.	.	چیزی سفید مانند بیخ بوسیدہ	ح ای ۲	مورث کرب وخناق	جند بیدستر وسکنجبین	تریبز زنجبیل افتیمون	۴ ماشہ	ملطف مسہل مقطع محلل نفخ ورباح وادرار نافع قولنج مفتح سدہ مدر حیض وبول مقوی دل ودماغ عصب تریاق سموم نافع حمیات بلغمیہ نزف الدم دربو +
۳۴۸	غافث	.	.	گیاہی خاردار وگلش مستطیل	ح ای ۲	طحال	انیسون	اسارون افسنتین	در مطبوخ ۲ تولہ پاشیدہ	مفتح سدہ سپرز وجگر ملطف مقطع جالی باقوت نافع تپہای مرکبہ مدر طلقا وملل ورم طحال وقیرہ واستسقا وقروح احا وسوالقینہ وقروح وجرب وحکہ +
۳۴۹	غبار الرحی	گرد آسیا	.	م	بی	دماغ خشک	روغن بادام	خبث الحدید	.	سوختگی قاطع رعاف ضماداً مانع انصباب مواد بچشم ومقوی اعصاب رطبہ ومجفف +
۳۵۰	غری السمک	سریشم ماہی	.	رطوبت منجمد شکم ماہی دریائی	ح ی	مسدد	بطبیخ اصول	غری الجلود	۵ ماشہ	نافع سل سرفہ بقدر ۲م. ماسخہ تا جلا وشقاق خسارہ برص ضماداً وکالبس نزف الدم نخلا نافع جرب متقرح ونمو باوقوق ضماداً باسرکہ نافع سفیدی ناخن طلاء
										باب ہفتدہم در فا
۳۵۱	فادزہر معدنی	زہر مہرہ خطائی	.	حجری معروف خوشبو املس	سع وقیل ب ی ۲	.	.	گل وغستانی زمرد زبرجد	ماشہ	موافق جمیع امزجہ تریاق سموم مقوی حافظ قوی وارواح واعصاب وباہ نافع خفقان وبوسہال وقی ...
۳۵۲	فاوانیا	.	.	نزد اکثر عود صلیب است	حی ۲	معدہ	کتیرا	عاریقون زراوند	۳ ماشہ	نافع صرع وکابوس ورد گردہ ومثانہ درحم ویرقان وختناق رحم وقطع نزف الدم قابض مجفف مفتح مدر بول وحیض مقوی دل نافع امراض سر +
۳۵۳	فجل	ترب	مولی	م	ح ار ۲ وگویند ح ۳ ی ۲	مصدع وسر ودندان ومعدہ	نمک زیرہ	.	از بیخ ۳ تولہ ماشہ	مولد ریاح مہبی محلل ملطف قاطع بلغم مفسد معدہ موافق سپرز وسینہ ربو وہاضم غذا آب برگ شاختہ نافع استسقا وتفتیح سدہ کبد ویرقان وجلا الدم وسیرز ومسقی ...

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۳۵۴	فرفیون	۰		صمغی خاکستری	حی ۴	محرور و امعا	رب السوس صمغ عربی گل	فرفیون خند بید ستر	۸ جو	ملطف جالی محرق حار مسہل بلغم لزج مسقی فضول بلغمیہ نافع لقوہ و فالج و استسقا و سپرز و عرق النسا و کابوس و رعشہ و خدر و صرع و سکتہ و درد حیض +
۳۵۵	فرنجمشک	گشنک	رام تلسی	نوعی از ریحان	حی ۲	مصدع محرور دماغ	بنفشہ سکنجبین	قرنفل یا بادرنجبویہ	۱۰ ماشہ	مفتح سدہ دماغی و منجرین شمّاً نافع درد سر بارد و لثہ و دندان و بد بوی دہن و تقویت دل و خفقان و وسواس و ملنخ و محلل ریاح مشتہی مسکن مغص و رافع سپرز +
۳۵۶	فستق	پستہ	۰	م	حار ۲ و قیل حی ۲	مشدی مورث	سکنجبین و زرشک با مسہل بارده	مغز بادام	۰	مزید منی مبہی مقوی ذہن و حفظ و دماغ و قلب و نافع خفقان و قی و غثیان مسمن نافع برودت کبد و تفتیح سدہ و سنغذ عذا و تقویت معدہ و فم آن +
۳۵۷	فلفل ابیض	پپیل سفید	سفید مرچ	ورد و ملمس از سیاہ	حی ۳	گردہ و مجفف منی	عسل	زنجبیل	۲ ماشہ	جالی بصر ہاضم مشتہی مدر بول و حیض ملین طبع مسہل سودا و بلغم در گرمی ضعیف تر از سیاہ محلل جید لورم الطحال موافق و مقوی معدہ و جگر تریاق سموم باردہ +
۳۵۸	فلفل اسود	پپیل گرد	گرد سیاہ مرچ دگول مرچ	م	حی ۳ و قیل ۴	محرور جگر و مجفف منی	ادہان باردہ	زنجبیل دار فلفل	۴ ماشہ	کاسر ریاح مسقی بلغم محلل جالی جذاب مقوی حافظہ و ہاضمہ و معدہ و جگر و اعصاب مسخن عصب نافع امراض باردہ و بہق و قشعریرہ و تپہائے باردہ و ورم سپرز +
۳۵۹	فوۃ الصبغ	روناس	مجیٹھ	بیخی سرخ تیرہ	۰	مورث بول الدم	کتیرا انیسون	کبابہ سلیخہ مویز سیاہ	مطبوخاً تولہ ۲ ماشہ	مفتح سدہ مدر مطلقاً مقوی معدہ نافع امراض باردہ عصبانیہ و یرقان و لقوہ و فالج و سپرز و توبا و رفع آثار علیہ و اخراج جنین زہر سموم +
۳۶۰	فودنج نہری	پودینہ بستانی	پودینہ	م	حی ۲ و قیل ۳	بادہ گردہ	کتیرا	نعناع و کرنہ ناقرو ماما	۳ ماشہ	منقی فضول سینہ و معدہ ملطف نافع غثیان و فواق و حمیات باردہ و تحلیل ریاح و استسقا و یرقان و اورام و حیض و بول و جذام و اخراج جنین مشیمہ +
۳۶۱	فوفل	پوپل	سپیاری	م	بارد ی ۲	تولنجی و مطلق سینہ	کتیرا	صندل سرخ و گشنیز	۳ ماشہ	رادع قابض نافع صعود ابخرہ بدماغ نافع امراض دہان و دندان و اورام غلیظ و درد پہلو و تقویت دل و معدہ و صبر ا سہال و اجلاء بیارہ +
۳۶۲	فیروزج	پیروزہ نیشاپوری	۰	سنگی و آسمانی معروف	بارد ۲ و قیل ی ۳	گردہ	کتیرا	زمرد	۱ ماشہ	تریاق سموم نافع امراض عین و سپرز و صرع و سپرز و صرع و تقویت دل و معدہ و لسع و درد صدمہ و خفقان و مسہل ترفرحہ اعلو قروح بالمینہ و باعث نیرزوری برہ حسم +

[illegible]

	ع	ن	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
										باب سیزدهم در قاف
۳۶۲	قاتل ابیه	کمیله	کمیله	م	ح ی ۳	سکر و قاتل	قی و فکر و علاجات و روغن	٠	۲. رتی	قاتل سگ نافع امراض عصبانی جمیع مفاصل و درد کمر و فالج و استرخاء جرب کلف و عرق النساء و قولنج ریحی و کرم نافع امراض مزمنه و کرم حیوانات +
۳۶۳	قاقله صغار	هیل خرد و هیل بوا	گجراتی الایچی	م	ح ی ۲	امعا	کتیرا	کبابه و قاقله کبابه و قرنفل	۱ ماشه	هاضم ترا کیا مفرح جالی محلل ملطف معطر عرق و دهن مقوی لثه و قلب و معده نافع صفرت رطوبات سینه و حلق نافع خفقان و غثیان و قی مقیئه طبیعت +
۳۶۴	قاقله کبار	هیل کلان	بڑی الایچی	م	ح ی ۲ و قیل ۳	ریه	شکر	قاقله صغار و کبابه	۴ ماشه	حابس لعاب مفرح مقوی معده هاضم طعام مقوی لثه و دل مانع غلاء و محرک اشتهاء و اعضاء ملطفه او فوق خفقان و معینه در دفع سمیه و درد وغیره +
۳۶۶	قالمه	سنگدان و چینه دان	پتھری	جاری با معدن واخیر طیور در شکم	مانند طبیعت طیور با خود	دیر هضم	آبکامه و نمک	بدل قشر آن سنگی	٠	کثیر الغذا مولد خون صالح رافع خفقان پوست نر داندرونی خشک کمو کان آن آب سائیده رافع درد و ورم معده دفع الامعا و اسهال لثه و مقوی هضم معده +
۳۶۷	قثار	خیار زه و خیار درازا	ککڑی	م	ب ر ۲	نفاخ بطی الهضم	نمک نانخواه	بادرنگ	٠	مسکن عطش و حدت خون و جگر و معده و حرارت و صفرا مدر بول مهیج حمیات عفونه مولد ریاح و قولنج و درد خاصره و خشک کرنه آن دافع اسهال صفراوی +
۳۶۸	قثد	خیار و بادرنگ	کھیرا	م	ب ر ۲	عصب معده مبرد و نفاخ	نانخواه مسل	٠	٠	نافع امراض حاده دماغیه و سهر و سرسام و اندمان استسقاء و ضماد گرم مخلفه تسکین حرارت صفراوی خون و اعضاء و تشنگی و اخراج حصاة +
۳۶۹	قرطاس	کاغذ مصری	کاغذ	م	ی	گرده غیر مصری	٠	کاغذ کبود سوخته	۳ ماشه	نافع قرحه ریه و سوزش معده و امعا و طبیخ سرطان قاطع خون شش و خیسانیده آن با آب و سرکه قاطع نفث الدم و اسهال و سوخته آتش انگیز +
۳۷۰	قرطم و حب العصفر	خسکدانه و تخم کافشه	کرڈ و کسم کا بیج	م	ح ی ۲ ۱	معده	شیرینی انیسون	حب الخضرا	۶ تولہ ۱۰ ماشه	مسهل محلل ریاح منقی سینه مصفی آواز منضج نزلات مزید منی مقوی باه نافع امراض سینه و استسقای زقی و لحمی و قولنج و منقی رو +

نمبر	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۴۷۱	تربز دوبا قوطین	کدو	لوکی	م	بر ۲ وتیل ۳	سدہ مولد قولنج	قرنفل زیرہ	۔	۔	مدر بول ملین طبع مرطب بدن ومفتح سدہ ونافع ... یرقان وتولید خلط صالح صفراوی وسرسام وہذیان وسہر وخشکی دماغ
۴۷۲	قرن الایل	شاخ گوزن دگاؤکوہی	بارہ سنگھا	م	حی ۲ و گوبندبی	زخم ایل و شاخ عنز البراد	کتیرا روغن	اسارون خولنجان	۲ ماشہ	القدر ۲ ماشہ سوختہ آن ماکتیرا برابرش نوشیدن قاطع نزف الدم واسہال مزمن وسیلان رحم وصلابت معدہ وسپرز دفرحہ امعاء قولنج دیرینا
۴۷۳	قرن المجرد عسیلی لوہم	کہربا شمعی	۔	صفنی زرد براق طلائی	میح دی ۲ وقیل لب	سدہ	بنفشہ	گل ارمنی سلیخہ مروارید	۲ ماشہ	قاطع نزف الدم تمام اعضاء ورعات وحیض مانع انصباب مواد بریہ مفرح مقوی دل ومعدہ نافع امراض عین اسہال کہ سوختہ قان وبواسیر وزحیر خلطہ وحرقت بول دفعۃ جنین فعلیقا +
۴۷۴	قرنفل	میخک	لونگ	م	حی ۳	گردہ ومثانہ	صمغ عربی	دارچینی بسباسہ خولنجان جوزبوا	۴ ماشہ	مفرح مسہی مقوی اعضاء رئیسہ وباہ وارواح نافع امراض باردہ دماغیہ وغیرہ دیرنات وتنقیہ سدہ وتقویت لثہ وریح دندان بارد وامراض عین +
۴۷۵	قسط بحری	کوشنہ	کٹ	یمنی معروف	حی ۳	مثانہ وریہ	گلنگبین انیسون	عاقرقرحا دوریح	۳ ماشہ	دافع امراض باردہ وکلف وبہق جاذب خلاط انظاہر مقوی اعضاء رئیسہ وباہ واعصاب محلل ریاح نافع امراض دماغیہ باردہ مسدر واوجاع مفاصل وحمی +
۴۷۶	قشر الاترج	پوست بیرون ترنج	۔	م	حی ۱	محرور وجگر سوء مزاج حار	عسل بنفشہ	۔	۲ تولہ ۵ ماشہ	مفرح مسہی مقوی دل ودماغ ومعدہ وجگر ہاضمہ احشاء باہ عطر دہن مطلق محلل ریاح وتفتیح سدہ مقوی بول ہی پیاز ونوم دافع غثیان مطلق +
۴۷۷	قشر البیض	پوست بیضہ مرغ	۔	م	ب ی ۲	۔	۔	۔	۳ ماشہ	کحل سوختہ اش دافع جرب وحکہ وآتشک وقرحہ وبثرہ چشم مکلس آب گشنیز تر عکرہ قطور گاہ بینی جالیس رعاف دتقطیر در رفع سیلان منی مجرب یافتہ مسنونا +
۴۷۸	قشر الخشخاش	پوست خشخاش دکوکنار	گمی مدر بوم	تخم کہ در دانہ خشخاش لبو	ب ۲ ی ۱	ریہ مبرود	شکر عسل مصطگی	۔	۶ ماشہ	مخدر طولاً وصناداً منوم لعوع مسدد نافع اسہال ودموی وصفراوی وسوزش معدہ ومثانہ وامعاء مرفہ دربعہ سعال وامراض سینہ واسہال مزمن +
۴۷۹	قشر الرمان	پوست انار	۔	م	بر قش حی ۲ شیرین بر ۲	۔	۔	۔	۳ تولہ	نافع اورام حارہ دریح وصنادگو تقویت وندانہا دحقنہ مانع سیح وقرح بختہ اش نافع سیح ایتلاء اسہال استنجا آبش جالیس خون لوار سیر دافع خروج مقعد +

[illegible]

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۳۰۰	قشر الفستق	پوست پستہ	.	پوست بیرون پستہ	ب ی ۲	.	-	-	۲۰ ماشہ	مجفف قابض مقوی معدہ وامعا وول ومندان ولثہ ومعطر دہن ورافع غثیان وقی واسہال وعطش وخروج مقعدہ ونزلات +
۳۰۱	قصب الذریرہ	نی نہاوندی	جراپیتا	نباتی تند معروف	می ۲ وقیل ۳	کرگاہ	انیسون	عرق صندل الکبیب اہلی رافر	۷ ماشہ	مدر بول وطمث عرق محلل مقوی دل جگر نافع استسقا ودرد سینہ وجگر ورحم وعسر البول وتحلیل اورام وسدہ وتفتیح سدد وورم جگر معدہ وقرحہ مزمن +
۳۰۲	قصب السکر	نیشکر	اوکہ ازما کو ات گنڈا پونڈا	م	ح ا ر ۲	اقتصادریہ مرطوب	انیسون	.	.	رافع خشونت سینہ ریہ وسعال وسپیدی چشم حابس مفتح ملطف خون سمن مدر بول منقی مثانہ مہی ملین بطن رافع سوزش معدہ مولد ریاح فرمعدا +
۳۰۳	تلقاس	.	ازدی	معروف	ح ا ر ۲	دیر ہضم ومسدد	سکنجبین و عسل	-	۷ ماشہ	مبہی مسمن رافع سرفہ وخشونت سینہ وحنجرہ وسیح امعا واسہال واستسقا وہزال وگردہ وحبس البول ودیوستش وحبس اقوی ومریع الہضم ودلسہ سودا +
۳۰۴	تلی وتحیب العصفر	تحار وقلنہ	ہبی	م	می ۴	کشندہ ۳۰ ماشہ	قی وشوربا وروغن	زرنیخ	۲ ماشہ	اکال لحم زاید محرق جالی بعفت بار آب حلکردہ ممتنع مدہ اثر ہاضم مشتہی قاطع بلغم رافع قی مایوس العلاج نافع ورم طحال وجرب وتاثیل وبہق وبرص وسعفہ ونواسیر وقروح واکتحال آن رافع بیاض عین حیوانات +
۳۰۵	قنب ورق الخیال	بنگ و کنب	بھانگ	م	برگش ۳ ی ب ۳	زاید از انداز ترسیاکشندہ	فی وشراب حامض	-	۳۰ ماشہ	مخدر مقی دماغ مدر بول وحابس بطن ممسک مجوف منی قاطع باہ محلل اورام کدر ارواح دماغی مظلم البصر مورث استسقا وجنون ومالخولیا کاشف رطوبت معدہ +
۳۰۶	قنبیل	کہنیالانی	کمیلہ	چیزی چون ریگ سرخ	ح ی ۲	اہعاو قم معد	کتیرا وشیح ارمنی ومصطگی	برنگ کابلی ترمس	۱۰ ماشہ	مجفف قروح رطبہ وجرب وقوبا وملتیم جراحات وسعفہ وبثور مخرج دیدان وحب القرع شرباً وطلاءً مسہل رطوبات لزجہ اخلاط ردیہ نافع عرق مدنی +
۳۰۷	رقیہ	بارہ د	گندہ بہروزہ زیر بجا	لبن درختی منجمد سفید	ح ۳ ی ۲	محرور وکرب و درغ	روغن بنفشہ وکافور	سکبینج و جاوشیر	۱۰ ماشہ	ملین مفتح محلل نافع سرفہ کہنہ وبیرز ورلبود وعسر النفس وامراض عصبانیہ وبلغمیہ کلف وقلع آثار جرب ودبولاثیر واختناق رحم وتسہیل ولادت +
۳۰۹	قہر وقیر	لعل معبری	رال دہونہ	م	ی ی ۳	-	.	.	یک سرخ	مدمل جالی محلل منقی راس بامادہ السل نافع جرح دربود استسقا تا بہ تحجر وزرد ادرار طمث وقروح مزمنہ وجرب وقوبا وناسور ودرد دندان وسبرز +

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
									باب نوزدہم در کاف
.	کات	کتھہ سفید	م	ن ۲	اکثار آن مضعف باه	مشک	.	۴ ماشہ	رادع قابض مجفف جالیس اسہال مقوی دندان ولثہ ومعدہ رافع قلاع وکرم شکم وجریان منی وسیح وزحیر وتپ ودربرص وقروح معا +
کافور قیصوری	.	کپور	م	ب ۳	باه ومبرد ومعدہ ومضعف	مشک عنبر بنفشہ نیلوفر	لعاب شیرہ صندل سفید	۲ رتی	سموم مفرح مقوی دل ودماغ دافع سہر وتشنگی وسوزش جگر وگردہ وحرقۃ البول وحمیات حارہ وحمی دق وذات الجنب وقرحہ وسل وخلفہ ورعاف +
.	.	کاکڑا سینگی	دوای مانند شاخ مجوف	ح ا ی ۳	.	.	.	.	نافع سعال وضیق النفس سبرد ومرطوب بیماء اطفال وفواق واسہال الدم وعطش وفساد بلغم وحمی وہضم طعام وتنا وتشنج نافع نہبق +
کاکنج وحب اللہو	عروسک پس پردہ	راجپوتکہ وبن پوتکہ	نوعی از نکوی وزخلاف	ب ۲	گردہ اکثار ش ومخدر	گل سرخ وگلقند	مکو	تولہ ۵ ماشہ	مدر بول قاتل دیدان وحب القرع رافع سعال وحرارت وعطش وعسر نفس ویرقان وقرحہ گردہ ومثانہ مجاری بول وگوش وبول الدم وربو وامراض گردہ ومثانہ وجگر مانع حمل بلغا +
کبابہ وحب العروس	.	کباب چینی	حبی سیاہ معروف	حی ۳ و یبس ۲	مثانہ	مصطگی وصندل	دارچینی وقاقلہ	۴ ماشہ	مقوی معدہ واعضای باطنی ونا شہوت لذت ملطف مفتح محلل ریاح مدر بول منقی قروح مجاری بول نافع صداع وفرحہ امراض جگر وطحال وسلس البول وسودا ک +
کبریت	گوگرد	گندھک	م	حی ۲	معدہ ودماغ	کتیرا شیر بنفشہ شکر	زوفا	۴ ماشہ	ملطف محلل مجفف جالی سخن جاذب نافع سعفہ وقروح سرد وتوباد جرب سموم وسکتہ وصرع وشقیقہ وسعوطا جذام وبہق وآثار جلد وزکام ونزلہ وسرفہ رطوبۃ یرقان واخراج بلغم سینہ وتشنج مریض ہو +
کثیرا	گوند	کتیرا	صمغی معروف	مع ح ب وقیل حر	سفل	انیسون	صمغ عربی تخم کدو	تولہ ۵ ماشہ	قاطع نزف الدم عقار باطنی مجری غلاظ خون ملین صلابات مسکن حدت اخلاط مانع سرفہ وامراض عین وخشونت سینہ وحلق وقرحہ ریہ +
.	.	کریلا	ترکاری معروف	حی ۳	محرور	سکنجبین وسردات	.	.	مقوی باه واعصاب دافع جریان منی محلل ریاح قاطع بلغم نافع درد مفاصل ونقرس سدہ واستسقا وطحال ویرقان ودیدان +

[illegible]

	ع	ف	ه	م	ط	سن	مص	ب	ق	افعال وخواص
۳۹۷	.	کشمش	.	سیوہ معروف	حسر	محرق خون	سکنجبین عناب	.	.	مسہل کثیر الغذا اضماد ش بازعفران و زردہ تخم مرغ و مغز محلل صلابات مفجر دمل آب مطبوخش مقوم باتات نافع سرفہ مصفی صوت منقی سینہ
۳۹۸	.	.	گرد ندہ	نباتی معروف	حی ۲	.	.	.	.	محلل مفتح نافع بواسیر و استسقا و دیدان شرب دلادہ کلائہ خشخاش بقدر ظفل برائے حبس شدید بکنند اخراج سہال مزمن سیفیۂ آب برگش رافع درد قطرہ
۳۹۹	.	.	گلونی کرچ	معروف	ح او قیل ر	.	.	.	ہ. ماشہ	نافع اقسام حمیات و سرفہ و یرقان و قی و غشی و کشتہا دادہ دفع ریاح بار و غن و سودا و صدمت صفرا بانیات قطع بلغم با عسل و تولید منی
۴۰۰	کمثری	امرود	.	ثمری معروف	تباہ امرود سیاہ گو بند	مولد تفخ و قولنج	زنجبیل مربی و زیارہ العسل	.	.	مفرح حابس بطن جالی مرطب دماغ نافع صعود الجرہ و نزلات و انصباب اور بوزش تشنگی و خفقان مقوی دل و معدہ
۴۰۱	کرنجبی کریانی	زیرہ	زیرۂ	م	ح ۲ ی ۳	ربہ	کتیرا	زیرہ بنطی و نانخواہ	ہ ماشہ	قابض محلل ریاح مجفف منخن ملطف مقطع نافع امراض بلغمی مقوی معدہ و جگر و اسعاد گردہ کرد تہا نافع نفخ و فواق و تحمہ و ورم سپرز
۴۰۲	اسندر و کر	.	.	صمغی زرد و طلائی	ح ۲ ی اد قیل ی ۲	محرق خون و مصدع	شکر و برنج فارسی	مصطگی	۱ ماشہ	مسہل حابس سیلان دم قابض مجفف محلل ریاح مقوی دل و معدہ و ارواح و قوت حافظہ مصفی آواز نافع خفقان و بد بوئی و سرفہ کہنہ
۴۰۳	کندرش	بیخ گاو زبان	.	م	ی ۳	ریہ و ریش کرب و غشی	کتیرا و نشیر	جو زالقی و فلفل	سیہ رتی	مسہل مطش بشدت قاطع بلغم محرق آن مفتح سدد و ماحی سوداء مخلل ریاح و اخلاط نافع بیہوشی و صذر و فالج و لقوہ و صرع و سکتہ و برص

باب بستم در لام

	ع	ف	ه	م	ط	سن	مص	ب	ق	افعال وخواص
۴۰۴	لاژورد	مغسول لاجورد	.	سنگی نیلی براق	منسوش بل ی ۲	فم معدہ مکرب مغثی	مصطگی کتیرا عسل	جحر ارمنی	ہم ماشہ	جالی مسہل سودا و اخلاط غلیظ رافع امراض سوداوی و توحش و غم و قابض مفرح مقوی قلب رافع امراض عین و قلب و جذام و حافظ جنین و مدر حیض

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۴۰۵	اللبن الاتان	شیر خر	گدھیکا دودھ	م	[illegible]	مرطوبین در دردوسہ بارد	گلنگبین	شیر گاؤ و شیر بز	نیم رطل	در دق و سل وحمی دق و در تپ مخلوط استسقا و ہزال بسبی مفتح نظیری سدد و حرارت و مبرد و منفخ طحال مفتح نافع عسر النفس حار و نفث الدم
۴۰۶	اللبن البقر	شیر گاؤ	گائی دودھ	م	بایل با عتدال مولد اخلاط غلیظ	سپیرز و احشا	شکر و عسل	.	.	گرما گرم دوشیدہ اش مسمی مفتح کثیر الغذا مصفی رنگ مولد منی مسمن فضلات مقوی جوہر دماغ و اعضا ملین طبع مفرح نافع سل و قرحہ ریہ
۴۰۷	لبن المعز	شیر بز	بکری کا دودھ	م	معتدل	.	.	.	.	منقی فضلات حجاب مرطب دماغ و نخاع نافع جراحت ریہ و دق و سل و حلق و مثانہ و حبس عرق منہ و ورم لہاۃ و خناق و نفث الدم :
۴۰۸	لبن النساء	شیر زنان	عورت کا دودھ	م	از مرضعہ دختر سردتر	.	.	شیر مادہ خر	نیم رطل	اگر در چشم دوشند ورم و خشونتش زایل کند گر گرم دوشیدہ اش نافع سل شیر مادہ در انف بوسیت قطع و سنجرین و سینہ و سہر و سرسام سوداوی ہذیان
۴۰۹	لسان الثور	گاؤزبان	کاتہ ماندرا و سنکاہولی	م	حرا	سپرز	صندل	ابریشم صندل پوست اترنج	۷ ماشہ	مفرح مقوی دماغ و حرارت عزیزی ملطف ملین مسہل نافع امراض سوداوی و سینہ و دل و سنگ گردہ و مثانہ و تشنج و خفقان
۴۱۰	لسان الحمل	بارتنگ	.	بتاستے معروف	بی ۲	سپرز	مصطگی	برگ حمری پستانی	ماہ تولہ	آب بہ لبن راد قابض ملین قاطع نفث الدم جمیع اعضا نافع قروح امعا و قرحہ ریہ و اسہال دموی و تسکین عطش و دق و سل و قلاع و سعدہ سپرز
۴۱۱	لسان العصافیر	زبان گنجشک	اندرجو	م	۲ بوقیل ۱۲	مصدع محرور	کشنیز	جوز بوا بکہ بجن نودر نکابہ	۲ ماشہ	نافع درد پہلو و دہنیگا و کمر در مہنزیق و خفقان سر کہنہ و بعضہ صعبات دعص و تسکین ریاح غلیظ مسہی مقوی اعضا مدر بول سمین محل دل و ہلیا
۴۱۲	لعل بدخشانی	.	.	.	۲ حب	.	.	.	سنہ سلی	مفرح قلب تافع قوت دماغ اعضا حار عرنبد نافع مرض خفقان وزنہ الم و بواسیر و ملاریا سوداوی و انجماد خون در باطن :
۴۱۳	لفت و شلجم	شلغم	شلغم	م	۲ ۲را	لتفاح بلی الہضم	فلفل زیرہ	.	.	ملین طبع و بطی الہضم مدر بول ہیجان شہوۃ مشتہی الطعام مغذی مقوی بصر زرفہ نفسہ ضماد ریشہ اش نافع سبز و جیس بول و تریاق سموم :

۵۳

درد صدر اور کھانسی … سوداوی شیر … بعد از …

بارنگ اور غائب … جان وضع … الانسان … دور … لعل بدخشانی … ۱۲ … دو … ۱۲۵ … بارنگ اور … اگر …

[illegible]

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
۴۱۴	بلب مسولی	اک	لالکھ	صمغ نست	ح ۲ ی ۲	سپرز	مصطگی	در لہنہ طباشیر و اسارون	۴ ماشہ	مہزل ابکر چوں چہار روز یکبد الحمک باسر کہ بنوشند حالی امتار محلل حابس مقوی معدہ و جگر دافع سدہ کبد و سپرز نافع استقا جمی دق و خنازیر ۞
۴۱۵	لوبیا	۰	لوبیا	م	سرخ آن ح ار ۲	دیر ہضم نفاخ مولد خلط غلیظ	زنجبیل کلفل ۲	باقلا	۰	محرک باہ مولد منی مدر حیض و بول حبس طمث سلس البول سل بخش منقی رحم از نفاس مخرج جنین زنند و مردہ و مشیمہ نافع دمعہ و کرد و مواد صدر و ریہ ۞
۴۱۶	لوزالحلو	بادام شیرین	بادام	م	حرا	احشا و ثقیل دیر ہضم	مصطگی و شکر	۰	۲ تولہ ۱۱ ماشہ	حافظ قوی و جوہر دماغ و اعضاے باطنی موافق سینہ ناقہ سرفہ و خشونت حلق زیادت بخشش تلیین طبع دفع امعا و مثانہ خدر تلیینی و تسمین ۞
۴۱۷	لوزالمر	بادام تلخ	۰	م	ح ۲ ی ا	امعا	شکر نبات بادام شیرین	۰	۰	محلل جالی منقی اخلاط غلیظہ مقوی بصر نافع صداع و ربو و سینہ و ریہ و درد گردہ و بعض جگر و طحال و یرقان و معقت ۞
۴۱۸	لولو	مروارید ناسفتہ	موتی	م	بی ۲	مثانہ	بسد	صدف سفید	۲ ماشہ	مفرح مسمن مقوی اعضای باطنی و قوی ارواح جابس اسہال مراری و نفث الدم و خون حیض و بواسیر نافع وسواس خفقان و خوف ۞
۴۱۹	لیمون	لیمون	نیمبو	م	ب ۲ ی ا	عصب ابہند فیر و منفس	شکر عسل	نارنج	۰	قاطع اخلاط جالی ملطف نافع اورام حلق و خفقان و جوش خون و صفرا و سوزش معدہ تقویت جگر و قی و غثیان و حمیات صفراویہ ۞
باب لسبت و یکم در میم										
۴۲۰	مدیر باذر یون	۰	۰	مرکب او حقیقی نیست	حی ۴	جلد و محرور زکرپا	گرد کشش	ابر لب صمغ حبوہ	۱ ماشہ	جالی مسہل نافع استسقا منقی و بلغمی و دیر الحمر دندان و جب القرح و ضماد برای ورم سپرز نو تو باد ہیق و جرب قرد ح ۞
۴۲۱	ماش و میج	بنو ماش	مونگ	بہی ماکول	ح ا ی	باد و سرد و دندان	قوابل حارہ و تمر نبات	باقلا ی مقشر	۰	بہترین اغذیہ بر قیاس بدل تحلیل صالح و نفاخ کثیر الغذا اجا کلف نافع محرور و حمیات حارہ و سکین حدت خون صفرا و تقویت اعضای عصبانی

#	ع	ف	ه	م	ط	صف	مص	ب	ق	افعال و خواص
۴۲۲	.	.	مالکنگنی	[illegible]	ح ۲ ی ۲	محرور وجع ان	.	.	.	مقوی [illegible] و قوت [illegible] نافع اوجاع مفاصل [illegible] و نقرس [illegible] و [illegible] گرده
۴۲۳	ماء بیرانی چینی	.	.	نوعی از زردچوبه	[illegible] ۲	گرده	عسل	زردچوبه	۱ ماشه	[illegible] جلای [illegible] و جالی [illegible] دندان با عسل [illegible]
۴۲۴	ماء [illegible] المرزنی	آب برگ [illegible]	[illegible]	م	پ	.	.	.	۱ تولہ	محلل [illegible] حار [illegible] معده [illegible] امراض [illegible]
۴۲۵	ماء کاوڑی	عرق کیوڑہ	کیوڑہ	م	.	.	.	.	۱ تولہ	مقوی [illegible] دل [illegible] و مفرح
۴۲۶	ماء الورد	گلاب	گلاب	م ۱	م	[illegible]	[illegible]	.	۱ تولہ	[illegible] معده [illegible] حلاوة
۴۲۷	ماء الهندباء المروق	آب برگ کاسنی [illegible]	کاسنی [illegible]	م ۱	بر	[illegible] سرفه	شکر [illegible] بنفشه	.	۱ تولہ	مقوی [illegible] جگر حار [illegible] سده
۴۲۸	مراره	زهره	پتہ	م	ح ی	جگر و زهره	[illegible]		لا لوکل	زهره [illegible] زنان
۴۲۹	مرجان	مرجان	مونگا	[illegible]	ی ۲	گرده	صمغ و کتیرا	کهربا	۱ ماشه	قابض [illegible]
۴۳۰	مرداسنج مغسول	مرداسنگ	.	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اقلیمیا	[illegible]	محلل [illegible] قابض [illegible]

[illegible]

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص
۴۳۱	مرزنگوش	مرزنگوش	دونسرد	م	رح ۲ ی ا وگوئیند خ	گرده و مثانه	کاسنی تخم خرفه	فلفل آبشن شوربز	۱۰ ماشه	مفتح جالی جاذب ملطف منفث محلل رافع صداع بارد وتقویت زکام دمنقی دماغ مفرح نافع سرفہ وضیق وا استسقاء سنعس ؛
۴۳۲	مرصافیت	۰	بول	سپیخ بنگلی سپیخ سنبہ	رح ۲ ی ۲	محرور ومعکانہ	عسل	میر قسط تلخ فلفل سوجہ	۱۰ ماشه	مسہل ملزق مدر قابض مفتح منضج محلل ریاح واورام مانع اسہال مزمن وقرحہ دود گرده ومثانہ ومنقی دماغ ملتیم وقروح ومجفف آنہا مفتح منضج محلل ریاح واورام مانع اسہال مزمن وقرحہ دود گرده ومثانہ ومنقی دماغ ملتیم وقروح ومجفف آنہا ؛
۴۳۳	مرتیشسا نحاسی محرق	۰	سوناکی	سنگی غیر ان	رح ۲ وقیل ی ۳	سم قتال	قی	اقلیمیا	۱۰ ماشه	فرید تیزیر جالی محلل اورام صلبہ قابض منخن مفتح تلبیقش بگردن طفل دافع فزع بخواب ملتیم قروح اکال لحم زاید رافع برص ؛
۴۳۴	مسک ہبنی	مشک	کستوری	م	رح ۳ ی ۳ وقیل رح ۲	دندان ولمحرورین ومصدع	گلاب کافور	جند شاه ترح ہندی	۱۰ ماشه	مبہی سرعت انزال دتوحش خفقان وغم ومالخولیا وضعف دل ازبرد دلقوه روشنیان فالج وشنج حرارت غریزی ؛
۴۳۵	رومی مصطکی	کندر رومی	۰	م	حی ۲	مثانہ	کتیرا صمغ عربی	کندر واذخر علک البطم	۴ ماشه	ملطف جالی محلل قابض مقوی اعضار رئیسہ وقوی معده وکبد وگرده وہاضمہ جاذب رطوبات دماغ مصفا و نافع حمی ؛
۴۳۶	منافث	۰	سپیده کلکی	بیخ دراز خوشبو سیاه	رح ۱ ی ۱ وقیل حر ۲	مثانہ	عسل	سورنجان فلفل عاقرقرحا	۷ ماشه	مقوی اعصاب واعضاء ترخیہ دباہ سمین نافع امراض سرد ورگ کرده وتی دادوجاع وقطر ریزرم رحم وحل وتنقیہ سینہ وریہ وامعا و نافع مفاصل ؛
۴۳۷	مقل ازرق	جهودان بوی	گوگل	صمغ معروف	ح ۲ ی ۲	ریہ وجگر	کتیرا زعفران	مرمکی وصبر	۳ ماشه	محلل اورام جالی ملین نافع ربو وسپرز فم رطوبتی دکر از دوره گلو ومنقی سینہ از اخلاط محلل ریاح بواسیر نافع عسر ولادت ؛
۴۳۸	۰	۰	مکہانہ	م	حر	محرور	۰	۰	تولہ	حابس اسہال وجریان منی ومقوی اعضاد باه ومزید منی در شیر ودود دافع غلیان خون خشک بریان کرده اش با فذائیت حابس اسہال
۴۳۹	ملح اسود	نمک سیاه	کالانون	م	حی ۲	۰	۰	۰	۰	مسہل بلغم ولزوجات جالی رافع تخم طعام ومشتہا اگر بقدر حنطہ ماینہ سوده کرده بخورند فواق را دفع نماید ؛

	ن	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال و خواص
۱۴۴۰	ملح اندرانی	نمک سنگ رادی	نمک لاہوری	م	ق ۳	.	.	.	نور تلستنن ۶ ماشہ	مسہل بلغم ولزوجات مقوی فہم و ذہن نافع امراض عین و تقویت لثہ مسترخیہ و درد دندان و دافع تخمہ و جشاء
۱۴۴۱	.	.	موچرس	م	ب ۲ ی ۳	مورث حبس بدن	شکر روغن بادام	.	۱ تا ۳ ماشہ	حابس اسہال قابض شکم مولد و ممسک منی حابس خون حیض دافع مادہ خام و فساد صفرا و خون و سوزش اعضاء و جوشش ہا از خوردن سیماب
۱۴۴۲	نخود طلخ	.	کیلا	م	ح ۲ ر ۲ در ۲	نفاخ و مسدد	نمک بالائی آن و شکر	شکر قند	.	کثیر الغذا جالی مسمن مبطی الہضم مفرح مبلین نافع سینہ و خشونت و حرقۂ حلق و صدر مسکن تشنگی مولد صفرا و جبس لطن و محرک باہ
۱۴۴۳	.	.	موصلی سیاہ و سفید	م	حی ۲	.	.	.	.	مقوی باہ و بدن مزید منی با روغن و شیر و شکر نافع ضیق و بواسیر و تحلیل ریاح آن و تریاق و ہیضہ بلغمی و اسہال و سیلان منی
۱۴۴۴	.	.	سنڈی	بنائی معروف	حر ۲	.	.	.	۱۰ ماشہ	مسہل مقوی اعضاء رئیسہ و مقوی ارواح و معدہ و محلل مصفی خون ملطف مفتح نافع خفقان و توحش و امراض سوداوی عین و تسوید مو
۱۴۴۵	میعہ سایلہ	.	سلارس	صمغی بسیار خوشبو	ح ۳ ی ۲	ریہ	مصطگی	روغن یاسمین جندبیدستر	۱۰ ماشہ	محلل ریاح مقوی منضج ملین مجفف نافع تقطیر بول و سنگ مثانہ داء و جاع مفاصل و ستر و زکام و خنازیر و شقاق
										باب بست و دوم در نون
۱۴۴۶	نارجیل و جوز ہندی	نارگیل	ناریل و گری و کھوپرا	م	ح ۲ ی ۱	زیرہ و مشقی و سنگ خون غلیظ و تخمہ	شکر نبات یا میوہ ترشی	مغز تخم کدو و پستہ چلغوزہ	تولہ ۲ ماشہ	مسمن مبرد مولد خلط صالح مقوی حرارت غریزی نافع فالج و جنون استرخاء و مالخولیا و ضعف جگر و قرحہ باطنی و بواسیر و بلغمی تسکین درد کمر و مثانہ
۱۴۴۷	نارجیل بحری	نارگیل دریائی	دریائی ناریل	م	مرد و قیل حرا	.	.	.	تا ۸ جو	تریاق حافظ قوی بقدر چہار حبہ بگلاب دہ لانافع ہیضہ و سم ملوس و امراض بلغمی فالج و لقوہ و صرع و جاع مفاصل و سم و کرم و قی ناقہ

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	بد	ق	افعال وخواص
۴۴۸	۰	تاک خواہ وزنبان	اجوائن	م	گ ی ۲	[illegible]	[illegible] مشمش	[illegible]	۳ ماشہ	مدر محلل ریاح مجفف نافع فالج [illegible]
۴۴۹	۰	نبات سفید	مصری	م	حرا	صاحب سل ومفص	[illegible] طباشیر	ترنجبین	۹ تولہ	[illegible]
۴۵۰	نخالہ	سبوس	بھوسی	[illegible]	ح ی ۱	نشاستہ	آرد جو	۰	۰	محلل اورام [illegible]
۴۵۱	نسرین	گل نسرین	سیوتی	گلی سفید [illegible]	گ ی [illegible]	دماغ حار	کافور	یاسمین	۳ ماشہ	ممسک ملطف نافع [illegible]
۴۵۲	نشا	نشاستہ	۰	م	ب ی ۱	[illegible]	شیرینی ہا [illegible]	[illegible]	۵ تولہ ۷ ماشہ	قابض [illegible] ودرد سینہ وسل
۴۵۳	نضنع	۰	۰	بناسپتی معروف	ح ی ۲	[illegible]	کرفس	[illegible]	۹ ماشہ	محلل [illegible] خفقان وغشی
۴۵۴	آہک	چونا	م	ح ا ی ۲	قاتل	[illegible]	۰	[illegible]	لا یوکل	قاطع [illegible]
۴۵۵	۰	نوشادر [illegible]	نوسادر	م	گ ی [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۵ سرخ	[illegible]
۴۵۶	۰	۰	نیم	م	حرا [illegible]	۰	۰	۰	۰	[illegible]

ع	ف	ه	م	ط	عس	عص	ب	ق	افعال و خواص
				باب بست و سوم در دوا					
ورق	ابریشمی	زنج	ابریشم خام کتره در	عصا ... ۲	سرد خون	راز بانه سکنجبین	اترفل شاه نانخواه زیره	سه ماشه	مفرح ... ملطف منقی دماغ از فضلات نافع فالج و غدد ... و ... عین
ورد احمر	گل سرخ نار سیر	گلاب ...	م	ربایی ۲ ...	بادر سلطانی	حب الرمد و ...	... عرق ...	... ماشه	مفرح ... مسهل صفرا ... مقوی دل ... مسکن صفرا ...
... نیلوفر	گل نیلوفر	۰	م	بر ۲	...	...	...	۱۰ ماشه	مقوی دماغ و دل مسکن حرارت ... دافع تشنگی ... نافع خشکی ...
۰	...	...	م	...	...	...	۰	...	مفرح مقوی حرارت ... دماغ ... اسهال ...
۰	ورق نقره	چاندی کا ورق	م	...	اصا	کیتر	۰	۱۰ ماشه	مفرح ... مقوی ... اسهال ...
				باب بست و چهارم در بیان ...					
یا ...	۰	...	...	...	...	...	...	۱۰ ماشه	...
...	۰	۰	...	...	۰	۰	...	...	...

ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	ب	ق	افعال وخواص

باب بست و پنجم در خواص حیوانات بترتیب حروف تہجی مع بیان حلت و حرمت ہر حیوان و این باب مسمی ست به تکمله ناصری

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال وخواص
۱	البقع	زاغ پلید خوار	کوا	غراب ابلق	ی ۲	۰	۰	حرام	جائیکه موکنده باشد خون زاغ بسرشت آنجا النوم آید مغز سرش با زہرہ گاو دو گاو آمیخته بر ذکر بمالد دفع کند معقوله واگر نو گردد
۲	ابل	اشتر	اونٹ	م	ی	۰	۰	حلال	طلاء پیہ کوہانش بر بدن سپید بر مصروع ملنفع بود اگر بر ران کودکی که بر بستر بول کند بخورد بند نفع دهد خاکستر پشمش در بینی رعوف بند ہمیشہ زائل کند سرش نلیغ استسقا را
۳	ابن آوی	شغال	گیدڑ شغال	م	۰	۰	۰	حرام	بیلیں چشم را لاعلاج امن از نسیان بن دست تعلیق دلش موجب امن از مار و کژدم باغ زبانش در ہر خانه که اندازند میان اہل آن خانه خصومت افتد طلاء اسخواں کش درزنده گوشتش گرفته بر زن نتیمه کرد درسیر گوشتش اگر بر زخم بپاشند خون جاری را گرخونش دفع ختنان زیر و مغزش خشک کرده بمصروع نافع آید
۴	ابن عرس	راسو	نیولا	م	ی ۲	محرور	سر که کاسنی	حرام	گوشت راسو بر دیع مفاصل ضماد سازند نفع تمام دهد از آن در دیگ سفالی سوخته خاکسترش با سرکه بر نقرس طلا کنند نفع بسیار کند چشم را سوخته کرده مصروع بخورد نفع دهد اکتحال دماغش رافع ظلمت عین
۵	ابو البراقش	۰	۰	جانور یست	۰	۰	۰	حلال	
۶	احمر	سرخ	لال	طایر معروف		۰	۰	حلال	
۷	ارضه	دیوه چه	دیمک	کرمی ست	ح	۰	۰	حرام	سستی باه اگر سرش بریده باقی را بدہن گاو چرب کرده بلیغ نماید و طلا کرده آن بر دہن شام بقوت نافع بواسیر است

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
٩	ارنب بحری	.	.	حیوانی دریائی	-	سم قتال	تثیر لعابات	حرام	خاکستر ش با پیه خرس بر داء الثعلب طلا سازند مو بر دیاند و در چشم کشند جلا دهد +
١٠	اسد	شیر	باگھ	درندہ معروف	ح ی	.	.	حرام	از آواز خروس سفید بگریزد هر کہ دندانش با خود دارد از درد دندان ایمن گردد زهره و مغزش سایع گریزند چنگالش هر کہ با خود دارد از اذیت سباع ایمن گردد و جلوس بر پوست شیر نافع صاحب بواسیر و صاحب حمی ربع بود و موی لشکرش تسم قاتل ست اگلا گوشتش موافق مفلوج +
١١	اسربع	.	.	جانور لیست	.	.	.	حرام	موی آدمی رافع شقیقه ست تعلیقاً و رج رطلین هیدین خود را باب شسته هر کہ را بجز رانی شاربیا سرد بر این وقت نار دو همچنین اگر جیب جمش عود در سخته یک پیمانه شاپی
١٢	انسان	مردم	آدمی	م	.	.	.	حرام	کر ادند اند موی انسان سوخته با گلاب آمیخته وقت ولادت بر سرزن مالند زود بچه بزاید در لوچه کہ از بطن آدمی بر آید خشک کرده خوب باریک نموده اکتحال بآن باعث انداز مین ست موی آدمی اگر لهاحب شقیقه آویزند شقیقه ساکن گردد و دمساق صائم سم مار است +
١٣	انسان الماء	آدمی آبی	جلمانس	آدم آبی	.	.	.	حرام	.
١٤	انیس	.	.	میوانی ست	.	.	.	حلال	.
١٥	آوز و وقاز	بط	بنج	م	حر	دیہضم	سسکہ دا با زیرہ	حلال	بیضه وی بسیار بہی گوشتش آواز و رنگ صاف کند و سمن و بہی و پیه وی نافع شقاق باشند و اگر با موم گداخته بر و مالند جلا دهد +
١٦	ایل	گوزن	بارہ سنگھا	م	حی س	.	.	حلال	شاخ گوزن سوخته بر دندان بالند خوب جلا دهد بسیاهی رغبه البراید و دندان را قوت دهد اگر شاخ گوزن با شیرنی بنوشند و ایله و التفاط افزاید +
١٧	باذنجی	باتر	باز	م	ت حی س	مولد قولنج	الباذیر	حرام	اگر بیشک ادر کبابگرده و اقره بجوها لی گردد اکتحال مرارهٔ آن باعث امن از نزول ماست سر گینش با عسل بر رطل نهند زود سر کشد +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال وخواص
۱۸	باشق	باشه	باشه	م	حی۲	.	.	حرام	دماغ اونیم درم با آب با درنجبویه با گلاب حل کرده بصاحب خفقان بخورانند صحیح گردد +
۱۹	ببر	.	.	حیوانی قوی از شیر	حی	.	.	حرام	مرارهٔ آن با آب حل کرده بر سر صاحب سرسام نهند سرسام طلا سازند نفع بین کند کسیکه پوشاخ بند نشد رفتن هرگز مانده نشود +
۲۰	ببغا	طوطه	طوطا وسگا	م	ح ۲ ی	.	.	مختلف فیه	اگر کسی زبانش بخورد فصیح و تیز زبان گردد و اگر عقیقه گوشتش خشک کرده ببطر خورده با مرد فراهم آید حامله گردد و گوشتش نافع مرض دعطه ذوق +
۲۱	برغوث	کیک	پیسو	پرنده خرد	.	.	.	حرام	از دخان خرزهره بمیرد و مجرب غوث زیاده از یخ رو ذبحو در برغوث ما چون بر فرو پشه گردد و خارش برغوث سبب ست که در جامه بپرسد +
۲۲	برقان	.	جهینجهری	پرنده ایست	.	.	.	حرام	.
۲۳	بعوض	پشه	مچھر	م	حی۲	گزیده زنش حکه آرد	تدهین	حرام	بلغ نمود لش زنده با حنا رافع عسر البول و مدوکنزل بجوشند با گلاب نهاده بلغ نمودن تپ بلغ را مجرب ولفوغ سائیده آن در احلیل براید را ربول نقیست حصاة نافع وپشه از دود گاو سرگین و خوشبوی سب صنوبر بگریزد +
۲۴	بنات	.	.	طائر بری شکاری	.	.	.	حرام	.
۲۵	بغل	استر	خچر	م	ی۳	.	.	حرام	از بیخ زخانه بسم ماده شتر موشان دسائر هوام گریزند اگر سرگوم سرگین استر پوشیده تحت بدان انداخته بر رهگذار اندازند که پای برو نهند زکام دو نقل شود
۲۶	بقر	نر گاو و ماده گاو	بیل گای	م	حی	مولد سودا	مصلحه دار چینی	حلال	گوشت گاو سرخ از همه بهتر و از پوست خربزه زود مهرا شود و وشاخش نیا نه موشان را گریزاند قضیب نر گاو سوخته بخشه بشیر سست با شیده خوردن مهیج باه +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
۲۷	بقر جبلی	گاو کوهی	سرگای	مشکل به ریست	.	.	.	حلال	از دود شاخش ماران گریزند اگر سرگینش بر آماس نهی به شود اگر زهره اش بر ذکر مالی قوی گردد اگر خونش بر جراحت نهی بالیتد +
۲۸	بقر وحشی	[illegible]	نیل گای	م	ح	.	.	حلال	لحمش ... آهو نافع درد سپرز و گرده و مقوی دل و دماغ اگر با ساق ... بر زند نافع بود و صفرا و بلغم افزاید خاکستری در طعام صاحب ... دهند حمی زایل گردد ... مبهی و منعظ است +
۲۹	بلع	استخوان ربا	ہا	طایر است	.	.	.	حرام	.
۳۰	بوم	چغد	الو	معروف	.	.	.	حرام	[illegible] ... بوم ... انگشتری ... بر که بخورد ... آتش ... دیگری شود +
۳۱	[illegible]	.	.	حیوانی است	.	.	.	حلال	.
۳۲	بهری	[illegible]	بهری	م	.	.	.	حرام	.
۳۳	تدرج	تدرو	.	پرنده است	ر ی	اسهال صفرا	سکنجبین	حلال	گوشت آن لطیف سریع الهضم مولد خون صالح مقوی دماغ و فهم ... نسیان ... چکانند ... +
۳۴	.	زرشتاق	ترمتی	پرنده است	.	.	.	حرام	.
۳۵	تمساح	نهنگ	گریال	حیوانیست آبی	ح ی ۳	.	.	حرام	دندانش ... بر پیشانی ... +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال وخواص
۳۶	قنوط	کیتو	بیا	معروف	•	•	•	حلال	اگر بکار روغین او ما ذبح کردہ خون خوش بخورد آماس سینہ کہ عرصہ بسیار گذشتہ بس و گر بار عرصہ و مکنہ مرارہ دیشکر کبوتر کی دہند خوف بیش مردم معزز گردد +
۳۷	تیس	بزکوہی	پہاڑی بکری	م	حی ۳	•	•	حلال	بشک ازبر بر سر طفلیکہ بسیار بگیرند نہبند گریہ دمنون شاعش کحلی ندان نمایہ انش خشک کردہ در شیر بیہ نوشند آنقدر لنوط شود کہ ساکن هشود +
۳۸	ثعلب	روباہ	لومڑی	م	حی	•	•	حرام	روغنش بہ نقرس بسیار نافع و کذلک پیہ آن دندانش ہر کہ بدست گیرد سگ بروبانگ نکند پیہ وی بہ بیتانی بالند خواب آید میلرن زہرہ در عینی مصروع نافع
۳۹	جاموسہ	مادہ گاومیش	بہینس	م	حی	ولد مفاصل	دارچینی	حلال	غلیظ ترین لحوم ست دو دیر ہضم و کیموس بد تولد کند و مان آتش مولد قمل سیاہ غی گر آمیختہ باکمسا نہ برانی بر برص و جرب مالند زایل کند و جریش بپیشہ گریزد +
۴۰	جراد	ملخ	ٹڈی	م	حی ۲	مورث جرب حکہ	سکنجبین	حلال	۱۲ ملخ بلا سر و اطراف با قدری مورد سائیدہ مستسقی بنوشند شفا یابد نافع تقطیر البول و بواسیر چون بخورد کہ عسر البول و سنگ مثانہ را نافع +
۴۱	جریت	مارماہی	بام مچھلی	چوق مار یشود	•	•	•	حلال	خوردنش صفی صوت و سعوط زہرہ آن بقرس مجنون نافع چون تن و گوشت آن از ہر ماہی لذیذ تر میشود +
۴۲	جعل	سرگین گردان	گردلا	کرمی ست بسرگین زاید	حی	•	•	حرام	اگر آنرا خشک کردہ بکوبند از لسع عقرب نفع عظیم دہد اگر آنرا سوختہ بر جراحت خبیثہ بپاشند زود باصلاح آرد و آب مقل سرگین گردان تنہا دفتہ بر موضع عقرب گزیدہ نافع سم است از او بعوف ذکہ آنکشتہ بران زن بنہند دافع عسر ولادت است +
۴۳	جنرہ	•	•	•	•	•	•	حلال	•
۴۴	جُندب	زنجرہ	جھینگر	پرندہ معروف	حی	•	•	حرام	خاکستر آنرا با سرمہ آمیختہ در چشم کشند نور بصر افزاید خشک کردہ بکمید آنرا با یکدانہ فلفل بخورد شفا یابد و بریت پختہ قطور کرد نافع وجع گوش است +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
۴۵	حباحب	کرم شب تاب	جگنو	کرم شب افروز	حی	۔	۔	حرام	۲ عدد آن قتال قطور بگیرد خشک سائیده آن بار غن گل بمالد اخراج جرک گوش زوال کری آن مجرب آزار بر غن کنجد اندا خته بدرد بالیند مجرب العمار گرده +
۴۶	حباری	هوبره	چرز	مرغی بری	۔	۔	۔	حلال	گوشتش سبک الی گوشت بلاست پوست اندرون سنگدانه او خشک ساخته با نمک اندرانی سائیده به چشم کشند بیاض را ببرد بهر غن دل الکرسیت
۴۷	حجل	کبک دمرغ آتشخوار	چسکو	۔	۔	۔	۔	حلال	زهره او در چشم کشند تاریکی چشم ببرد آکل گوشتش تیز فهم گردد و سه ماشه جگر او صاحب صرع بخورد از صرع نجات یابد +
۴۸	حدارة	زغن و طیوار	چیسل	م	حی ۲	مورث جنون	۔	حرام	خوردن گوشتش تریاق زهر قاتل است شرب خاکستر استخوان سوخته اش بجهت جراحت خبیثه باشند و دیا صلاح آید و خاکستر پرها او با آب حل کرده شیدن نافع نقرس +
۴۹	حسربا	آفتاب پرست	گرگٹ	م	حی ۴	سم قاتل	قی و تریاق	حرام	در چشم نهند سر اکنده خوردنش بالمره دیگر گاهی خوبرو بدو اکتحال زهره آن مزیل غشاوة بصر و گوشت و زهره آن سم قاتل ست فورا قی کنانیده مسکه خورانند
۵۰	حرذون	۔	بائهو	حیوانی چون گربه	ح ا ی ۳	۔	۔	حرام	اگر پوست آنرا سوخته بر تمام بدن طلا سازد برص اگر تیغ زنند روغن معلوم نشود و لیکن در خرقه سیاه بسته صاحب تپ ربع بندند شفا یابد اکتحال خون خرد دن مقوی بامره و سرگین آن رافع بیاض و حکه عین و ضماد آن بر چهره مصفی رخساره +
۵۱	حرنبشو	گوش خر	کنسلائی	پرنده بسیار خرد	۔	۔	۔	حرام	۔
۵۲	حلزون	سفید مهره	سنکه دکوڑی	معروف	بی ۲	۔	۔	حرام	سرد و سبک دمقوی بامره و دافع فساد المزه و صفره و خون طلاء بر پیشانی زهره با بیوه ادمانع الضباب سواد چشم +
۵۳	حمار اهلی	خر کاد گوسفند	گدها	م	ح ۲ ی ۳	۔	۔	حرام	اگر عقرب گزیده بر خر یار گونه نشیند و گوش خر بآواز بلند گوید که مرا در فلان مکان گژدم گزیده است درد بخر رود آنکس خلاص یابد و شیرش مسهل طلاء +
۵۴	حمار وحشی	گور خر	گور خر	م	حی ۳	مولد دم سوداوی	۔	حلال	گوشتش قاطع سده و مسدد تفرس بر مفاصل نهایت نافع اکتحال مراره آن رافع نزول ماء و ظلمه عین و پوستش او خشک کرده کوفته بخوردن رافع ضیق ست

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال وخواص
۵۵	حمام	کبوتر	کبوتر	م	ح ۲ ی ۱	محرور	سرکہ کشنیز	حلال	مقوی گردہ وباہ ومنی افزا ودافع فالج ولقوہ وحذر و احتر خانہ ہر جا کہ کبوتر بود از حذر و فالج وسکتہ وسبات محفوظ [illegible] خون کبوتر سفید غشاوہ وتاریکی چشم [illegible] افزاید وبلادت [illegible] ست ولین الطبن +
۵۶	حرہ	لودرک	.	چھوٹی ہست	.	.	.	حلال	.
۵۷	حیۃ	مار	سانپ	م	حی ۳	.	-	حرام	دلش با ہر کہ باشد جادو برد [illegible] گوشت مار نافع جذام واستسقاء [illegible]
۵۸	خراطین	گلخورہ	کیچوا	حیوانیست [illegible] گل باشد	حی ۳	اعصاب	روغن بادام	حرام	[illegible] خشک کردہ آنرا با شیر زن [illegible] بروغن گل [illegible] طلا سازند [illegible] بادہن الحل طلا سازند +
۵۹	خطاف	پرستوک	ابابیل	طائریست	حی ۳	.	.	حلال	قلبہ از احمق [illegible] الباہ ومرارۃ [illegible] الشعر الابیض [illegible]
۶۰	خفاش	شبپرہ	چمگادر	م	ح س ی ۲	.	.	حرام	[illegible] ہر کہ با اللہ [illegible] در کبوتر خانہ نہند کبوتری [illegible]
۶۱	خلد	موش کور	چھچھوندر	سم	بغایت گرم	از سموم قتالہ	.	حرام	دم وشش قابض [illegible] اگر بیان جماعت [illegible] +
۶۲	خنزیر	خوک	سور	م	ح ۲ ر ۳	مورث داء الفیل	خمر	حرام	تعلیق استخوانش [illegible] بالند در آنجا نہ دشمنی پدید آید [illegible]
۶۳	خیل و فرس	اسپ	گھوڑا	م	حی ۲	کباب نفس محرور را	دوغ	مکروہ تحریمی	مورث شجاعت نافع [illegible] فالج [illegible] طفل [illegible] +
۶۴	دب	خرس	ریچھ	معروف	حر	.	.	حرام	[illegible] دندان [illegible] طفل [illegible] +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال وخواص
۶۵	دیسی	موسیچہ	کنٹر رکچیہ	.	.	.	.	حلال	.
۶۶	دجاجہ	ماکیان	مرغی	م	ح و مع در رطوبت	مراق عش باعث نقرس	ادویہ حارہ	حلال	مولد منی محتمن اجسام نافع فالج ولقوہ وغیرہ مقوی دماغ مصفی صوت ودماغ ماکیان کہاکہنے بیاض زردہ را بہند حسب بطلا از زہرہ ماکیان سیاہ نورگیرد بسیار لذت دہد
۶۷	دراج	تیہوہ	تیتر	پرندہ ایست	حی	محرور	.	حلال	مولد منی ہیجی با قلبض خشکہ خوردہ واز کہ افزاید موافق کسانیکہ از بیمار خیزند مقوی دماغ وقطور بہ اخبش سہ بار بروغن کیوڑہ گداختہ مزیل وجع عین +
۶۸	قنفذ	خوک آبی	سوس	غوک را ربا شد	.	مولد سودا	.	حرام	دندانش برگو دک بندند تر سد بیہ او صاحب وجع مفاصل بخورند نافع بود پیہ سوس در حنظلی گداختہ بہ در گوش چکانند کری نود کہن بر رود +
۶۹	دلق	دلہ	.	حیوانی خرد از سگ	حر	.	.	حرام	گوشش سبہی طلوس برگوشتش قاطع بوا سیر وگیلیس جشم رات آن بکتان نافع تپ ربع وقطور دوش در الف مصروع رانافع سرع آن +
۷۰	دیک	خروس	مرغ	م	ح ی	.	.	حلال	شوربائے وی نافع رعشہ ودرد مفاصل ضیق وقولنج خروس سفید در خانہ کہ بود خیلطان نیاید خصیہ خروس بوز کانفری بجیدہ بپانی چسپند ولقوطا تمام کند +
۷۱	ذباب	مگس	مکھی	م	حرا	.	.	حرام	کند نش تشیر طلکردہ درمکان پاشند مگس در آنخانہ نیاید وانعدو دلق قرحہ وکند تش وسلتہ ہم بگریزند مگس را سودہ کرد بہ پر بسے انبوہ بالندہ وروساکن شود +
۷۲	ذئب	گرگ	بھیڑیا	م	حی	.	.	حرام	دارندہ جشم دو ندانش باخود در نظر مردم معزز باند حسیبہ را ہر کہ باخود دارد بسیار مرا فشرت کند کعبیش ہر کہ باخود دارد از رنج خستہ نشود +
۷۳	روبیان	ماہی میگ	جھینگا یہ مچھلی	قسمی از نرم آبی	ح ۲ را	ملح آن مولد	روغن بادام	مختلف فیہ	بہترین آن تازہ آنست مبہی ست وملین طبع وغذای صالح است اما خلط بد ازوی پیدا شود-
۷۴	زرافہ	اشترگاو	.	جانوری	ح ای	محرور	عرق الجیس بہست خربزہ	حرام	مولد سودا خوردنش با روغن واقادیہ ہاضم وزہرہ آن برای نزول آب سفید+

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
٧٥	اذرور	شنارک	ینا	م	حی	دماغ و محرور	بروغن پختن	حلال	اکلش تاریکی چشم ببرد آنرا خشک کرده اگر صاحب خفقان بخورند باصلاح آید خاکسترش بر جراحت خبیثه افشانند به شود میر گینش رافع قوبا و کلف
٧٦	زمج	دودیوولان	٠	ماری شرع	ح ی	٠	٠	حرام	نافع ضعف دل طبعی خفقان عارضی زہر حاآن رافع غشاوه ظلمت بصر شبکوری اکحالا و سرگین آن رافع کلف بمش و آثار جلد +
٧٧	زنبور	کلیز	بجر	برنا بری	ح ی	٠	٠	حرام	طلاآن با عسل خشک رافع برص اورام رخوه بارده و طلاآنار حیل بکری سوده جای لسع آن رافع درد و ورم دگزیدنش نافع مفلوج +
٧٨	سام ابرص	چلپاسه	چھپکلی	م	حی ٣	مورث سل اکال	تریت ریباس	حرام	برجوم بند مزتب بربرزن بند عامله تشود دانگی که سام ابرص غلطه آکل آن جمک میبرص شود آنرا شگافته بجای خار خلیده نهند با سانی برآید
٧٩	حسبه و بسبین	ہزار پا	ھنکھیورا	م	٠	٠	٠	حرام	اگر بگوش گزدد در روغن گرم گرده بگوش انداز ند همچنین سرکه نمک +
٨٠	سرطان نہری	خرچنگ	کیکڑا	م	ب ر٢	مثانه	گل مختوم	حرام	آنرا کوفته بجای خار خلیده نهند زود با سانی برآید گوشتش با شیر خر نافع دق و مسلول ست اگر آبرا بر صاحب تپ ربع بندند زائل شود +
٨١	سرطان بحری	خرچنگ دریایی	٠	نہریست نهند	ب ی	٠	٠	حرام	مجلی ملطف مقوی عضلات عین و مزید نور بصر و مفید جرب و ظفره و سلاق و دمعه و جالی دوران +
٨٢	سقنقور	٠	٠	جانوری دریای	جر٣	٠	٠	حرام	نافع ضعف باه و منی افزا و منعظ گردی با شراب با بیضه نیمبرشت خورند و بدلش خصیه الثعلب ست و قضیب گاو جوان خشک کرده +
٨٣	سلحفات	بنگ بشت	کچھوا	م	ح و ر ا	امعا	عسل	حرام	مو را کنده سه بار خونش طلا سازند مو بر نیاید خونش خشک کرده باریک ساخته بر چراغ طلا سازند هر که آنرا رخن کند مرطب سازند +
٨٤	سلوی	ذرتیج	لوا	طاریست	حی	کرب اکثار رقص	تمر شیها	حلال	مقوی دل قابض حکم مشتهی طعام دافع فساد باد و رکت تپ و امراض حار و محرک باه و مورث تشنگی و محرک حکه +

	ع	ف	ه	م	ط	مف	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
۸۵	سمانی	پودینه	بٹیر	طایر معروف	حی ۲	گرداز اگشاده معروف	روغنها	حلال	کثیر الغذا اسمرمیہی مسیح زن ا قوی لذ خروج ماکیان و سخن تو ابلیس شکم نافع ناقهان تپ وفساد اخلاط و شتهی طعام سورش رقت قلب +
۸۶	سمک	ماہی	مچھلی	م	ب ر ر ۲	دماغ معده و سپر و د	روغن گاو	حلال	ماہی دریا بسیار بہتر مقوی وماہی چاہی وبلغم افزا ومحدث جذام و نفخ و شکم و ماہی تالاب و دیگران تر بیسی و مقوی اعضا و ماہی نخو [illegible] +
۸۷	سمندل	سمندر	اگن چڑیا	جانوری ست	.	.	.	حلال	یکدانگشت ہر دو آن باب نخود مطبوخ باشیر تازه دافع سموم مشربه و اکتحال دماغ تن با سر به نافع نزول آب و حافظ نور بصر +
۸۸	سمور	سمور	.	حیوانیست	ح ی	.	.	حرام	پوستین آن گرم تر از سنجاب و سخن سینه و گرده و بهی صرطوبین و پیران و سیر و دین را انسب ذرو ریسی آن مجفف قروح +
۸۹	سنجاب	سنجاب	سنجاب	حیوانی چو لند موشش	ح ار ۲	مولد قولنج	روغن بادام	حرام	لحمش رافع جنون اکلا و بجنین امراض سوداوی و داہل بلغم از پوستش پوستین ساخته و در تابستان پوشند بجهت سردی +
۹۰	سنور	گربه	بلی	م	ح ۲	.	.	حلال	ولش بر پرش بسته ہر که با خود دارد و براعدا مظفر ماند بر مور رنده گوشت گربه سیاه سحر کار نخورد پوستش نافع جذام ست شرباد جا زنده دندان گربه سیاه بشب نتر سد خون گربه سیاه بآب بنی خود آبخته و در سرمه کرده در چشم معشوق کشد عاشق تو گردد و در گینش یار و عن بر محموم بحال حمی بردد +
۹۱	سودانی	دار بر	کٹھ پھوڑا	از منقار باشجار برند	حی	.	.	حلال	بسیار مضر براے دماغ و صاحبان ہزال +
۹۲	سوسس	ششبشه	گھن	کرمی ست	.	.	.	حرام	.
۹۳	شاہین	شاہین	شاہین	مرغ مشہور	.	.	.	حرام	سید کبوتر کند چون بیمار شود و زاریح بخورد و فضله ش رافع کلف و توباست +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال وخواص
۹۴	شقراق	سبزک	نیل کنٹھ	طایر معروف	حی ۲	مصدع	سکنجبین	حلال	گوشتش دافع فساد باد و بلغم و خون طلاء و سرگینش دافع کلف +
۹۵	صرد	گنجشک شیر	لٹورہ	پرند و البیت	.	.	.	حرام	زبل آن رافع قوباو آثار جلد و برص و زہرہ آن رافع بیاض و عشاوۂ عین +
۹۶	صعوہ	سنگانہ	حمولا	مرغے خاگستری	حی ۲	.	.	حلال	اکل لحمش خام یا پختہ با ماء العسل مفتت سنگ گردہ و مثانہ و عسر البول و مدقوی است +
۹۷	ضان	ماوہ میش	بھیڑ	م	ح ۲	مصروع	.	حلال	اکتحال مرارہ اش با عسل مزیل بیاض عین و خون گرما گرم و بر صور طلا سازند و نش بحالت اصلی آرد جگر تازہ و آنرا سوختہ بر دندان مالند سفید و براق کند +
۹۸	ضب	سوسمار	گوہ	جانور بیت	حی ۳	محرور	سرکہ	حرام	مقوی باہ اکتحال سرگین آن رافع بیاض عین و نزول آب اگر کعبش برآرے و اشپند دہند ہمہ اسپان پیش رو و سرگینش رافع برص طلا گرا +
۹۹	ضبع	کفتار	بجو	حیوانی برگ	ح ی ۲	ریہ	عسل	حرام	چرمش ہر کہ با خود دارد سگان ازو گریزند ہمچنین اگر زبانش بدست است از دندان حنظل و اصل العنصل بکر بند و صفوف قضیبش بدوانگ مہیج باہ +
۱۰۰	ضفدع	غوک	مینڈک	حیوانی آبے	ب ی ۱	سم قتال	قی باب و نمک	حرام	سوکندہ خونش طلا کند مو دید خونش با بیضہ مور چہ دنوشادر بجا موستردہ بمالند مو دیگر بار بر نیامد جاذب خار است +
۱۰۱	طاؤس	قتیا	مور	م	حی ۲	محرور	اباز بر	حلال	پرش سوختہ با شہد لیسیدن اکسیر است مر فواق را الشک او بر ثالیل طلا سازند از بیخ بر کند ہر کہ استخوانش با خود دارد از چشم بد بر ہد خوردن زہرہ آن عیاست جنون +
۱۰۲	قتلبی و غمنال	آہو	ہرن	م	حی ۳	مکرب تعفن	حمو صنات	حلال	گوشتش بہترین گوشہای جانور شکار است و نافع قولنج و فالج و مغز شاخ گو چرم او را سوختہ گو خشہ بیختہ در طعام طفل برانخو را نند نعمی فصیح خانع گرد پیرہ ذکر مالند دوازدہ و شاخ آہو ہوام گریزند قطور زہرہ آہو در گوش و خوردن مغز سرش رارافع خفقان و تباک دل +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
۱۰۳	عجزوف	سوسوار	چیونٹا	م	.	.	.	حرام	.
۱۰۴	عروسک	.	بیربوٹی	سرخ چون مخمل	ح ۳ ر ۲	.	.	حرام	پاپهالشش در کرده وکیده با برگ تنبول خوردن نافع فالج ولقوه وغیره وضمادش بتقوی باه وذکر وممسک باعث فربهی وسازی ذکر +
۱۰۵	عصفور	کنجشک	چڑیا	گوریا هم گویند	حی ۳	محرور	سکنجبین	حلال	بسیار مقوی کامسر یاح اگر خون ومرارهٔ او با آرد نخود آمیخته حبها ساخته بر از نند و هنگام جماع بر قضیب بمالند و پای بر زمین نهند عجب قوت با تمام بینند +
۱۰۶	عقاب	اله	گدھ	طایر لسیت	حی ۲	.	.	حرام	اکتحال مرارهٔ آن دافع ظلمت عین و نزول ماء وسرگینش محلل خنازیر و پرش هر جا که بسوزد مار بگریزد دخانش نافع اختناق رحم +
۱۰۷	عقرب	کژدم	بچهو	م	بی ۳	ربیه	گل ارمنی	حرام	رمادش بقدر یک سرخ سنگ مثانه حصاة گرد و دم مرده در خرقه بسته زن باخود دارد هرگز اسقاط حمل نشود خاکسترش با روغن طلا سازند مو بر آید +
۱۰۸	عقعق	عکه	مهوکا	طایر لسیت	حی	.	.	حلال	خون یا دماغش جاییکه تیر یا خار خلیده باشد طلا سازند بآسانی بر آید مغزش با شکر یا کودک بخورانند فصیح و ذکی گردد ذبحش مقوی باه
۱۰۹	علق	زلو	جونک	آنکه خون میمکد	بی	.	.	حرام	آرد و کشش بپشه اگر بر زنند بالیده تازه آنرا بر قضیب بطول آن زن و کلان او در زیت پخته لیس یا بقدر یک سیر که مرهم ساخته پارچه حمول کردن قاطع ابواسیر +
۱۱۰	عندلیب	هزار دستان	بلبل	م	حی ۲	.	.	حلال	محرک باه سرگینش جالی قالع بعض مصفی رنگ رخسار ضماداً و مزیل کلف و حمولش مسقط جنین و خاکستر بلبل با تیم هر که گوشتش بخورد فصیح زبان گردد و هر که
۱۱۱	عنقا	سیمرغ	طایری است نه پوشش	.	.	.	.	حرام	عندلیب را خشک کرده باخود دارد هر جا که رود فتح یابد هر دو پا ادسوخته خاکسترش هرجا که بالنداز دعداوت گردد

۵۷ در کشت زار می ماند
[illegible]
کم خورده کوتاه
جثه و سیاه و پاها سیاه
بدن سیاه شده [illegible]
نیست که همین را
[illegible]
[illegible]
[illegible]

	ع	ف	ہ	م	ط	مش	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
۱۱۲	عنکبوت	کلاشس	مکڑی	م	ب ی	.	.	حرام	لبستن تار آن جالبس خون جراحات و لنج سفید غلیظ آن روپستی بباز و لبستن را فع تپ غب و قدری با قند سیاه بحجوم بخورانند تپ برود +
۱۱۳	غداف	کلاغ سیاه	کالا کوا	م	حی ا	.	.	حرام	مل زاغ سیاه خشک کرده هرکرا با شراب ہی بطبع تو گردد و زہرۂ زاغ سیاہ در بینی چکانند موی سفید نه شود برا کل لحمش سحر و جادو کار نکند +
۱۱۴	غراب الزرع	زاغ کشت	.	شاید کویل باشد	ی	.	.	حلال	نافع ببرود و مرطوب مشایخ و مزید بینی زہرۂ آن رافع ناخنه و بیاض و ظلمت بصر و زبل آن رافع بصر و آثار جلد +
۱۱۵	خواص	باتی خوار	پنڈبی	نوعی از مرغابی	.	.	.	حلال	ہرکه خونش با موی مطلوب خود سوخته با خود دارد مطلب طالب او شود و استخوانش ہمین حکم دارد +
۱۱۶	فاختہ	فاختہ	فاختہ پنڈک	طائر معروف	حی	و اباع و سپہر	ترشہ گاو و سکنجبین	حلال	گران نافع فالج و رکت پت و فساد و یہی مار از آواز ش بگریزد و خونش با خون کبوتر بیا از برص طلا سازند . برگت بین ساز د تعلیق بشکش بر جیم +
۱۱۷	فار	موشش	چوہا	م	حی ۳	موزت نسیان	.	حرام	از تبخیر خانه ابہر گلین گرگ یا سگ مع شان گریزند پشک حمام بار و اگر موشان بخورند بمیرند پشک او با سرکه بر دار الثعلب بنند موی بروید و جاذب
۱۱۸	فارہ نخل	موشک پرمان	گلہری	از درختی بدرختی جہد	.	.	.	حرام	[illegible]
۱۱۹	فراشش	پروانہ	تیتگا	بر چراغ افتد	.	.	.	حرام	بر چراغ عاشق است یا آنکه شعله چراغ با رقیب نپندارد و خواهد که از تاریکی بیرون شود تا آنکه در آن افتاده بسوزد +
۱۲۰	فہد	یوز	چیتا	درنده معروف	حی	.	.	حرام	گوشتش گران دافع فساد باد و امراض عصبی و مصفی صوت و دلیری و خرد افزا طلا خونش نیر سود مفاصل نافع از بوی پوستش موشان گریزند +
۱۲۱	فیل	پیل	ہاتھی	م	بی	.	.	حرام	چرک گوشش فیل هرکه بخورد هفت روز نخوابد هرکه براده عاج هر روز ۷ تا با شهد بخورد قوی الحافظه گردد و دود سرگین او میرم بخوگند حمی گریزد +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
۱۲۲	قبج	کبک	چکور	طایر پیست	حی ۲	محرور	ترشیها	حلال	تا لحمش مقوی کثیر الغذا و مسمن بی دماغش نافع استسقا جگرش گرم گرم نیم مثقال فرو بردن نافع صرع اکتحال زهرهٔ آن رافع شبکوری و ضعف بصر +
۱۲۳	قبره	چکاوک	چنڈول	طایر پیست	حی	.	.	حلال	نافع قولنج شوربای شکم براند مبتر و فربه بریان کرده آن نست و مقوی اعضا و دافع فساد صفرا و خون +
۱۲۴	قراد	کنه	کلنی	کرمی بر جانور بچسپد	حی ۳	.	.	حرام	طلاء خون کنه سگ مانع انبات شعر زاید و شو منقلب بعد کندن و اگر بعد قطع شعیره پلک چشم مالند زایل سازد +
۱۲۵	قرد	بوزنه	بندر	م	حی	.	.	حرام	خوندانش با هر که باشد بیدار ماند و لبشب نترسد لحمش نافع مجذوم اکل خونش مانع رویدگی موی و طلا داء الیرقان و در چشم کشند تاریکی ببرد +
۱۲۶	قط	.	.	مرغی ست	.	مولد سودا	سرکه	حرام	نافع ضعف جگر و استسقا استخوانش سوخته با روغن کنجد جوشانیده بر سر اقرع طلا سازند موی بر دیاند خونش بر قضیب طلا سازند باه فزاید و بر داء الثعلب موی بر ویاند اکتحال خون گرم قطا رافع بیاض و شبکوری طلاء استخوان سوخته اش بر روغن زیتون نافع سعفه و داء الثعلب +
۱۲۷	قطرب	.	بهونرا	م	.	.	.	حرام	.
۱۲۸	قمری	قمری	قمری	م	.	.	.	حلال	از آوازش حشرات الارض چون مار و غیره بگریزند +
۱۲۹	قملا	سپس	جون	ورتن پیدا شود	.	.	.	حرام	در پارچه چیده و در نافته سیبی بسوراخ احلیل داده فرو بردن نافع تب ربع ست زنده انگشت مچ رشته با احلیل اندازند رفع حبس بول کند +
۱۳۰	قنفذ	خار پشت	ساهی	جانور پیست	حی ۲	کبد احشا معده	سرکه کاسنی	حرام	نافع صرع و فالج و لقوه و عشه و استسقا و ارقی و جذام و دق گستر پشتش نافع داء الثعلب طلاء با زیت زهرهٔ وی در چشم کشند سفیدی ببرد +
۱۳۱	کبش	میش نر	مینڈها	م	ح	.	.	حلال	اکتحال مرارهٔ آن با عسل نافع نزول الماء استخوانش بجوب گز سوخته طلیش خاکستر سر با موم و روغن گل آمیخته بر استخوان شکسته طلا کنند باصلاح آید +

	ع	ف	ہ	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال و خواص
۱۳۲	أتان و فساس	خرک و سرخک	اگھٹی	وردهایانی نی مانند	حی ۳	.	.	حرام	شیرش با خر بعد عیل با حلق دربستی کاند نهار مالید و نقیه نمود و دوشش در مینی صرع دهند چون دوشش با بع بصدگ دفع شود +
۱۳۳	ارکی	کلمنگ		طایر سیت	حی	سولدوم سوداوی	سرکه نمک	حلال	وی با عسل عنصل شیر بانزیل طحال ببر و باسفرمش با روغن زنبق اگر صاحب نسیان سعوط کنند هیچ چیز فراموش نکند اکتحال بمغزش با فع شبکوری زهره کرکی تا به چقندر سعوط کردن درسعد از لقوه دفع گرد و گوشت کرکی سهی است چربی وی در گوش چکانند کری ببرد +
۱۳۴	کردان	چوبینه	.	جانورسیت	.	.	.	حلال	.
۱۳۵	کلب	سگ	کتّا و کوکر	م	حی ۲	.	.	حرام	هر که گوش سگ با خود دارد سگی ورا ایذا نه دهد ذکرش خشک کرده بر آن ویزند هیجان باه نماید شیر نفیش فوراً اسهال دلو دفع کند بولش ثالیل بر اقلع ملاء +
۱۳۶	لق لق	لکلک	لکلک	طایرسیت	.	.	.	حلال	اگر بچه اش کشته بریان کسی بمالند جذام دور شود اگر چشم او را کسی با خود دارد در آب غرق نگردد +
۱۳۷	مالک الحزین	بوتیمار	بگلا	مرغ ماهی خوار	حی ۲	.	.	حلال	گوشت آن غلیظ و سولد ریاح و ستوی گرده و مجرب باه طلا اگر پیه آن قاطع خون بواسیر ضماد خونش در حمام مانع نزلات +
۱۳۸	مرتیس	کرگدن	گینڈا	بلنداز گاومیش	.	.	.	مختلف فیه	شاخش منفتح قولنج اگر قولنجی بدست گیرد شاخش هر که با خود دارد از چشم بد مامون ماند حامله بدست گیرد زود بزاید شاخش دافع بواسیر بخورا +
۱۳۹	معز	نر نر بز ماده	بکرا بکری	م	حر	سوداوی مزاج	بادام	حلال	کثیر الغذا گوشتش برای گرم مزاجان چنانکه گوشت میش بسرد مزاجان بیمار بهاسر دمحمل الشک قاطع خون گرماگرم بر عضو خسته گذارند زود خون آمده ساکن شود
۱۴۰	بنجام دبنجامه	سرخاب	چکوا چکوی	طایری آبی	حر	محرور	سرکه	حلال	شوربای وی شکم براند و گوشتش گران و مقوی اعضا و جالب بول و برانگیز و دافع فساد صفرا و خون و نافع قولنج است +
۱۴۱	نحل	مگس عسل	شهد کی مکهی	م	ح ی ۳	.	.	حرام	بچه پر برنه آورده و اور البساید خشک کرده و بکدرم با بابونه و آرد گندم نوشیدن البسیار سمن طلاء در طوشتش با عنبر خشنه بزنبور دفع ورم +

	ع	ف	ه	م	ط	مض	مص	حلال یا حرام	افعال وخواص
۱۴۲	نسر	کرگس	گدھ	طایر معروف	حی ۳	ردی الغذا	سرکه	حرام	اگر دوش دپوست زیت کسی با خود دارد حتی الحقیقه عشق تمحبب ومهابت باشد وسبل درا ضرر نرسد واز بخور پیه آن هوام گریزند +
۱۴۳	نعامه	شتر مرغ	شتر مرغ	مرغی ست	حی ۴	محرور	سرکه	حرام	لحمش کثیر الفضول وریه محلل ورام بلغمی رافع نیش عقارب واوجاع بارده گوشتش رافع بادها رافع ثالیل اکتحال پیه اش رافع تاریکی عین +
۱۴۴	نمر	پلنگ	تیندوا	دریست درنده	حی	زهره آن قاتل	قی از شیر	حرام	جلوس بر پوستش نافع خناق وبواسیر دارنده گوشتش در چشم مردم مهیبت وغلبه دندانش هرکه با خود دارد از چشم زخم ایمن ماند اکتحال مراره آن مزید ضوء البصر +
۱۴۵	نمل	مور	چونٹی	م	حی ۳	مکراب کلاً	عسل	حرام	۱۰۰ عدد مور بزرگ مقابر در نیم رطل روغن زیت انداخته یک هفته بآفتاب گذاشته آن روغن بر قضیب طلا نماید نعوظ تمام وتغلیظ وبزرگی ذکر نماید +
۱۴۶	هدهد	بوبک	ہدہد	مرغ سلیمانی	حی ۲	۰	۰	حلال	چشمش زیر بالین نهند خواب آید واگر با خود دارند فراموشی باز یاد آید هرکه زبانش با خود دارد بر عدو غالب باشد +
۱۴۷	یامعد	۰	۰	حیوانی وحشی	۰	۰	-	حلال	اگر او را نیم پخته کودکی که بخورد بلادت او زایل شود وجلوس بر پوستش دافع بواسیر رگ عیش بر ساق بندد از رفتن مانده نشود +
۱۴۸	یربوع	موش دشتی	چوہا جنگلی ونہولس	م	حی ۳	محرق خون	ترشیها	حرام	بکثیر الغذا از طبیش دافع فالج ولقوه ورعشه وامراض بارده اعضا واوجاع مفاصل ودرار بول خونش دافع موی زاید پلک +

اعلان

جمیع صاحبان،
اہل مطابع،
تاجران کتب کیخدمت

مین گذارش ہے کہ یہہ کتاب بے
مثل و لاجواب مفید ہر خاص و عام
مفردات ناصری نام کا حق تصنیف نیازمند
کو حاصل ہے تاجرین و شائقین کی استدعا پر
نیازمند نے چھپوائی طالبان علم طب کی
مدت کے بعد آرزو برآئی ہے قیمت بہی صرف ۸ر
بلامحصول ڈاک قرار پائی ہے لہذا
کوئی صاحب قصد طبع نہ فرمائین تہوڑے
نفع کے لئے نقصان کثیر نہ اوٹہائین

المشتہر

مرزا عنایت علے بیگ

عنایت

لکہنوی